



دکتر هدایت الله فلسفی

دکتر ابراهیم بیگ زاده

گاه شمار حقوق و روابط بین الملل

در دهه نود (۱۹۹۰-۲۰۰۰)



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۷۹	الف - أعمال وروابط سیاسی دولتها
۴۷۳	ب. معاهدات بین المللی
۴۹۱	ج. سازمانهای بین المللی
۵۰۴	د. رویه قضایی بین المللی
۵۱۵	هـ. دکترین
۵۱۹	و. وفیات معاصرین

در تدوین این گاه شمار از منابع زیر استفاده شده است:

- 1 . Revue générale de droit international
- 2 . Journal de droit international
- 3 . American Journal of International Law
- 4 . Annuaire français de droit international
- 5 . Annuaire suisse de droit international
- 6 . Le Monde et le Monde diplomatique*
- 7 . International Herald Tribune
- 8 . Publications de la Cour Internationale de Justice
- 9 . Chronique ONU:Magazine trimerstriel

*. از آقای دکتر نادر ذوالعین که روزنامه های خود را در احبار ما گذاشتند. مصممانه تسکر می نمایم.

الف - اعمال و روابط سیاسی دولت‌ها

۱ - یونان

(محکومیت عامل سوء قصد بر ضد یک هواپیمای آمریکایی در ۱۹۸۹ دادگاه جنایی پیره):

۸ ژانویه ۱۹۹۲)

دادگاه جنایی پیره (Pirée) در ۸ ژانویه ۱۹۹۲، محمدرشید فلسطینی را به اتهام کار گذاشتن بمبی در یک هواپیمای آمریکایی و انفجار آن در اوت ۱۹۸۲ بر فراز هاوایی، که منجر به کشته شدن یک نوجوان ژاپنی شده بود، به ۱۸ سال زندان محکوم کرد. اما این محکوم، مدعی بیگناهی خود بوده و از این رأی تقاضای پژوهش نموده است.

۲- واتیکان**(انتصاب یک سفیر از طرف سوئیس برای یک مأموریت ویژه: ۱۰ ژانویه ۱۹۹۲)**

آقای بنواسترلین (Jeno Strehlin)، مدیر بخش اروپا، ایالات متحده آمریکا و کانادا در وزارت امور خارجه سوئیس، در ۱۰ ژانویه ۱۹۹۲ اعتبارنامه خود را در مقام سفیر سوئیس در واتیکان به پاپ ژان پل تسلیم نمود.

از آنجا که این دیپلمات سفیر دائم در رم نیست و همچنان در برن ساکن خواهد بود، دفتر و کارمندی نیز در رم نخواهد داشت. با توجه به اینکه استرلین از یک خانواده پروتستان است باید گفت که ضرورتی عینی سبب انتصاب مشارالیه شده است. از ۱۲۰ سال پیش به این طرف همیشه سفیری از واتیکان (نونس) در برن حضور داشته است و با این عمل از این پس در روابط میان طرفین نوعی تعادل به وجود خواهد آمد.

۳- آفریقای جنوبی و ژاپن**(برقراری مجدد روابط دیپلماتیک: ۱۳ ژانویه ۱۹۹۲)**

دولتهای آفریقای جنوبی و ژاپن در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۲ به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفارت مصمم گردیدند. بدین ترتیب دو کشور که قبلاً در پایتخت یکدیگر فقط دارای کنسولگری بودند روابط خود را تا سطح سفارت ارتقا دادند. این تصمیم در پی اعزام هیأت ژاپنی به ریاست معاون بانک توکیو به آفریقای جنوبی اتخاذ گردید. روابط دو کشور در سپتامبر ۱۹۸۶ قطع شده بود.

۴- السالوادور**(پایان جنگ داخلی: انعقاد معاهده صلح در مکزیك: ۱۶ ژانویه ۱۹۹۲)**

دولت السالوادور و چریکها در شب اول ژانویه ۱۹۹۲ موافقتنامه آتش بسی را که از اول فوریه ۱۹۹۲ می بایست لازم الاجرا گردد، منعقد نمودند. مذاکرات از ۱۵ اکتبر ۱۹۸۴ شروع شده بود. موافقتنامه صلح بطور رسمی در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۲ در مکزیکو به

وسیله پرزیدنت آلفردو کریستیانی (Alfredo cristiani) و رؤسای جبهه آزادی بخش ملی فارا بوندو مارتی (Farabundo Marti)، با حضور آقایان بطروس عالی دبیرکل سازمان ملل متحد و جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا امضا شد. این موافقتنامه در سه مرحله به اجرا درخواهد آمد: ۱- پایان مخاصمات ۲- انحلال بخشی از ارتش، ۳- بازگشت چریکها به زندگی عادی. مجلس ملی السالوادر در ۲۳ ژانویه قانون عفو عمومی را به اتفاق آرا تصویب نمود.

جنگ داخلی السالوادر که در ۲۴ مارس ۱۹۸۰ با قتل کشیش رومرو (Romero) توسط یک گروه راست افراطی آغاز شده بود، ۷۵۰۰۰ کشته برجای گذاشت.

۵- آلمان

(محکومیت مرزبانان آلمان شرقی به جرم سوء استفاده از قدرت: تصمیم دادگاه عالی برلین:

۲۰ ژانویه ۱۹۹۲)

دادگاه عالی برلین در ۲۰ ژانویه ۱۹۹۲ چهار تن از مرزبانان آلمان شرقی سابق را به اتهام کشتن یک جوان آلمانی به نام کریس گفروی (Chris Gueffroy) محاکمه نمود. این جوان به اتفاق دوست خود سعی کرده بود که شش ماه قبل از سقوط دیوار برلین یعنی در شب ۶ فوریه ۱۹۸۹ از آن عبور نماید. یکی از مرزبانان به نام اینگو هینریخ (Ingo Heinrich) ۲۶ ساله که متهم به شلیک تیر کشنده بود به سه سال و نیم سال زندان محکوم شد.

دومین مرزبان به نام آندریس کویین پوست (Andreas kühnpost) ۲۷ ساله به دو سال زندان تعلیقی محکوم گردید. دو مرزبان دیگر، از جمله رئیس پست دیده بانی که دستور گشودن آتش را داده بود تبرئه شدند.

با تقاضای استیناف از طرف وکلای محکومین مجادله ای در خصوص امکان محاکمه کردن چنین اعمالی مطرح شده است. حدود ۲۰۰ نفر در شرایط مشابه در مرز دو آلمان کشته شده اند. ضمناً مقامات سیاسی و نظامی که دستور آتش داده اند و همچنین سران سابق کمونیست یعنی اریخ میلک (Erich Mielke) (رئیس سابق پلیس مخفی آلمان شرقی «استازی») نیز متهم به تحریک به قتل شده اند ولی تاکنون به این اتهامات رسیدگی

نشده است.

۶- ایالات متحده آمریکا و فرانسه

(ارزیابی مجدد خسارات پرداختی به کمونهای برتون فرانسه که از آلودگی ناشی از کشتی آموکو کادیز

در ۱۷ مارس ۱۹۷۸ متحمل زیان شده‌اند: ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲)

دادگاه استیناف شیکاگو در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ به درخواست کمونهای برتون فرانسه، که از آلودگی ناشی از آموکو کادیز (Amoco cadiz) متحمل زیانهایی شده بودند و این کشتی را به عنوان مسوول فاجعه ۱۷ مارس ۱۹۷۸ معرفی کرده بودند، پاسخ مثبت داد. درخواست کمونها در مورد افزایش نرخ بهره خساراتی است که شرکت آموکو کادیز باید پرداخت نماید. نرخ بهره خسارات درخواستی توسط کمونهای برتون از ۷/۲۲٪ به ۱۱/۹٪ افزایش یافته است. بدین ترتیب مبلغ مصوب دادگاه شیکاگو باید از ۱۲۳ میلیون فرانک به ۲۰۸ میلیون فرانک افزایش یابد. ضمناً دولت فرانسه نیز به نوبه خود از این ارزیابی مجدد خسارات بهره مند خواهد شد و سهم آن از ۹۳۵ میلیون فرانک به ۹۷۰ میلیون فرانک افزایش خواهد یافت.

۷- هند و اسرائیل

(برقراری روابط دیپلماتیک: ۲۹ ژانویه ۱۹۹۲)

دولت هند در ۲۹ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کرد که هند و اسرائیل جهت برقراری روابط دیپلماتیک و گشایش سفارتخانه دهلی نو و تل آویو به توافق رسیده‌اند. هند که دولت اسرائیل را در ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۰ به رسمیت شناخته بود دیر زمانی از عادی کردن روابط خود با آن کشور امتناع می نمود.

۸- ایالات متحده آمریکا**(کاهش مجدد نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا: ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲)**

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲ اعلام کرد که ارتش آمریکا به کم کردن امکانات نظامی خود در اروپا سرعت بخشیده است، و به همین علت ۱۷۰۰۰ نظامی دیگر را به میهن باز می گرداند. تعداد پایگاههای مورد نظر در اروپا به ۸۳ عدد بالغ می گردد که عمدتاً در آلمان واقع شده اند. قرار بود از ۳۰ ژانویه تا اول اکتبر ۱۹۹۲ حدود ۸۶۰۰۰ نفر از نظامیان آمریکایی از اروپا خارج شوند؛ در حالی که در همین مدت این تعداد به ۱۰۶۰۰۰ نفر افزایش یافته است. بدین ترتیب نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا تعدادشان از ۳۱۴۰۰۰ نفر در سپتامبر ۱۹۹۰، به ۲۲۷۰۰۰ در فوریه ۱۹۹۲ رسیده است و این تعداد باید تا آخر سپتامبر ۱۹۹۲ به ۲۰۸۰۰۰ نفر تقلیل یابد.

۹- ژاپن و روسیه**(مسأله جزایر کوریل فوریه ۱۹۹۲)**

دولت آلمان در فوریه ۱۹۹۲ پادرمیانی خود را برای حل اختلاف میان ژاپن و روسیه در مورد مالکیت بر جزایر کوریل به دو کشور پیشنهاد نمود. این پیشنهاد توسط وزیر امور خارجه آلمان اچ. دی گنشر (H. D. Genscher) در خلال سفرش به ژاپن اعلام گردید. آقای آندری کوزیروف (Andrei kozyrev) وزیر امور خارجه روسیه در ۲۰ مارس اعلام کرد، قبل از اینکه امکان واگذاری جزایر کوناشیر (Kunoshir)، ایتوروپ (Iturup)، شیکوتان (shikotan) و هابومه (Habomai)، که از ۱۹۴۵ به اشغال روسیه درآمده اند، مطرح گردد موافقتی وجود دارند که باید مرتفع گردند.

۱۰- واتیکان**(برقراری روابط دیپلماتیک با دولتهای اروپای شرقی: ۸ فوریه ۱۹۹۲)**

واتیکان در ۸ فوریه ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای کبروآسی،

اسلونی، اوکراین برقرار نمود و با آن کشورها سفیر مبادله نمود. واتیکان در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۲ کرواسی و اسلونی را به رسمیت شناخته بود.

۱۱- آلبانی و ایتالیا

(اخراج ۵۴ پناهنده آلبانیایی توسط دولت ایتالیا: ۱۰ فوریه ۱۹۹۲)

دولت ایتالیا در ۱۰ فوریه ۱۹۹۲، ۵۴ تن از پناهندگان آلبانیایی را که بطور غیرقانونی وارد این کشور شده بودند اخراج نمود.

۱۲- مصر و سودان

(وضعیت اختلاف در مرزهای دو کشور: ۱۰ فوریه ۱۹۹۲)

در پایان بازدید دو روزه ژنرال زوبیر محمد صالح (Zoobeir Mohamed saleh)، مرد شماره دو رژیم خرطوم از قاهره، دو کشور مصر و سودان موافقت خود را در ۱۰ فوریه ۱۹۹۲ برای سالم سازی روابط سیاسی با یکدیگر اعلام نمودند. در واقع میان دو دولت اختلافی دیرین درباره حدود مرزی وجود دارد.

اختلاف دیرینه میان مصر و سودان از آن زمان که مصر اطلاع یافت که سودان امتیاز استخراج نفت را در منطقه مورد ادعای مصر به شرکت کانادایی انترناشنال پترولیوم کورپوریشن (International petroleum corporation) اعطا نموده است، مجدداً به صورت یک مسأله روز درآمد. در واقع این امتیاز شامل منطقه حلایب (Halaih) به مساحت ۱۰ کیلومتر مربع می شود که در طرف دریای سرخ، در جنوب شرقی مصر در شمال مدار ۲۲ درجه قرار دارد. ولی مصر اعتقاد دارد که مرزش با سودان در طول مدار ۲۲ درجه قرار دارد که براساس معاهده منعقد در ۱۹ ژانویه ۱۸۹۹ میان مصر و بریتانیای کبیر در مورد اعمال حاکمیت مشترک دو کشور بر سودان تمدید شده است. سودان برعکس به موافقتنامه انگلیس- مصر مورخ ۱۷ مه ۱۹۰۳ استناد می کند که بنا بر آن اداره اقوام سودانی که در شمال مرزهای سیاسی زندگی می کنند به خارطوم داده شده است. وزیر امور خارجه مصر در یک واکنش شتاب زده، از شرکت کانادایی خواست که کارهای خود را متوقف نماید. وی

بلافاصله تأکید نمود که حلابی متعلق به مصر است و بنابراین امتیاز اعطایی از طرف خارطوم به شرکت کانادایی اعتبار ندارد. اختلاف مرزی در مورد حلابی منجر به یک مخاصمه مسلحانه میان دو کشور در ۱۹۵۸ گردید. از آن پس این اختلاف میان دو کشور کاهش یافت، هر چند که روابط آنها به علت مواضع متفاوتشان در قبال جنگ خلیج فارس به وخامت گراییده بود.

۱۳- آلمان و روسیه

(وضعیت اختلاف در مورد مخارج قوای اشنالی شوروی مستقر در آلمان شرقی سابق: ۱۱ فوریه ۱۹۹۲)

آقای گرهارد اشتولتبرگ (Gerhard Stoltenberg) وزیر دفاع آلمان در ۱۱ فوریه ۱۹۹۲ اعلام کرد که آلمان درخواست روسیه را مبنی بر پرداخت اضافه بر مبلغ توافق شده برای خارج کردن نظامیان جامعه دولتهای مستقل که هنوز در آلمان شرقی سابق مستقر هستند، رد کرده است. در اول فوریه ۱۹۹۲ وزیر دفاع روسیه خواستار ۷ میلیون مارک اضافی شده بود تا اینکه جامعه دولتهای مستقل بتواند نیروهای نظامی خود را در مدت توافق شده یعنی تا ۱۹۹۴ از خاک آلمان خارج نماید.

۱۴- چین و ویتنام

(برقراری مجدد روابط کنسولی: ۱۴ فوریه ۱۹۹۲)

چین و ویتنام در ۱۴ فوریه ۱۹۹۲ تصمیم خود را مبنی بر برقراری مجدد روابط کنسولی میان دو کشور و حذف روادید برای دارندگان گذرنامه های رسمی یا دیپلماتیک، اعلام نمودند.

۱۵- ایالات متّحد آمریکا و فیلیپین

(آینده پایگاههای سابق آمریکا: ۱۸ فوریه ۱۹۹۲)

خانم کورازون آکینو، رئیس جمهور فیلیپین در ۱۸ فوریه ۱۹۹۲ از پرزیدنت بوش

خواست تا به این کشور کمک نماید تا پایگاه دریایی سوییک بی (Subic Bay) را که توسط دولت آمریکا رها شده ولی هنوز مورد استفاده ناوهای جنگی آمریکا قرار می‌گیرد، به یک بندر تجاری تبدیل کند.

۱۶- واتیکان

(سفر جدید ژان-پل دوم به آفریقا: ۱۹ تا ۲۶ فوریه ۱۹۹۲)

پاپ هشتمین سفر خود به آفریقا را که از ۱۹ تا ۲۶ فوریه ۱۹۹۲ به طول انجامیده بود به پایان رساند. او در این سفر از کشورهای سنگال، گامبیا و گینه بازدید نمود.

۱۷- چین و ایالات متحده آمریکا

(نفو مجازاتهای آمریکا بر ضد چین: ۲۱ فوریه ۱۹۹۲)

ایالات متحده آمریکا، در پی بهبود روابط خود با چین، در ۲۱ فوریه ۱۹۹۲ موانع موجود بر سر راه ارسال تکنولوژی حساس (قطعات ساتلایت، کامپیوتر با سرعت زیاد) برای کارخانه‌های اسلحه‌سازی چین را از میان برداشت. این مجازات در ژوئن ۱۹۹۱ در پی افشای این مسأله که دو شرکت چینی، «اطلاعات حساسی» را در مورد تکنولوژی موشک‌سازی به سوریه و ایران و پاکستان داده بودند برقرار شده بود.

تغییر موضع واشنگتن در پی قول کتبی آقای کیان کیشن وزیر امور خارجه چین به وجود آمده است. چین کتباً اعلام نموده است که از این پس فعالیت خود را با قواعد «نظام نظارتی بر تکنولوژی موشکی» منطبق خواهد ساخت. باشگاه نظارت بر تکنولوژی موشکی (M.T.C.R) توسط ۱۸ کشور در ۱۹۸۷ ایجاد شده است و امضا کنندگان اساسنامه آن متعهد شده‌اند که صادرات موشک‌های با شارژ بیش از ۵۰۰ کیلو و با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر را محدود نمایند. با این حال پکن متعهد به عضویت در این باشگاه نشده است.

۱۸- سویس

(ابتکاری در جهت حمایت از اقلیتها: ۲۲ فوریه ۱۹۹۲)

خانم یوزی مایر (Josi Meier) رئیس شورای دولتی سویس (conseil d'Etat) در ۲۲ فوریه ۱۹۹۲ در نطقی که در استراسبورگ خطاب به رؤسای مجالس پارلمانی اروپا ایراد کرد، آمادگی کشورش برای دادن نظر کارشناسی در مورد حمایت از اقلیتها را به دولتهای دموکراتیک جدید در اروپای شرقی اعلام نمود.

خانم مایر اظهار داشت که «کارشناسی» کشورش حاصل تحولی است که چندین نسل به طول انجامیده است. برن حاضر است که با پارلمانهای کشورهای کمونیست سابق برای تدوین مقررات جدیدی در مورد اقلیتها، که موضوع مهمی برای اکثر آنها به شمار می‌آید، همکاری نماید.

۱۹- امارات متّحد عربی و فرانسه

(اولین مانورهای نظامی مشترک: ۲۷-۲۲ فوریه ۱۹۹۲)

حدود هزار نفر از نیروهای واکنش سریع نیروی دریایی و نیروی هوایی فرانسه در عملیات نمایشی ۲۷ تا ۲۲ فوریه ۱۹۹۲ با واحدهای امارات متّحد عربی همکاری نمودند. این مانور «روباه کوچک» نامگذاری شد. مانورهایی از این نوع برای اولین بار است که توسط دو کشور انجام می‌شود. این مانورها در منطقه الاسمره (Al Asmara) در جنوب شرقی دومی انجام شد.

۲۰- هائیتی

(تحول اوضاع: ۲۳ فوریه ۱۹۹۲)

اوضاع هائیتی همچنان مفسوس و درهم ریخته است. یک موافقتنامه در ۲۳ فوریه ۱۹۹۲ در واشنگتن میان نمایندگان مجلس هائیتی و زنان- باتیست آریستید (Jean-Baptiste Aristide) رئیس جمهور مخلوع این کشور برای برقراری مجدد دموکراسی

و بازگشت رئیس جمهور به کشور و همچنین باقی نگاهداشتن ژنرال سدراس (cedras) در مقام فرمانده ارتش منعقد گردید. ولی آقای ژوزف نرت (Joseph Nérette) رئیس جمهور موقت، که به کمک نظامیان روی کار آمده است، این موافقتنامه را در ۵ مارس رد نمود. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ژنو تشکیل شده بود کودتای ۱۹۹۱ و لطمه به آزادیهای بنیادین (اعدامهای سریع، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، تجاوز و غیره) در این کشور را محکوم کرد.

۲۱- دولتهای بالت

(مشارکت در زندگی بین المللی: ۲۵ فوریه ۱۹۹۲)

نظامیان سابق شوروی که تحت فرمان روسیه فدراتیو درآمده اند در ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ خروج خود را از لیتوانی با تخلیه یک پایگاه ضد هوایی در مینسکونایی (Mitskounai) اعلام نمودند. اتحاد جماهیر شوروی سابق، پس از مذاکره با لیتوانی و لتونی در اول فوریه، اصل خروج نیروهایش را که در لیتوانی و لتونی مستقر هستند پذیرفت. بریتانیای کبیر در پی مذاکراتی که از ماه نوامبر ۱۹۹۱ شروع شده بود، سرانجام در ۳۱ مارس ۱۹۹۲ میزان ۱۸۰ میلیون فرانک-طلا را که از ۱۹۴۵ بلوکه شده بود به لیتوانی منتقل نمود.

بالاخره چین در ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ تصمیم گرفت، بی آنکه روابط دیپلماتیک خود را با لتونی قطع نماید، سفارت خود را در لتونی تعطیل کند. تصمیم چین در پی تصمیم دولت لتونی مبنی بر صدور مجوز برای تایوان برای گشودن کنسولگری در ریگا اتخاذ گردید.

۲۲- لیبی و تونس

(درخواست مجدد گذرنامه برای سفر میان دو کشور: ۲۵ فوریه ۱۹۹۲)

لیبی و تونس همزمان تصمیم گرفتند که اتباع آنها برای عبور از مرزهای دو کشور ملزم به ارائه گذرنامه باشند. بنابراین ارائه گذرنامه از تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ در مبادی ورودی دو کشور الزامی شده است. از چهار سال پیش ارائه کارت هويت برای عبور اتباع

دو کشور از مرزهای یکدیگر کفایت می‌کرد. طبق گفته وزیر امور خارجه تونس این تصمیم در پی کشف کارتهای هویت جعلی اتخاذ گردیده است.

۲۳- یونان

(عمله به کشتی یونان سیتی پاروس توسط فلسطینیان در ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۸، متهم کردن مسوول گروه:

۲۷ فوریه ۱۹۹۲)

کشتی مسافربری یونانی سیتی پاروس (city of paros)، در روز ۱۱ ژوئیه ۱۹۸۸ در سواحل آتن توسط عده‌ای فلسطینی با مواد منفجره مورد حمله قرار گرفت. این سوء قصد نه کشته بر جای گذاشت که از آن میان سه تن فرانسوی و یک دختر جوان و نامزدش به چشم می‌خوردند. ژان- لویی بروگیر (Jean-louis Bruguière) بازپرس فرانسوی این پرونده در ۲۷ فوریه ۱۹۹۲ خواستار آن گردید که لیبی سمیرمحمداحمد خدیر (Samir Mohamed Ahmed Khaidir) را به عنوان مسوول گروه حمله کننده به فرانسه تحویل دهد. نامبرده که در ۱۹۵۰ در اردن متولد شده فلسطینی است و پاسپورت لیبیایی دارد. این قاضی در همان روز چهار دستور بین المللی برای دستگیری عاملان این سوء قصد به اتهام آدم کشی و اقدام برای آدم کشی عمده صادر نمود. دستگاه قضایی یونان این قضیه را در ۱۹۹۱ مختومه اعلام کرده بود.

۲۴- کانادا

(مسأله خروج نیروهای کانادایی مستقر در آلمان: ۲۸ فوریه ۱۹۹۲)

بر اساس اطلاعات تورنتوسان (Toronto sun) در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۲، دولت بریتانیا از دولت کانادا خواسته است تا طرح خروج نیروهایش از آلمان را مورد بررسی مجدد قرار دهد. دولت اوتاوا در سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام کرده بود که ممکن است دو پایگاه نظامی خود در جنوب آلمان را بسته و فقط تعداد ۱۱۰۰ نفر از نیروهایش را بطور نمادین در خاک آن کشور حفظ نماید.

۲۵- کرواسی و واتیکان

(نصب سفیر در زاگرب: ۲۹ فوریه ۱۹۹۲)

واتیکان در ۲۹ فوریه ۱۹۹۲ انتصاب کشیش ژولیو ایناندی (Giulio Einandi) را به عنوان سفیر خود (Nonce apostolique) در کرواسی اعلام نمود. این کشیش ایتالیایی که ۶۴ سال دارد قبلاً سفیر واتیکان در شیلی بود. واتیکان در ۱۳ ژانویه گذشته کرواسی را، که اکثر مردم آن کاتولیک هستند، به رسمیت شناخته بود.

۲۶- چین و سوئیس

(ادامه ممنوعیت صادرات تسلیحات سوئیس به چین: ۲ مارس ۱۹۹۲)

شورای فدرال سوئیس در ۲ مارس ۱۹۹۲ تصمیم گرفت که همچنان ممنوعیت صادرات لوازم جنگی به چین را حفظ نماید. این ممنوعیت در پی برخوردهای میدان تینانمن (Tienanmen) در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۹ برقرار شده بود. اعلامیهٔ دیارتمان نظامی فدرال در این خصوص متضمن این نکته است که: «گرچه از آن وقت تا به حال بهبودهایی در زمینه رعایت حقوق بشر در چین به وجود آمده است، ولی وضعیت حاکم در این کشور هنوز با انتظارات جامعه بین‌المللی هماهنگ نیست».

۲۷- یوگسلاوی

(فروپاشی فدراسیون یوگسلاوی: ۳ مارس ۱۹۹۲)

در یوگسلاوی وضعیت همچنان نامعلوم است. به دنبال استقلال کرواسی و اسلونی نوبت به بوسنی-هرزه گوین رسید که استقلال خود را در ۳ مارس ۱۹۹۲ بعد از انجام یک فراندوم با ۶۳٪ رأی مثبت اعلام نماید. دولت جدید در ۶ آوریل توسط ۱۲ دولت عضو جامعه اقتصادی اروپا، در ۷ آوریل توسط ایالات متحده آمریکا، و در ۸ آوریل توسط سوئیس به رسمیت شناخته شده است.

۲۸- یونان و ترکیه**(برخورد میان دو کشور در دریای اژه: ۵ مارس ۱۹۹۲)**

ترکیه در ۷ مارس ۱۹۹۲ یادداشت یونان در مورد حادثه ۵ مارس در دریای اژه را که در جریان آن یک کاپیتان و یک صیاد ترک بر اثر شلیک گارد ساحلی یونان کشته و مجروح شدند رد نمود. دولت آنکارا حق خود را برای درخواست خسارت باقی نگاه داشته است.

۲۹- اسرائیل و ترکیه**(قتل بن دیپلماتیک اسرائیلی در آنکارا: ۷ مارس ۱۹۹۲)**

مسئول امنیتی سفارت اسرائیل در آنکارا در ۷ مارس ۱۹۹۲ در یک سوء قصد با بمب به هلاکت رسید. این عمل به انتقام کشته شدن عباس موسوی رئیس حزب الله لبنان انجام گرفت. مسؤلیت این سوء قصد در آن واحد هم توسط حزب الله هم به وسیله جهاد اسلامی و هم توسط یک سازمان ناشناخته به نام سازمان قصاص اسلامی به عهده گرفته شد.

۳۰- لبنان**(بیلان ۱۵ سال جنگ: ۹ مارس ۱۹۹۲)**

سرورس اطلاعاتی پلیس، بیلان رسمی جنگ در لبنان را در ۹ مارس ۱۹۹۲ منتشر نمود. این جنگ بین سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ حدود ۱۴۴۲۴۰ کشته، بیش از ۱۷۴۱۵ نفر مفقود و ۱۹۷۵۰۶ نفر مجروح از خود به جای گذاشته است. در میان ناپدیدشدگان ۱۳۹۶۸ لبنانی وجود دارند که توسط چریکهای مسیحی و مسلمان ربوده شده اند و گمان می رود که اکثر آنها مرده باشند. در مورد مجروحین باید گفت که رقم واقعی چندین برابر رقم اعلام شده می باشد. فقط حدود ۳۶۴۱ انفجار توسط ماشین حامل مواد منفجره روی داده است که ۲۳۸۶ کشته و ۶۷۸۴ نفر مجروح از خود برجای گذاشته است.

ضمناً آمارهای منتشر شده در ۹ مارس، تعداد قربانیان نبرد مابین فلسطینیان اردوگاههای پناهندگان را که بالغ بر ۶۶۳۸ کشته و ۷۹۱۱ مجروح است به حساب نیاورده اند.

۳۱- اسپانیا و یمن

(برخورد در سنتا: ۱۲ مارس ۱۹۹۲)

یک کشتی با پرچم هندوراس که حامل سلاحهای سبک و مواد منفجره ساخت لهستان به مقصد جمهوری یمن بود در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ در بندر سنتا (centa) توسط مقامات اسپانیایی متوقف شد. مدارک کشتی، که در حال سوختگیری در سنتا بود، نشان می داد که محموله این کشتی شن بوده است.

۳۲- ایالات متحده آمریکا

(اعلام قانون جدید کیفری: ۱۲ مارس ۱۹۹۲)

اتباع آمریکایی یا خارجیان ساکن ایالات متحده که متحمل شکنجه در خارج از این کشور شده اند می توانند از این پس در محاکم آمریکایی اقامه دعوا نمایند. پرزیدنت بوش در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ قانونی را توشیح نمود که اجازه می دهد ماملان خارجی شکنجه یا قتل در کشورهای خارجی در دادگاههای آمریکا محاکمه شوند. با این حال پرزیدنت بوش اعلام نموده که این قانون ممکن است محاکم آمریکا را گرفتار «قضایای سختی» کند.

۳۳- موریس

(اعلام جمهوری: ۱۲ مارس ۱۹۹۲)

جزیره موریس، همانند بسیاری از سرزمینهای دیگر که به صورت جمهوری درآمده و عضو جامعه مشترک المنافع با یک رئیس مشترک یعنی ملکه انگلستان شده اند (همچون هندوستان، پاکستان، تانگانیکا، نیجریه، زامبیا، کینا، سنگاپور، گویان، سیرالئون،

سریلانکا)، در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ در حضور ۳۰ تن از نمایندگان دولتهای خارجی حکومت خود را جمهوری اعلام نمود. تا به حال فقط آفریقای جنوبی در ۳۱ مه ۱۹۶۱ با تشکیل جمهوری از جامعه دولتهای مشترک المنافع خارج شده است. جزیره موریس با این عمل موثر بودن پراتیک را به منطق حقوقی ترجیح داده است.

۳۴- آفریقای جنوبی

(الغای رسمی آپارتاید: ۱۷ مارس ۱۹۹۲)

سفیدپوستان آفریقای جنوبی، یک هفته بعد از لغو مجازاتههای اقتصادی (در ۱۱ مارس ۱۹۹۲)، با رفراندوم ۱۷ مارس لغو قوانین تبعیض نژادی (آپارتاید) را، که از ۱۹۴۸ به اجرا گذاشته شده بود اعلام نمودند. قرار است از این پس سیاست لیبرالیستی که توسط نخست وزیر این کشور آقای فردریک دو کلرک، که از ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۹ در رأس قدرت قرار گرفته است، اعلام شده است به اجرا درآید.

تزدیک به ۳۳۰۰۰۰۰ نفر از سفیدپوستان آفریقای جنوبی به رأی گیری دیموت شده بودند که حدود ۸۵/۵٪ آنها در رأی گیری شرکت نمودند. از آن میان حدود ۱۹۲۴۱۲۶ نفر برابر ۶۸/۷٪ رأی به نفع و ۸۷۵۶۱۹ نفر برابر ۳۱/۳٪ رأی بر ضد آپارتاید رأی دادند. قوانین بنیادی آپارتاید در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۱ به حالت تعلیق درآمده بودند.

۳۵- آرژانتین و اسرائیل

(سوء قصد و تخریب سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس: ۱۷ مارس ۱۹۹۲)

سفارت اسرائیل در بوئنوس آیرس، در پی یک انفجار در ساعت ۱۵ روز ۱۷ مارس ۱۹۹۲ تخریب شد. جهاد اسلامی همان شب مسؤلیت این انفجار را که ۲۸ کشته و ۲۳۵ مجروح برجای گذاشت به عهده گرفت. این سوء قصد را پرزیدنت بوش و پرزیدنت میتران و پطروس نمالی محکوم کرده اند. به دنبال این حادثه پلیس پنج تن را دستگیر نمود. این سوء قصد احتمالاً توسط یک ماشین محتوی مواد منفجره انجام شده است.

۳۶- موزامبیک و زامبیا**(قتل سفیر موزامبیک در لوزاکا: ۱۷ مارس ۱۹۹۲)**

جسد آقای شارافودین خان (shar fudine khan) سفیر موزامبیک در زامبیا در خانه خود در محله دیپلماتیک لوزاکا در ۱۷ مارس ۱۹۹۲ کشف شد. طبق گفته پلیس محل زندگی مقتول توسط مهاجمین زیرورو شده است. محافل رسمی از پاسخ به اینکه آیا قتل دلایل سیاسی داشته است یا نه اجتناب کردند.

۳۷- ترکیه**(تظاهرات بر ضد تعدادی از سفارتخانه‌های ترکیه در اروپا: ۲۴ مارس ۱۹۹۲)**

سفارتخانه‌های ترکیه در استکهلم، اسلو، بروکسل، برن، پاریس، لاهه و لندن در ۲۴ مارس ۱۹۹۲ توسط هواداران کردها مورد حمله قرار گرفت.

۳۸- سوئیس**(انتشار گزارش کمیته کارشناس منتخب شورای فدرال در مورد آینده بی طرفی سوئیس: ۲۶ مارس****(۱۹۹۲)**

یک گروه کارشناسی متشکل از ۱۵ نفر از نقاط مختلف به ریاست آقای ماتیااس کرافت (Mathiaskraft) مدیر بخش حقوق بین الملل عمومی در دپارتمان فدرال امور خارجه، گزارشی را در مورد بی طرفی دائمی سوئیس به درخواست شورای فدرال تهیه نمود. این گزارش در ۲۶ مارس ۱۹۹۲ در برن منتشر گردید. به نظر کمیته، بی طرفی دائمی تا زمانی که خلاف آن ثابت نشود تضمین کننده امنیت سوئیس می باشد، ولی سوئیس نباید برای آن اهمیتی همانند سابق قائل باشد. بدین ترتیب زمان مناسبی است که یک تعریف دقیق تر از بی طرفی ارائه گردد که بطور خلاصه و بنابر مفاهیم اساسی حقوق بین الملل همان عدم مشارکت نظامی در یک مخاصمه است. سیاست خارجی سوئیس به خصوص باید خود را از الزاماتی که از یک تفسیر موسع از بی طرفی پدید می آیند رها سازد.

گزارش اشاره می‌کند که سیاست خارجی سوئیس براساس تغییرات بنیادینی که در روابط بین‌المللی روی داده‌اند طرح‌ریزی خواهد شد. پایان تهدید ناشی از جنگ سرد و وابستگی متقابل میان دولتها باید منجر به تعریف مجددی از سیاست خارجی گردد و گرنه سوئیس با خطر عدم توانایی کافی در دفاع از منافع خود روبه‌رو خواهد شد.

کارشناسان طبعاً بر روی نتایج حاصل از توسعه روابط سوئیس تأمل کرده و اصولاً این سؤال برایشان مطرح شده است که این روابط چه آثاری بر بی‌طرفی خواهد داشت.

در حال حاضر عضویت در جامعه اروپا حداقل تا زمانی که سوئیس تصمیم به داشتن یک سیاست امنیتی و دفاعی مشترک (با اعضای جامعه) ندارد، برای سوئیس هیچگونه مشکلی ایجاد نمی‌کند. عضویت در سازمان ملل متحد نیز با بی‌طرفی دائمی این کشور هماهنگ است. سیستم امنیت جمعی سازمان ملل متحد در واقع همان اهدافی را دنبال می‌کند که سیاست بی‌طرفی در پی آن است؛ یعنی حفظ تمامت ارضی دولتها، پیشگیری از بروز مخاصمات و حفظ همزیستی مسالمت‌آمیز. سوئیس به دلایل فوق باید خود را با سازمان ملل متحد همسو نماید و آن در وقتی است که اعضای سازمان مجازاتهایی را بر ضد عواملان تجاوز به حقوق بین‌الملل اعمال می‌نمایند. وانگهی، سوئیس نباید مانع عملیات نظامی سازمان ملل متحد شود همچنانکه می‌تواند، اگر منافعی اقتضا نماید، اجازه عبور یا پرواز برفراز سرزمین خود را به گروههای نظامی اعطا نماید.

جهت‌گیری جدید سیاست بی‌طرفی سوئیس مشکلی برای فعالیتهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ایجاد نمی‌کند. با این وصف شاید لازم باشد که برن و سازمان صلیب سرخ جهانی یک موافقتنامه مقرر با یکدیگر امضا نمایند. بدین ترتیب کمیته بین‌المللی صلیب سرخ از مزایا و مصونیهایی که سوئیس به دیگر سازمانهای بین‌المللی مستقر در ژنو اعطا کرده است بهره‌مند خواهد شد. همچنین استقلال این کمیته نسبت به سوئیس تقویت می‌گردد و از تداخل و اغتشاش میان سیاست سوئیس و فعالیت کمیته و همچنین میان بی‌طرفی دولت سوئیس و بی‌طرفی بشر دوستانه کمیته اجتناب می‌شود.

حال نوبت شورای فدرال است که نظر خود را نسبت به گزارش کارشناسان ابراز دارد. شورا مجبور است که به خصوص از میان آنچه گروه کاری ارائه نموده و آنچه توسط آقای کاسپار ویلیژر (Kaspar Villiger) رئیس دپارتمان نظامی فدرال بیان شده یکی را انتخاب نماید. به نظر شخص یاد شده سوئیس باید بی‌طرفی از نوع دیگری را برگزیند،

چندان که بی طرفی خود را مورد به مورد و با توجه به نوع مخاصمه اعلام نماید.

۳۹- آلمان و ترکیه

(تعلیق در تحویل سلاحهای آلمان به ترکیه: ۲۶ مارس ۱۹۹۲)

براساس اعلامیه سخن گوی دولت آلمان آقای دیتر فوگل (Dieter vogel) دولت این کشور در ۲۶ مارس ۱۹۹۲ تصمیم گرفته است کمک نظامی خود به ترکیه را به حالت تعلیق درآورد. این تصمیم به علت نگرانیهایی که دولت آلمان از بابت کاربرد تسلیحات تحویلی به آنکارا بر ضد کردهای این کشور داشته، اتخاذ گردیده است.

دولت آلمان اطلاعاتی را که در خصوص کاربرد سلاحهای این کشور علیه کردهای ترکیه به دست آورده خیلی جدی تلقی کرده است و اعلام نموده که تحویل سلاح به ترکیه، که یکی از شرکای آلمان در ناتو می باشد، از سر گرفته نخواهد شد، مگر آنکه حدود این مسأله دقیقاً روشن گردد. اگر ثابت شود که نیروهای ترک از سلاحهای آلمانی بر ضد کردها استفاده می کنند این عمل تجاوز آشکار ترکیه به موافقتنامه های میان دو کشور تلقی خواهد شد. آقای فوگل همچنین افزود که دولت آلمان در ۲۵ مارس به ترکیه اخطار نموده است که این کشور باید مسأله کردها را «از راههای دموکراتیک موجود در یک دولت قانونی» حل و فصل نماید و اشاره کرده که اگر این کشور بخواهد سیاست نزدیکی خود با اروپا را تداوم بخشد باید حقوق بشر و حقوق اقلیتها را رعایت نماید.

۴۰- فرانسه

(توقیف کشتی رن بوواریو ۲ در منطقه مورو روآ: ۲۷ مارس ۱۹۹۲)

کشتی حرکت صلح سبز (Green peace) موسوم به رن بوواریو ۲ (Rainbow warrior II) که به منطقه انحصاری نظامی ۱۲ مایلی اطراف مجمع الجزایر موروروا نفوذ کرده بود، سحرگاه ۱۲ مارس ۱۹۹۲ بی سرو صدا توسط ناو کوچک جنگی لاواله (Lavallée) در ۵ مایلی جزیره موروروا توقیف و به فانگاتوفا، بخشی از دریا که میان خشکی و صخره ای مرجانی واقع گردیده، هدایت شد. سرنشینان خارجی این کشتی اخراج

و سرنشینان فرانسوی آن برای محاکمه با هواپیما به پایت (papete) منتقل شدند. کشتی مزبور قصد داشت اردوی صلحی به علامت پایان جنگ سرد و اعتراض به ادامه آزمایشهای هسته ای فرانسه در موروروآ برپا کند، و این در حالی است که آقای پیربروگروا (Picte Bérogroy) نخست وزیر فرانسه، انجام این آزمایشها را از ۹ آوریل تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ به حالت تعلیق در آورده بود.

۴۱- ایران و سوئیس

(محدود نمودن رفت و آمد مأموران دیپلماتیک ایران در سوئیس: ۳۱ مارس ۱۹۹۱)

شورای فدرال سوئیس در ۳۱ مارس ۱۹۹۲ تصمیم گرفت تا آزادی رفت و آمد کارکنان سفارت ایران در سوئیس را محدود به یک شعاع ۴۰ کیلومتری در اطراف برن نماید. کارکنان دیپلماتیک و کنسولی جمهوری اسلامی که در ژنو هستند مشمول این مقررات نشده اند.

این تصمیم سوئیس در واقع پاسخ به تصمیم مشابهی است که مقامات ایرانی از ماه دسامبر ۱۹۹۱ در مورد دیپلماتهای سوئسی در تهران اخذ نموده اند. باید خاطر نشان کرد که این تصمیم متقابل به هیچ وجه منافاتی با کنوانسیون ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک، که ماده ۴۷ آن مشروعیت عمل به مثل را در این قلمرو پذیرفته است، ندارد.

۴۲- اسپانیا و ایالات متحده آمریکا

(بستن پایگاه آمریکا در تورخن: آوریل ۱۹۹۲)

اسپانیا و ایالات متحده آمریکا در ۲۶ سپتامبر ۱۹۵۳ پروتکلهایی را امضا نمودند که منجر به ایجاد چهار پایگاه آمریکایی در خاک اسپانیا گردید. پایگاه تورخن (Torrejon) یکی از این چهار پایگاه است که در سپتامبر ۱۹۵۶ گشایش یافته و توانایی پذیرش ۱۲۰۰۰ نفر را دارد. طولانی ترین پیست نظامی در اروپا از آن این پایگاه می باشد. ایالات متحده آمریکا پس از دو سال مذاکره سرانجام پذیرفت که این پایگاه را تعطیل کند، به

شرط آنکه اسپانیا به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بپیوندد. ایالات متّحد آمریکا با خارج کردن ماهانه ۱۵۰ نظامی توانست این پایگاه را در آوریل ۱۹۹۲ تخلیه نماید. آخرین هواپیماهای آمریکایی در ۲۴ مارس ۱۹۹۲ از این پایگاه خارج شدند.

به نظر ایالات متّحد آمریکا پایگاه تورخن از اهمیت زیادی برخوردار است. این پایگاه به عنوان دروازه‌های مدیترانه قابلیت آن را دارد که به عنوان محل مناسبی برای دخالت نظامی احتمالی در شمال آفریقا یا در خاور نزدیک مورد استفاده قرار گیرد. با آنکه این پایگاه، به علت مخالفت مادرید، در خلال بمباران تریپولی در آوریل ۱۹۸۶ توسط هواپیماهای آمریکایی مورد استفاده قرار نگرفت، ولی در عوض در خلال جنگ خلیج فارس به کرات مورد استفاده واقع شد.

۴۳- فرانسه

(آمار اخراجها: ۱۰ آوریل ۱۹۹۲)

تعداد بیگانگانی که به اتهام برهم زدن نظم عمومی محکوم به اخراج از فرانسه شده بودند کاهش یافته است. براساس آمار وزارت کشور تنها ۵۰۶ تن خارجی در ۱۹۹۱ از خاک فرانسه اخراج شده‌اند و این پایین‌ترین رقم از ۱۹۴۵ بوده است. دولت فرانسه در سه سال و نیم گذشته، یعنی از اوّل ژوئیه ۱۹۸۸ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱، تعداد ۱۶۹۰ نفر را اخراج نموده است؛ در حالی که این رقم فقط در سال ۱۹۸۷ برابر ۱۷۶۴ نفر بوده است.

۴۴- فرانسه

(ایجاد سفارتخانه‌های جدید: آوریل ۱۹۹۲)

فرانسه، در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و یوگسلاوی هشت سفارتخانه جدید در کشورهای اوکراین، بیلوروسی، ارمنستان، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، کرواسی و اسلونی گشوده است. سفرای آینده باید به محض اعلام پذیرش دولتهای فوق منصوب گردند.

۴۵- لیبی

(حمله به تعدادی از سفارتخانه های خارجی در تریپولی: ۲ آوریل ۱۹۹۲)

در مدتی کمتر از دو روز بعد از تصویب قطعنامه شورای امنیت در مورد اعمال مجازاتهایی بر ضد لیبی از ۱۵ آوریل ۱۹۹۲، تظاهراتی از طرف مردم این کشور در ۲ آوریل در مقابل سفارتخانه های کشورهای عضو شورای امنیت در تریپولی که به قطعنامه رأی مثبت داده بودند برپا شد. سفارتخانه های روسیه و به خصوص ونزوئلا در تریپولی مورد حمله قرار گرفت و خسارات سنگینی به آنها وارد شد. اولین سفارتخانه متعلق به ونزوئلا یعنی کشوری بود که ریاست شورای امنیت را در هنگام تصویب قطعنامه به عهده داشت. این سفارتخانه توسط ۳۰۰ دانشجوی که با انوبوس به محل آورده شده بودند مورد حمله قرار گرفت. در آن هنگام تنها ۵ پلیس در مقابل سفارتخانه حضور داشتند. اشغال کنندگان بعد از تخریب دیوار سفارتخانه و پرتاب بمبهای آتش زا، دو اتوموبیل را به آتش کشیدند. آتش نشانی نیم ساعت و نیروی امدادی پلیس نیز یک ساعت و نیم بعد از وقوع حادثه به محل رسیدند. در این جریان کسی مجروح نشد. تظاهر کنندگان نالاش بی شماری را برای وارد شدن به سفارتخانه بلژیک (دولت حافظ منافع آمریکا در تریپولی) نمودند. تظاهر کنندگان سپس مبادرت به سوزاندن پرچمهای آمریکا، انگلستان و بلژیک کردند.

شورای امنیت به اتفاق آرا چنین اعمال افراطی را محکوم نمود و در همان روز یعنی ۲ آوریل تفسیر آقای احمدالهندوری (Ahmed el Honduri) سفیر لیبی در سازمان ملل متحد را رد کرد، سفیر لیبی مدعی بود این تجاوزات نوعی اعمال انتقامی قابل توجیه در مقابل موضع شورای امنیت بوده اند.

۴۶- آلبانی

(استعفای پرزیدنت رامیز علیا: ۳ آوریل ۱۹۹۲)

پرزیدنت رامیز علیا (Ramiz Alia) طی یک برنامه رادیویی ویژه در ۳ آوریل ۱۹۹۲ اعلام کرد که استعفای خود را تقدیم پارلمان جدید نموده است. این پارلمان در پی

انتخابات ۲۲ مارس، که در آن مخالفین ضد کمونیست به پیروزی رسیدند، تشکیل شده است. پرزیدنت علیا، دست راست و جانشین انور خوجه، بانی آلبانی کمونیست (انور خوجه در ۱۹۸۵ فوت کرد)، آخرین رهبر استالینی در اروپا بود. او در ۱۹۹۱ مجدداً به عنوان رئیس جمهور برای یک دوره ۵ ساله دیگر انتخاب شده بود. آقای سالی بریسکا (Sali Beriska)، رئیس حزب دموکراتیک، در ۵ آوریل ۱۹۹۲ به عنوان رئیس جمهور جدید (غیر کمونیست) توسط پارلمان انتخاب شد.

۴۷- سوئیس

(کاهش تعداد متقاضیان پناهندگی: آوریل ۱۹۹۲)

در هر یک از ماههای آوریل و مه حدود ۱۰۰۰ تقاضای جدید برای پناهندگی تسلیم دولت سوئیس شده است که ۴۰٪ این تقاضاها از آن بوگسلاوها بوده است. تسریع در رسیدگی به پرونده متقاضیان (که به شش ماه تقلیل یافته است) و همچنین وضعیت نامساعد اقتصادی احتمالاً علل کاهش تقاضای پناهندگی بوده است. در ۳۰ آوریل ۱۹۹۲ حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر با مجوز صادره بر اساس مقررات مربوط به پناهندگی در سوئیس ساکن شده اند.

۴۸- ایران

(حمله به سفارتخانه های ایران در خارج: ۵ آوریل ۱۹۹۲)

۱۰ سفارتخانه ایران در (فرانسه، بریتانیای کبیر، آلمان، هلند، فنلاند، نروژ، دانمارک، سوئیس، کانادا و استرالیا) و همچنین مقر هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در نیویورک در روز ۵ آوریل ۱۹۹۲ مورد حمله قرار گرفت.

۴۹- آرژانتین**(حل مسأله قروض خارجی: ۷ آوریل ۱۹۹۲)**

آقای دو میگو کاوالو (Domigo Cavallo) در ۷ آوریل ۱۹۹۲ اعلام کرد که مسأله قروض خارجی آرژانتین پس از مذاکره با مجمع عمومی بانک آمریکایی توسعه در اجلاس دومینکن فیصله یافته است. موافقتنامه منعقد شده با بانکهای طلبکار کاهش ۳۵٪ از قروض این کشور را پیش بینی نموده است. بدین ترتیب قروض این کشور احتمالاً از ۶۰ به ۴۲ میلیارد دلار تقلیل خواهد یافت.

۵۰- آفریقای جنوبی و ساحل عاج**(برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور: ۷ آوریل ۱۹۹۲)**

آفریقای جنوبی و ساحل عاج در ۷ آوریل ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را در سطح سفیر برقرار نمودند. این تصمیم اولین اقدامی است که به نفع آفریقای جنوبی در آفریقا اتخاذ می گردد و نشانه خاتمه سالها انزوای آفریقای جنوبی به علت آپارتاید بشمار می آید.

۵۱- افغانستان**(وضعیت سیاسی این کشور: ۱۰ آوریل ۱۹۹۲)**

وضعیت سیاسی در افغانستان همچنان نابسامان و نگران کننده است. قبل از هر چیز یادآور شویم مخاصماتی که توسط اتحاد جماهیر شوروی در ۲۳ دسامبر ۱۹۷۹ آغاز شده بود، در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ با امضای موافقتنامه هایی که اتحاد جماهیر شوروی، افغانستان، ایالات متحده آمریکا و پاکستان با نظارت سازمان ملل متحد به امضا رساندند خاتمه یافت. خروج نظامیان شوروی از افغانستان در ۱۳ فوریه ۱۹۸۹ عملی گردید و فرانسه در ۹ ژانویه ۱۹۹۰ سفارت خود را در کابل بازگشایی نمود. آقسای خاویار پرز دو کوئیار، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در ۲۱ مه ۱۹۹۰ طرح صلحی را در ماده تقدیم نمود که در ۲۳ مه افغانستان و پاکستان و در ۳۰ مه مبارزان افغانی آن را

پذیرفتند. اتحاد جماهیر شوروی در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۱ اعلام کرد که از اوّل ژانویه ۱۹۹۲ کلیه کمکهای نظامی خود را به متحدینش به حالت تعلیق درخواهد آورد و ایالات متحد آمریکا تصمیم مشابهی را در همان روز اعلام نمود. آقای پطروس نمالی، دبیرکل جدید سازمان ملل متحد در ۱۰ آوریل ۱۹۹۲ آغاز به کار یک شورای ۱۵ نفره مرکب از شخصتهای بی طرف را اعلام نمود. پرزیدنت نجیب الله در ۱۶ آوریل ۱۹۹۲ استعفای خود را رسماً اعلام نمود. انتقال قدرت به دولت جدید برای روز ۲۶ آوریل پیش بینی شده است. با همه این احوال تا ۲۵ مه ۱۹۹۲ فقط ۱۵۰۰۰۰ نفر از پناهندگان به کشور خود بازگشته اند و هنوز ۲,۷۰۰,۰۰۰ پناهنده افغانی در پاکستان و ۲,۸۰۰,۰۰۰ نفر دیگر در ایران به سر می برند.

۵۲- فرانسه

(صدور قرار منع تعقیب در قضیه توویه: ۱۳ آوریل ۱۹۹۲)

شعبه کیفری دادگاه استیناف پاریس در ۱۳ آوریل ۱۹۹۲ قرار منع تعقیب پل توویه (Paul Touvier) ۷۷ ساله و رئیس اسبق اطلاعات چریک لیون در سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۴ را که به اتهام جنایت علیه نوع بشر در زندان به سر می برد، صادر نمود. این رأی موجب سردرگمی، تعجب و نفرت رزمندگان سابق فرانسه شد. در این مورد رئیس جمهور و نخست وزیر ناخشنودی خود را از این حکم مخفی نداشتند شاکیان خصوصی بی درنگ اعلام کردند که علیه این رأی از دیوان عالی کشور تقاضای فرجام خواهند کرد، همچنین آقای پیر تروش (Pierre Truche) دادستان کل نیز به سهم خود تقاضای فرجام نموده است. پل توویه که در حمایت کیشها قرار داشت سالها در صومعه ها و دیرها پناهنده بود. او در ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۶ و در ۴ مارس ۱۹۴۷ به ترتیب توسط محاکم عدالت لیون و شامبری غیباً به مرگ محکوم شده بود، اما در ۲۳ نوامبر ۱۹۷۱ مورد عفو پرزیدنت پمپیدو قرار گرفت. مشارالیه در ۲۴ مه ۱۹۸۹ در نیس دستگیر و در ۱۱ ژوئیه ۱۹۹۱ آزاد شد. به نظر دادگاه کیفری پاریس دلائل کافی برای انتساب ۵ مورد (سوء قصد بر علیه کنیسه لیون در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۳، قتل ویکتور باش و همسرش در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۴، تبعید ژان دو فیلیپی در ۱۸ ژانویه ۱۹۴۴، قتل لوسین مایر در ۲۹ ژوئن ۱۹۴۴، تبعید الیت مایر و کلود بلوش

در ژوئیه ۱۹۴۴) از ۶ مورد جنایاتی که پل توویه متهم به ارتکاب آنها شده است، وجود ندارد. نظر دادگاه در مورد قضیه ریلیو-پاپ (Rillieux-pape) (اعدام ۷ گروگان یهودی که توسط پل توویه انتخاب شده بودند تا به انتقام قتل فیلیپ هانریو philippe henriot وزیر اطلاعات دولت ویشی مجازات شوند) این است که اعمال منتسبه به پل توویه در قلمرو جنایت علیه بشریت نبوده است. دادگاه کیفری با استناد به رأی مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۵ دیوانعالی کشور که تعریف ابتدایی را از جنایت علیه بشریت عرضه نموده است اعلام کرده که جنایت علیه بشریت مستلزم مشارکت در اجرای یک طرح هماهنگ به نام دولتی است که بطور سیستماتیک سیاست برتری ایدئولوژیکی را اعمال می نماید» و چنین چیزی از توان دولت ویشی خارج بوده است.

به خوبی می توان دریافت که دستگاه عدالت فرانسه، که در مورد محاکمه کلوز باربی (Klaus Barbie) مأمور آلمانی هیچگونه تردیدی به خود راه نداد، نسبت به مردی که گذشته اش نمایانگر ابهامات رژیم ویشی است با گذشت بیشتر برخورد نموده است. ناگزیر به این فکر می رسیم که اگر پل توویه یک آلمانی بود می بایست پاسخگوی تمام جنایات خود باشد ولی در مقام یک فرانسوی و علیرغم مسؤل بودن در مرگ رزمندگان و یهودیان فرانسوی باید باقیمانده عمر خود را در آرامش به سر برد.

۵۳- ایالات متحده آمریکا- فرانسه و بریتانیای کبیر بر ضد لیبی:

تروریسم بین المللی، انفجار دو هواپیمای در حال پرواز

۱- انفجار هواپیمای بوئینگ متعلق به شرکت هواپیمایی پان آمریکن در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ بر فراز شهر لاکربی در اسکاتلند.

۲- انفجار هواپیمای دی سی فرانسه متعلق به شرکت هواپیمایی اوت-آ در ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۹ بر فراز کشور نیجر- تحقیق درباره مسؤلیت این حادثه- مقصر دانستن شخصیت‌های لیبیایی- استنکاف لیبی از استرداد دو مظنون- تصویب قطعنامه ۷۴۸ در ۳۱ مارس ۱۹۹۲ توسط شورای امنیت در مورد برقراری مجازات‌هایی از ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ بر ضد لیبی:

دولتهای آمریکا و بریتانیا در پی یک تحقیق طولانی یقین پیدا کرده‌اند که انفجار هوایمیای بوئینگ پان‌آمریکن که ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ در حال انجام یک پرواز منظم بین لندن و نیویورک، در برفراز شهر اسکاتلندی لاکربی ۲۷۰ کشته برجای گذاشت در اثر انفجار بمبی بوده است که توسط دو تن از اتباع لیبی به نام‌های عبدالبیات محمدالمقاراحی (Abdel Bayat Mohamed El Megrahi) و امین خلیفه فلیمه (Amin khalifa Flaimah) در آن جاسازی شده بوده است. این اتهام در ۱۳ و ۱۴ نوامبر ۱۹۹۱ به ترتیب در ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر بر این اشخاص وارد شده است. آقای ژان-لویی بروگییر (Jean-Louis Bruguière) بازپرس فرانسوی نیز به نوبه خود دستور بازداشت چهار تن از اتباع لیبیایی را صادر کرده است. گمان می‌رود که دومین نفر یعنی عبدالله سنوسی (Abdallah Senoussi) عضو سازمان مخفی و برادرزن قذافی باشد. هر چهار نفر متهم به کار گذاشتن بمب در هوایمیای فرانسوی متعلق به شرکت او.ت.آ (U.T.A) شده‌اند. این هوایمیای در حال پرواز میان برازاویل و پاریس برفراز نجر منفجر گردید و در نتیجه ۱۷۱ کشته برجای گذاشت. به دلایل عملی فرانسه نیز به دو دولت آمریکا و بریتانیا پیوسته است، هر چند که دو قضیه با یکدیگر متفاوتند. به همین علت پاریس برخلاف واشنگتن و لندن که برای عاملین انفجار هوایمیای در لاکربی تقاضای استرداد نموده‌اند، چنین تقاضایی را در مورد چهار تن مظنون لیبیایی نکرده است.

دولت لیبی در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۱ اتهامات انگلستان و آمریکا را رد کرده و دستور انجام یک تحقیق قضایی را صادر نموده است. فرانسه، ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر طی یک اعلامیه مشترک در ۲۷ نوامبر از لیبی خواسته‌اند تا به «درخواستهای خاصی» که برای رسیدگی به این حادثه اعلام شده‌اند جواب مثبت بدهد. واشنگتن و لندن درخواست استرداد لیبیایی‌ها را نموده و در یک اطلاعیه اعلام کرده‌اند که در صورت رد این درخواست ممکن است مجازات‌ها و اقدامات انتقامی بر ضد آن کشور اتخاذ گردد. شورای امنیت در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۲، قطعنامه ۷۳۱ را تصویب کرد و از لیبی خواست تا فوراً با تحقیقات بین‌المللی مربوط به این مسأله همکاری کند و انفجار دو هوایمیای در حین پرواز را محکوم نماید. لیبی در ۱۰ فوریه استرداد دو لیبیایی را مجدداً رد کرد. این کشور هم‌زمان با اقدامات شکات سعی نموده است تا رسیدگی به این مسائل را به تأخیر اندازد (از جمله درخواست تشکیل جامعه عرب، پیشنهاد تسلیم مظنونین به یک دولت بی‌طرف مانند مالت)

همچنانکه در ۳ مارس ضمن تقدیم دادخواستی به دیوان بین المللی دادگستری تقاضای صدور دستور موقت و الغای مجازاتهای احتمالی را نموده که این دادخواست در ۱۴ آوریل توسط دیوان رد شده است.

ولی شورای امنیت با حرکتی جسورانه لیبی را تحت فشار قرار داده است. این رکن ملل متحد در ۳ مارس ۱۹۹۲ با ۱۰ رأی مثبت و ۵ رأی ممتنع (چین، دماغه سبز، هند، مراکش و زیمبابوه) و بدون رأی منفی قطعنامه ۷۴۸ را تصویب نمود که براساس آن در صورتی که لیبی همچنان از همکاری با ایالات متحد آمریکا و بریتانیای کبیر امتناع نماید از تاریخ ۱۵ آوریل موانع نظامی و هواپیمایی بر ضد این کشور ایجاد گردد.

از این رو مجازاتهایی را که ایالات متحد آمریکا و بریتانیای کبیر بر ضد لیبی پیش بینی کرده بودند فوراً به مرحله اجر در آمد. موانع نظامی و هواپیمایی از ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ بطور مؤثر به اجرا درآمده اند. ارتباطات هوایی با تریپولی قطع شده است. هواپیماهای جنگنده سه کشور ایتالیا، مصر و مالت مانع استفاده از حریم هوایی خود برای هواپیماهایی می شوند که مظنون به رفتن به سمت لیبی بوده یا مبدأ پرواز آنها لیبی بوده است. چندین کشور (فرانسه، آلمان، ایتالیا، بلژیک، دانمارک، ژاپن و سوئد) متفقاً تعدادی از دیپلماتهای لیبیایی را اخراج یا محدودیتهایی را در مورد محدوده آمد و شد آنها برقرار نموده اند. لیبی نیز در پاسخ به این اقدامات تعدادی از مأموران دیپلماتیک فرانسه، انگلستان، آلمان، ایتالیا، سوئد، بلژیک، چکسلواکی و ژاپن و همچنین سه عضو آمریکایی دفتر سازمان ملل متحد در تریپولی را اخراج کرده است. دیگر هیچ دیپلمات آمریکایی در لیبی نیست و روابط میان دو کشور ماههاست که قطع شده است.

۵۴- عراق و کویت

(تحدید حدود مرزهای میان دو دولت: ۱۶ آوریل ۱۹۹۲)

کویت در ۱۶ آوریل ۱۹۹۲، رسماً یک بخش از سرزمین خود را (بطول ۲۰۰ کیلومتر) که دارای ذخایر نفتی است و تا به حال تحت حاکمیت عراق بوده است بازپس گرفت. کمیسیون ویژه سازمان ملل متحد مرکب از نمایندگان کویت، عراق، زلاندنو و سوئد، بدون رأی عراق، تصمیم گرفتند مرز میان دو کشور را در بخش عظیمی به میزان

۶۰۰ متر به نفع کویت جابه‌جا نمایند.

این تغییرات مرزی به کویت اجازه داده است که تعدادی چاه نفت در منطقه رومیله به خصوص بزرگترین چاه نفت عراق (از این چاه قبل از اوت ۱۹۹۰ روزانه دو میلیون بشکه نفت استخراج می‌شد) و همچنین یک قسمت از شهر بندری ام‌القصر واقع در خور عبدالله را تصاحب نماید. اعتراض به خط مرزی قبلی بهانه‌ای به دست عراق داد تا کویت را در اوت ۱۹۹۰ مورد تهاجم قرار دهد. این خط مرزی با تبادل نامه‌های ۲۱ ژوئیه تا اول اوت ۱۹۳۲ میان عراق (که در آن وقت تحت نظام نمایندگی جامعه ملل و زیر نظر دولت بریتانیا اداره می‌شد) و کویت برقرار شده بود. البته حدود این موافقتنامه چندان روشن و دقیق نبود.

ضمناً تحدید حدود ۴۰ کیلومتر از مرز دریایی دو کشور که در منطقه خور عبدالله همچنان انجام نگرفته بود. می‌بایست در ژوئیه ۱۹۹۲ انجام شود.

تحدید حدود مرزهای کویت اهمیت اساسی در روند برقراری مجدد صلح در منطقه دارد. به همین سبب شورای امنیت در ۳ آوریل ۱۹۹۲ در قطعنامه ۶۸۷ (بند دوم) اعلام کرده است که عراق و کویت باید «غیرقابل تعرض بودن مرزهای بین‌المللی و جزایری را که براساس صورت مجلسی که دو دولت در ۴ اکتبر ۱۹۵۳ بنیاد امضا کرده و با آن حد حاکمیت خود را بر این جزایر تعیین نموده‌اند محترم شمارند».

۵۵- کوبا

(تقویت موانع تجاری ایالات متحده آمریکا بر ضد کوبا: ۱۸ آوریل ۱۹۹۲)

برزیدنت جرج بوش با ارزیابی اینکه آمریکا بیش از هر وقت دیگر به هدف خود که همانا برقراری آزادی در کوباست نزدیک شده است، در ۱۸ آوریل ۱۹۹۲ موانع تجاری کشور خود را که بیش از ۳۰ سال است بر دولت هاوانا تحمیل شده است تقویت نمود. جرج بوش در اطلاعیه‌ای که در کن بانکپورت (Kennebankport) منتشر شد به خزانه داری آمریکا دستور داده است که، به استثناء موارد خاص، دسترسی به بنادر آمریکا را برای کشتیهایی که با کوبا تجارت می‌کنند ممنوع نماید.

۵۶- عربستان سعودی و یمن**(گروگان گرفتن سفیر عربستان سعودی: ۲۰-۱۹ آوریل ۱۹۹۲)**

آقای علی الکوفیدی (Ali El Koufaidi) سفیر عربستان سعودی در صنعا در ۱۹ آوریل توسط یک شخص ناشناس به گروگان گرفته شد. وی در فردای آن روز توسط نیروهای امنیتی یمن آزاد شد. رباینده که تقاضای مبلغ یک میلیون دلار را کرده بود دستگیر شد. این شخص حامل یک نارنجک و دو طپانچه بوده است.

۵۷- ایالات متحده آمریکا و پرو**(برخورد هوایی: ۲۴ آوریل ۱۹۹۲)**

یک هواپیمای حمل و نقل سی ۱۳۰ نیروی هوایی آمریکا در ۲۴ آوریل ۱۹۹۲ هدف آتش سلاحهای اتوماتیک پرویی قرار گرفت. این حادثه در حالی اتفاق افتاد که هواپیمای مزبور در یک عملیات ضد مواد مخدر، که مورد موافقت دو دولت آمریکا و پرو قرار گرفته بود، شرکت داشته است. دو خدمه این هواپیما مجروح و یکی دیگر ناپدید شده است. سخنگوی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که هواپیمای سی ۱۳۰ توسط دو هواپیمای نظامی پرو غافلگیر شده و یکی از آنها با گشودن آتش می خواسته هواپیمای مزبور را مجبور به فرود اضطراری در مزرعه ای در نزدیکی شهر پرویی تالارا (Talara) نماید. آقای آلبرتو فوخی موری (Alberto Fujimori) رئیس جمهور پرو ضمن ابراز تأسف از بروز این حادثه دستور داده است که کمیسینی برای رسیدگی به این واقعه تشکیل گردد.

۵۸- ایالات متحده آمریکا و فرانسه**(بایان قضیه آلودگی توسط کشتی آموکوکادیز: ۲۶ آوریل ۱۹۹۲)**

قضیه آموکوکادیز (Amoco Cadiz) (آلودگی سواحل برتانی فرانسه در ۱۶ مارس ۱۹۷۸) بالاخره در ۲۶ آوریل ۱۹۹۲ از لحاظ حقوقی خاتمه یافت. آقای ژوسلین (Jossetin) وزیر امور دریاهای فرانسه اعلام کرد که شرکت آمریکایی آموکوکادیز از درخواست فرجام

در مقابل دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا صرف نظر کرده است. بدین ترتیب طبق رأی مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ دادگاه استیناف شیکاگو، ۹۳۵ میلیون فرانک خسارت به دولت فرانسه و ۲۰۸ میلیون فرانک خسارت به کمونهای برتانی تعلق می‌گیرد. میزان این رقمها بسیار کمتر از آن حدی است که توسط دولت و کمونهای فرانسه درخواست شده بود، چون که میزان خسارات درخواستی دولت فرانسه بالغ بر یک میلیارد و ۳۶۳ میلیون فرانک و میزان خسارات مورد مطالبه کمونهای این کشور حدود ۸۰۰ میلیون فرانک می‌شد.

۵۹- آلبانی و ایتالیا

(اخراج گروه کثیری از پناهندگان آلبانیایی توسط ایتالیا: ۲۹ آوریل و ۹ ژوئیه ۱۹۹۲)

مقامات ایتالیایی که در ۲۹ آوریل ۱۹۹۲ حدود ۳۸۰۰۰ آلبانیایی را اخراج کرده بودند، مجدداً در ۹ ژوئیه همین سال ۶۰ نفر دیگر از پناهندگان آلبانیایی را که از راه دریا وارد این کشور شده بودند اخراج نمودند. اخراجیان که در بریندیزی (Brindisi) پیاده شده بودند با هواپیما و تحت نظارت نظامیان ایتالیایی به آلبانی بازگردانده شدند.

۶۰- عراق و ایران

(از سرگیری مبادله اسرای جنگی: اول مه ۱۹۹۲)

عراق و ایران پس از دو روز بحث (۲۰-۱۹ آوریل) در کمیته بین‌المللی صلیب سرخ موافقت خود را برای از سرگیری مبادله اسرای جنگی از اول مه ۱۹۹۲، براساس شروط مندرج در موافقتنامه ۱۴ فوریه ۱۹۹۲ اعلام نمودند. در تاریخ ۳۰ آوریل، حدود ۸۲۰۰۰ اسیر تحت سرپرستی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مبادله شده بودند.

۱-۶ اسرائیل و نیجریه**(برقراری مجدد روابط دیپلماتیک: ۴ مه ۱۹۹۲)**

نیجریه و اسرائیل در ۴ مه ۱۹۹۲ مجدداً با یکدیگر روابط دیپلماتیک برقرار کردند. روابط میان دو کشور در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۳ براساس تصمیم سازمان وحدت آفریقا، که بعد از جنگ کیپور (Kippour) اتخاذ شده بود، قطع شده بود.

۲-۶ آلبانی و بریتانیای کبیر**(عاقبت قضیه طلاهای آلبانی: امضای موافقتنامه مورخ ۸ مه ۱۹۹۲)**

بریتانیای کبیر مبلغ ۱۰ میلیون پوند (تقریباً معادل ۱۰۰ میلیون فرانک) براساس موافقتنامه‌ای که در ۸ مه ۱۹۹۲ میان این کشور و دولت آلبانی در رم منعقد گردیده است به آلبانی پرداخت خواهد نمود. انعقاد این موافقتنامه به نیم قرن مشاجره میان دو کشور خاتمه می‌دهد. این قضیه را دیوان بین‌المللی دادگستری مورد رسیدگی قرار داده و در ۱۵ ژوئن ۱۹۵۴ حکمی در مورد آن صادر کرده بود.*

در مقابل، آلبانی متعهد شده است که مبلغی معادل ۱۰ میلیون فرانک به بریتانیای کبیر بپردازد. این مبلغ بابت خساراتی است که به دوکشتی جنگی بریتانیا در اثر برخورد با مینهای کار گذاشته شده توسط آلبانی در طول ساحل آن کشور در ۱۹۴۶ وارد آمده بود.

۳-۶ دولتهای بالت**(مشارکت در زندگی بین‌المللی: ۱۱ مه ۱۹۹۲)**

۱- سه جمهوری بالت برای برخورداری از جایگاهی مناسب‌تر در زندگی بین‌المللی به تلاش خود ادامه می‌دهند. جامعه اقتصادی اروپا در ۱۱ مه ۱۹۹۲ با سه دولت استونی، لتونی و لیتوانی موافقتنامه‌هایی در زمینه‌های همکاری اقتصادی و تجاری منعقد نمود. این

* Cf. C.I.J., Rec., 1954.

برای اطلاع از این قضیه رک:

Lalive, P. A., "L'affaire de l'or monétaire albanais", RGDIP., 1954, pp. 438-460; Oliver, C. T., "The monetary gold decision in perspective" AJIL., 1955, pp 216-221.

موافقتنامه‌ها حذف سهمیه وارداتی از این کشورها و همچنین کمک صنعتی و تکنولوژی به آنها را پیش‌بینی کرده‌اند.

پرزیدنت میتران طی بازدید کوتاهی از سه جمهوری بالت از ۱۳ تا ۱۵ مه ۱۹۹۲، یک معاهده تفاهم و همکاری نیز با لیتوانی امضا نمود. وی اولین رئیس یک کشور غربی است که چنین بازدیدی را بعد از به استقلال رسیدن این سه کشور در ۱۹۹۱، از آن کشورها انجام می‌دهد. وی اعلام کرده است که از ورود سه جمهوری به شورای اروپا حمایت خواهد کرد. میتران بر این نکته تأکید نموده است که عدم خروج نیروهای شوروی از این سرزمینها، اختلافی است که باید در چارچوب کنفرانس همکاری و امنیت اروپا مطابق تعهدات امضاکنندگان منشور پاریس حل و فصل گردد.

۲. آقای پاول گراچف (Pavel Gratchev) وزیر جدید دفاع روسیه اعلام کرد که خروج ۱۳۰۰۰۰ نیروی شوروی از این سه کشور فوراً انجام خواهد شد. این خروج همانند خروج نیروهای مستقر در آلمان و لهستان مرحله به مرحله «براساس معاهدات» انجام خواهد شد.

مردم لیتوانی در همه‌پرسی ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ با اکثریت قاطع (۹۰/۷٪) به خروج فوری ۳۸۰۰۰ سرباز روسی باقی مانده در خاک خود و همچنین به پرداخت خسارات وارده به این کشور از ۱۹۴۰ رأی مثبت دادند. دولتهای بالت در ۶ ژوئیه در ژورمالا (Jurmala)، نزدیک ریگا (Riga) طرح مصالحه‌ای را که سوئد، نروژ و فنلاند تهیه کرده بودند پذیرفتند. در این طرح از طرفین ذینفع خواسته شده است که بدون فوت، وقت ضمن مبادرت به انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه، یک طرح زمان‌بندی شده نیز برای «خروج سازمان یافته و کامل نیروهای خارجی مستقر در سرزمین دولتهای بالت» تهیه نمایند. این پیش‌نویس در ۷ ژوئیه در هلسینکی به تصویب دولتهای عضو کنفرانس همکاری و امنیت اروپا رسید.

۳. استونی بعد از قبول قانون اساسی جدید این کشور در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۲ توسط ۹۳٪ آرا با مشکلات خاصی روبه‌رو شده است.

۴. لتونی هنوز نتوانسته است ویلای رز (Villa Rose) در ژنورا که مالک قانونی آن می باشد به دست آورد. ویلای مزبور از ۱۹۴۷ توسط هیأت دیپلماتیک شوروی اشغال شده است. شورای فدرال سوئیس پذیرفته است که مخارج اماکن ضروری برای هیأت دیپلماتیک لتونی را تا پایان ۱۹۹۳، همده دار گردد تا لتونی بتواند با حوصله برای خود محلی تهیه و مخارج آن را تأمین نماید.

۵. مشکل اصلی برای سه دولت بالت خروج نیروهای شوروی مستقر در خاک آنها بوده است. ملاقات ۶ اوت ۱۹۹۲ میان آندری کوزیروف (Andrei Kozyrev) وزیر امور خارجه روسیه و وزاری خارجه سه دولت بالت با مشکل روبه رو شده است. آقای کوزیروف سال ۱۹۹۴ را برای شروع خروج نیروها پیشنهاد نموده است ولی آن را موکول به شرایطی نموده که قبول آنها سخت به نظر می رسد.

فهرست این شرایط بسیار طولانی و به قرار زیر است:

حفظ پایگاههای حیاتی برای امنیت بین المللی - عبور آزاد نظامیان شوروی از سرزمین روسی کالینینگراد (Kaliningrad) واقع بین لیتوانی و لهستان - کمک مالی توسط دولتهای بالت به نظامیان روسی برای یافتن مسکن مجدد - پرداخت ما به ازای توسط دولتهای بالت برای تجهیزات روسی که در محل باقی می ماندند - صرف نظر کردن از هرگونه ادعایی توسط دولتهای بالت برای جبران خساراتی که اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۴۰ به آنها وارد کرده است - صرف نظر کردن از هرگونه ادعای ارضی (به خصوص از طرف استونی) - لغو قوانینی که به نظر روسیه مخالف حقوق و منافع مردم آن کشور می باشد. وجود این شرایط موجب عدم توافق میان طرفین شده است. بنابراین به خوبی می توان فهمید که چرا دولتهای بالت شرایط روسها را نپذیرفته اند.

۶۴ - فرانسه و لبنان

(وضعیت ژنرال آعون: ۱۳ مه ۱۹۹۲)

آقای دانیل برنار (Daniel Bernard) سخنگوی وزارت خارجه فرانسه، در ۱۳ مه ۱۹۹۲ اعلام کرد که مقامات فرانسوی بی وقفه تعهدات ژنرال آعون (Aoun) را به وی

متذکر شده اند. دولت لبنان روز قبل بر ضد اعلامیه های علنی این ژنرال تبعیدی در فرانسه اعتراض کرده و یادآوری نموده است که این شخص مکلف به خودداری از فعالیت سیاسی است. ژنرال آعون در مصاحبه خود با روزنامه عربی الحیات در ۱۴ مه صریحاً منکر چنین تهمیدی شده و اعلام نموده است که او هرگز در مقابل فرانسه متعهد به خودداری از فعالیت سیاسی و آزادی بیان نشده است.

۶۵- سوئیس

(همه پرسی برای عضویت در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی: ۱۷ مه ۱۹۹۲)

مردم و کانونهای سوئیس توصیه مقامات فدرال را در همه پرسی ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ پذیرفتند. اینان عضویت سوئیس در صندوق بین المللی پول و در بانک جهانی را با ۹۲۰۷۴۳ رأی موافق در مقابل ۷۲۸۱۴۰ رأی مخالف (۲/۴۴٪) رأی مخالف و با ۲۰ کانون موافق در مقابل ۷ کانون مخالف مورد تأیید قرار داده اند.

۶۶- کویت و لیبی

(اخراج متقابل مأموران دیپلماتیک: ۱۷ مه ۱۹۹۲)

کویت، در مقام نخستین کشور عرب اجراکننده قطعنامه ۷۴۸ شورای امنیت مبنی بر کاهش کارکنان دیپلماتیک لیبی، در ۱۷ مه ۱۹۹۲ دو تن از دیپلماتهای لیبی را اخراج نمود. لیبی نیز در مقام مقابله به مثل یک عضو سفارت کویت در تریپولی را اخراج نمود.

۶۷- آلمان

(محکومیت ژوزف شوامگربر به خاطر جنایات جنگی: ۱۸ مه ۱۹۹۲)

آقای ژوزف شوامگربر (Josef Schwammberger) فرمانده سابق اردوگاههای نازی در پرزمسیل (Przemysl) و در راز وادو (Razwadow) در سن ۸۰ سالگی پس از یازده ماه محاکمه توسط دادگاهی در اشتوتگارت (۲۶ ژوئن ۱۹۹۱ تا ۱۸ مه ۱۹۹۲) به زندان

ابد محکوم شد. او به اتهام هفت مورد قتل و معاونت در ۳۸ مورد قتل دیگر در خلال سالهای ۱۹۴۲ و ۱۹۴۴ محکوم شناخته شد.

۶۸- چین و هند

(وضعیت اختلاف مرزی میان دو کشورها: ۲۰ مه ۱۹۹۲)

لی پنگ (Li Peng) نخست وزیر چین در ۲۰ مه ۱۹۹۲ تمایل خود را مبنی بر حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف مرزهای کشور خود با هند اعلام آمادگی نمود. هند اعتقاد دارد که سرزمینی به مساحت ۳۸۰۰۰ کیلومتر مربع در طول مرز شمال غربی این کشور با چین به ناحق توسط کشور اخیر اشغال شده است. چین برعکس مدعی شده است که هند ۹۰۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین این کشور را در منطقه شمال غربی آزوناشا پرادش (Azunachal Pradesh) اشغال نموده است.

۶۹- کره

(برخورد دو کره در روی خط تحدید حدود: ۲۲ مه ۱۹۹۲)

در جریان برخوردی که در ۲۲ مه ۱۹۹۲ در یک کیلومتری جنوب خط تحدید حدود که دو کره را در ارتفاع مدار ۳۸ درجه از یکدیگر جدا می کند سه سرباز کره شمالی کشته و یک سرباز کره جنوبی مجروح شد. این شدیدترین مورد نقض متارکه جنگ مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۵۷ است که طی چند سال اخیر روی داده است. سربازان کره شمالی در ۱۹۹۱ با مسلسل به یک پست گارد مرزی کره جنوبی شلیک کردند، بی آنکه مجروحی برجای بماند. سربازان کره شمالی با لباس رزم، مجهز به سلاح، نارنجک و سر نیزه بوده اند. هنوز مشخص نشده است که چنین عملی برای جاسوسی صورت گرفته یا اینکه یک مانور نظامی مخفیانه بوده است.

۷۰- هندو پاکستان

(اخراج يك ديپلماتيك هندی توسط پاکستان: ۱۹۹۲م ۲۴)

پاکستان در ۲۴ مه ۱۹۹۲ آقای راجش میتال (Rajesh Mittal) را که یک دیپلمات هندی مأمور خدمت در اسلام آباد است اخراج کرد. این دیپلمات هندی سرویسهای مخفی پاکستان را متهم به ربودن خود و شکنجه اش با الکتربسته کرده بود.

۷۱- فرانسه، ایران و سوئیس

(استرداد يك تبعه ایرانی: ۱۹۹۲م ۲۶)

دولت سوئیس یک تبعه ایرانی به نام ضیاء سرحدی را در ۲۶ مه ۱۹۹۲ به فرانسه مسترد نمود. این فرد که در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۱ در برن دستگیر شده بود از طرف مقامات فرانسه متهم به شرکت در قتل شاپور بختیار در ۶ اوت ۱۹۹۱ شده است. او در ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه در فرودگاه بال مولهوز (Bâle-Mulhouse) تسلیم مقامات فرانسوی شد و همان شب از طرف آقای بروگیر (Bruguère) بازپرس پرونده، متهم به معاونت در قتل گردید. به اعتقاد دستگاه قضایی فرانسه، وی در فراهم نمودن امکانات قتل و فرار قاتلین به صورتی مؤثر کمک نموده است. فرانسه استرداد وی را در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۱ از سوئیس درخواست نموده بود. دادگاه فدرال لوزان که برای رسیدگی به این تقاضا در ۲۵ مارس ۱۹۹۲ تشکیل جلسه داده بود، بالاخره در ۲۰ مه حکم به استرداد او به فرانسه را صادر نمود.

۷۲- عراق

(تعول وضعیت در خاورمیانه: ۱۹۹۲م ۲۷)

عراق هیچ نشانی از حسن نیت در مورد اجرای تصمیمات شورای امنیت از خود نشان نداده است. به همین علت شورای امنیت دو بار در ۲۷ مارس و ۲۷ مه ۱۹۹۲ با لغو مجازاتهای متخذه علیه این کشور مخالفت کرده است. دولت بغداد سرانجام با فشار سازمان ملل متحد در اواخر ژوئیه پذیرفت از مراکزی که ممکن است انبار سلاحهای با

تخریب وسیع، شیمیایی و احتمالاً هسته‌ای این کشور باشند، بارزی به عمل آید. ولی از آنجا که بازرسان سازمان ملل متحد کار خود را دیر شروع کرده بودند، نتوانستند موردی را کشف کنند.

قربانیان حمله عراق به کویت فعلاً بطور موقت مبلغ ۴۸ میلیارد دلار درخواست نموده‌اند. صندوق جبران خسارات که تحت ریاست آقای آلزامورا (Alzamora)، سفیر پرو در ژنو به کار مشغول شده فعالیت خود را از اول ژوئیه آغاز نموده است. این بزرگترین عملیات مربوط به جبران خسارات در طول تاریخ می باشد.

۷۳- اسرائیل

(آمار مهاجرت یهودیان از اتحاد جماهیر شوروی سابق: ۳۱ مه ۱۹۹۲)

تعداد ۳۳۶۰ نفر از یهودیان شوروی سابق در مه ۱۹۹۲ وارد اسرائیل شدند. این رقم ماهانه، پایین ترین رقم بعد از هجوم مهاجران در اواخر سال ۱۹۸۹ می باشد. از اول ژانویه تا ۳۱ مه ۱۹۹۲ حدود ۲۳۴۴۰ نفر مهاجر وارد اسرائیل شده‌اند، در حالی که این رقم در همین مدت در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۶۶۰۰۰ نفر بوده است.

۷۴- آمریکای مرکزی

(وضعیت عمومی این منطقه در ابتدای تابستان ۱۹۹۲)

مهمترین حادثه در این منطقه درخواستی بوده است که از طرف رؤسای جمهور شش کشور (کستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پاناما و السالوادور) در پایان گردهمایی دو روزه خود در ماناگوئه (پایتخت نیکاراگوئه) از جامعه بین المللی کرده‌اند. رؤسای جمهور این شش کشور از جامعه بین المللی درخواست کرده‌اند تا تحقق روند دموکراتیزه کردن روابط در منطقه را تضمین کند.

دولت کلمبیا نیز در ۲۰ ژوئن به نمایندگان چریکها برای خاتمه قطعی شورش و بازگشت به صلح اولتیماتوم داد.

ایالات متحد آمریکا در ۳ ژوئن ۱۹۹۲ اعتبار یکصد و پنجاه میلیون دلاری خود به

نیکاراگوئه را به حالت تعلیق درآورد و این به علت اعتراض به نقوذ بیش از حد ساندنیستها در سیاست کشور بوده است. در سالوادور نیز اولین دسته از شورشیان (۱۶۸۰ نفر از ۱۰۰۰۰ نفر) در ۳۰ ژوئن خلع سلاح شدند.

۷۵- اتریش

(محدودبتهای بیشتر قانونی برای ورود خارجیان: تابستان ۱۹۹۲)

اتریش در طول تابستان ۱۹۹۲ تصمیم گرفت تا حق پناهندگی سیاسی را محدود کند. اتریش این عمل را با جدا نمودن متقاضیان پناهندگی سیاسی از داوطلبان مهاجرت انجام داد. این کشور بدین ترتیب بطور جدی ورود خارجیان را به سرزمین خود محدود نموده است.

قانون جدید با محدود کردن قابل توجه متقاضیان پناهندگی از اول ژوئن ۱۹۹۲ به اجرا درآمده است. داوطلبانی که تقاضاهایشان رد شده است باید اخراج گردند. هر چند که می توانند از این تصمیم تقاضای رسیدگی پژوهشی نمایند. از طرف دیگر هیأت وزیران، پیش نویس لایحه ای قانونی را در پاییز ۱۹۹۲ تقدیم پارلمان خواهد کرد که از اول ژانویه ۱۹۹۳ میزان مهاجرت سالانه را بین ۲۰ تا ۲۵۰۰۰ نفر با توجه به نیازها تعیین کند. اتریش از ۱۹۴۵ تا به حال به ۱۸۰۰۰۰ مجاری بعد از شورشی ۱۹۵۶ آن کشور، به ۱۵۰۰۰ چکسلواک بعد از بهار پراگ در ۱۹۶۸ و به ۲۰۰۰۰ لهستانی قربانی حکومت نظامی ۱۹۸۱ آن کشور، پناهندگی داده است.

۷۶- مجارستان

(لدوین لایحه قانونی در مورد حقوق اقلیتها: ژوئن ۱۹۹۲)

دولت مجارستان در ژوئن ۱۹۹۲ یک لایحه قانونی در مورد حقوق و تضمیناتی در مورد اقلیتهای موجود در مجارستان تقدیم پارلمان این کشور نمود. ۱۲ اقلیت رسمی (چیکانها، آلمانیها، اسلواکیها، رومانیاییها، صربها، کرواتیها، اسلونیها، بلغارها، لهستانیها، یونانیها، اوکرائنیها و روتنها) در مجارستان وجود دارد که در مجموع نزدیک به

۱۰٪ کل جمعیت ۱۰۷۰۰۰۰۰ نفری این کشور را تشکیل می‌دهند. به استثنای چيگانها (Tsigones) که با ۶۰۰۰۰ نفر بزرگترین گروه اقلیتها را تشکیل می‌دهند، در دوران حاکمیت کمونیسم در این کشور اکثر اقلیتها رفته‌رفته در جمعیت مجارها جذب شده بودند.

براساس لایحه قانونی جدید، دیگر مسأله تفکیک میان اقلیتهای قومی و ملی مطرح نیست. اقلیت ملی در واقع به گروهی اطلاق می‌شود که با ملت اصلی ارتباط دارد. در گردهمایی میان دولت مجارستان و نمایندگان اقلیت، علیرغم ابراز شروطی از طرف آنها، وفاقی عام در مورد خطوط کلی حاصل شده است. بدین ترتیب آنها حق داشتن نماینده در سطح ملی و محلی، خودمختاری فرهنگی و حق آموزش به زبان مادری را کسب کرده‌اند. دولت و ادارات محلی متعهد شده‌اند، که هر وقت والدین هشت دانش آموز تقاضا کنند که درسها به زبان مادری تدریس شود، امکاناتی مالی برای برپایی یک کلاس ویژه در هر مدرسه فراهم نمایند.

اما مهمترین مسأله مورد اختلاف تعیین اقلیتی برای نمایندگی سیاسی بوده است. با این حال ایجاد یک «مجلس اقلیتها» نیز پیش‌بینی شده است که دولت مجبور است در مسائل مربوط به اقلیتها با آن مشورت نماید. در عوض قرار شده است مسأله نمایندگی اقلیتها در مجلس موضوع لایحه قانونی دیگری قرار گیرد.

۷۷- دانمارک

(همه‌پرسی برای تصویب معاهده ماستریخت: ۲ ژوئن ۱۹۹۲)

مردم دانمارک در همه‌پرسی ۲ ژوئن ۱۹۹۲، که برای قبول معاهده ماستریخت در مورد وحدت اروپا برگزار گردید، این معاهده را با ۱۶۵۲۹۹۹ (۵۰/۷٪) رأی در مقابل ۱۶۰۶۷۳۰ (۴۹/۳٪) رأی رد نمود.

۷۸- چین و ایالات متحده آمریکا**(تمدید مهلت اجرای اصل ملت کامله الوداد به نفع چین توسط ایالات متحده آمریکا:****۲ ژوئن ۱۹۹۲)**

پرزیدنت جرج بوش در ۲ ژوئن ۱۹۹۲، برای یک سال دیگر امتیازات تجاری ناشی از اصل ملت کامله الوداد را بدون هیچگونه شرطی به نفع چین تمدید نمود. اگرچه اظهار داشته است که بیلان کار دولت پکن در مورد شناخت و اجرای حقوق بشر در این کشور امیدوار کننده نیست. این تصمیم، علیرغم مخالفت شدید کنگره، در آستانه سومین سالگرد بهار پکن (شب چهارم ژوئن ۱۹۸۹ در میدان تین آن مین) اتخاذ گردید. یک سخنگوی وزارت امور خارجه پکن ضمن ابراز خرسندی از این تصمیم پرزیدنت بوش، آن را «منطقی و واقع بینانه» توصیف کرد.

۷۹- کلمبیا و پرو**(اعطای پناهندگی سیاسی توسط کلمبیا به آلن گارسیا رئیس جمهور اسبق پرو: ۲ ژوئن ۱۹۹۲)**

آقای آلن گارسیا (Alan Garcia) رئیس جمهور اسبق پرو بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰، در ۳۱ مه ۱۹۹۲ به سفارت کلمبیا در پرو پناهنده شد. رئیس جمهور سابق، که از زمان کودتای پرزیدنت فوجی موری (Fujimori) مخفیانه زندگی می کرد، فقط چند ساعتی در سفارت کلمبیا بود تا آنکه موفق شد در ۲ ژوئن به کلمبیا برود و در آنجا پناهندگی سیاسی کسب نماید. آقای گارسیا به اتهام جمع آوری ثروت نامشروع (اختلاس) در دوران زمامداری خود توسط دولت جدید پرو تحت تعقیب قضایی است.

۸۰- ایالات متحده آمریکا و کویت**(اعتراض مقامات کویتی به مصاحبه سفیر ایالات متحده آمریکا: ۶ ژوئن ۱۹۹۲)**

آقای عبدالعزیز ماسعید (Abdul aziz Masaeed) رئیس شورای ملی کویت به مصاحبه مورخ ۶ ژوئن ۱۹۹۲ آقای ادوارد گنم (Edward Gnehm) سفیر آمریکا در این

کشور اعتراض کرد. آقای ماسعید معتقد است که این عمل مداخله در امور داخلی کویت و مشوق فعالیت‌های ضد دولتی است.

۸۱- آلمان

(تعویق در انتقال پایتخت از بن به برلین: ۸ ژوئن ۱۹۹۲)

خانم ریتا سوئسموت (Rita suessmuth) رئیس پارلمان آلمان در ۸ ژوئن ۱۹۹۲، مصاحبه‌ای که در هندلزبلیت (Handelsblatt) چاپ شد، اعلام کرد که دولت و پارلمان آلمان نمی‌توانند کارهای مربوط به انتقال پایتخت از بن به برلین را تا قبل از ۱۹۹۸ خاتمه دهند. عملیات انتقال پایتخت حدود ۱۰ تا ۱۳ میلیارد مارک (حدود ۶/۲ تا ۸/۱ میلیارد دلار) هزینه دربر خواهد داشت.

۸۲ - روسیه

(مسأله تعدید حدود مرزهای این کشور: ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲)

برزیدنت بوریس یلتسین در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲ اعلام کرد که به زودی مرزهای واقعی دولت روسیه با آذربایجان و دولتهای بالت در مناطقی که تردد عملاً بدون رویداد انجام می‌شود مشخص خواهد شد. در عوض آقای یلتسین تمایل خود به بسته شدن مرزها در جنوب دولتهای آسیای میانه را اعلام کرد. وی از تاجیکستان و ترکمنستان خواست که همانند دیگر رهبران منطقه عمل کنند و موافقتنامه‌هایی دوجانبه با روسیه منعقد نمایند که حدود مرزهایشان را با افغانستان و ایران نیز روشن نماید. یلتسین همچنین مسأله مرزهای روسیه با اوکراین را مورد بررسی قرار داد تا در صورت تصویب پول ملی توسط اوکراین، در مورد آن تصمیماتی اتخاذ گردد.

۸۳- ایالات متحده آمریکا و پاناما

(نظاهرات ضد آمریکایی: ۱۰ و ۱۱ ژوئن ۱۹۹۲)

برزیدنت جرج بوش مجبور شد در ۱۱ ژوئن ۱۹۹۲ میدان پاراس (paras) در مرکز پاناماسیتی را ترک نماید. او خود را برای ابراد یک سخنرانی آماده کرده بود که ناگهان زنجیره ایجاد شده توسط پلیس به وسیله تظاهرکنندگان پاره شد. نیروهای امنیتی به خیابانهای اطراف نارنجکهای گاز اشک آور پرتاب کردند. اولین برخوردها در اوایل شب روی داد که منجر به کشته شدن یک سرباز آمریکایی گردید. این اولین بازدید بود که برزیدنت بوش بعد از حمله آمریکا به پاناما در ۱۹۸۹ و دستگیری ژنرال نوریه گنا از این کشور انجام داد. حمله آمریکا به پاناما حداقل ۵۲۰ کشته پانامایی برجای گذاشت.

شعبه چهارم دادگاه استیناف بخش ریچموند (Richmond) در ویرجینیای آمریکا در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ از اعلام مشروعیت حمله آمریکا به پاناما خودداری نمود و اظهار داشت که در این مورد ایالات متحده آمریکا از مصونیت قضایی برخوردار است.

۸۴- ایالات متحده آمریکا- بریتانیای کبیر و لیبی

(شکست مذاکرات در خصوص تحویل دو لیبیایی مظنون به دولتهای آمریکا و بریتانیا به اتهام بمب گذاری در هوایمای آمریکایی در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸: ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲)

مذاکراتی که میان دولتهای آمریکا، بریتانیا و لیبی برای تحویل دو لیبیایی به دولت آمریکا شروع شده بود به بن بست رسید. این دو تن، مظنون به شرکت در بمب گذاری در یک هوایمای آمریکایی هستند که در تاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ بر فراز شهر اسکاتلندی لاکربی منفجر و ۲۷۰ کشته برجای گذاشت. دولت لیبی همچنان بر رد درخواست دولتهای آمریکا و بریتانیا مبنی بر تحویل این دو تن به آنها یافشاری می کند. رد درخواست این دو دولت در ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲ توسط پارلمان لیبی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. دولتهای آمریکا و بریتانیا پیشنهاد لیبی را مبنی بر تحویل این دو تن به یک «دادگاه عدل و انصاف» که توسط سازمان ملل متحد یا توسط جامعه عرب باید ایجاد گردد رد کرده اند.

در نتیجه دولت آمریکا در ۷ ژوئیه مجازاتهای اقتصادی بر ضد تریپولی را تمدید

نمود. این مجازاتها که از تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۸۷ بر ضد لیبی برقرار شده است هر شش ماه یک بار قابل تمدید است. تصمیمات مشابهی در مورد قطع ارتباطات هوایی این کشور نیز از همین تاریخ (۷ ژانویه ۱۹۸۷) توسط هفت کشور صنعتی در مونیخ اتخاذ شده اند.

۸۵ - ژاپن

(رای پارلمان به قانون مربوط به ایجاد یک نیروی صلح و امکان اعزام آن به خارج از ژاپن:

۱۵ و ۹ ژوئن ۱۹۹۲)

مجلس عالی ژاپن (با ۱۳۷ رأی موافق در مقابل ۱۰۲ رأی مخالف) و مجلس عادی یا دییت (Diète) (با ۳۲۹ رأی موافق در مقابل ۱۲ رأی مخالف) به ترتیب در ۹ و ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ قانونی را تصویب کردند که بنا بر آن اجازه داده شده است که یک نیروی صلح که بتواند در خارج از ژاپن انجام وظیفه کند (حداکثر ۲۰۰۰ نفر) ایجاد گردد. این رأی گیری به ۲۰ ماه بحث در پارلمان خاتمه داد. قبل از تصویب این قانون ۱۳۷ تن از نمایندگان سوسیالیست مخالف این طرح به امید از رسمیت انداختن مجلس استعفا کردند. این قانون در واقع دومین عمل مخالف با قانون اساسی ۱۹۴۷ ژاپن است. بر اساس ماده ۹ این قانون ژاپن از کاربرد زور به عنوان ابزاری جهت حل و فصل خصومات بین المللی منع شده است. اولین اقدام مخالف با قانون اساسی ایجاد یک نیروی دفاعی در اوایل سالهای ۵۰ بود.

هر بار که ژاپن قصد کند نیرویی به خارج از ژاپن اعزام نماید باید از قبل موافقت دییت را کسب نماید. نیروهای ژاپن تحت فرماندهی سازمان ملل متحد قرار خواهند گرفت و در هیچ شرایطی وارد نبرد نخواهد شد. مقررات ویژه ای باید در خصوص نظارت بر آتش بس، حمل و نقل مهمات، استقرار در مناطق حایل، ایجاد یک خط ترک مخصوص، خلع سلاح و مبادله اسرا تصویب گردد. تا زمان تصویب مقررات فوق، نیروهای ژاپنی فقط می توانند در عملیات حفظ صلح (نظارت بر انتخابات و مراقبتهای پزشکی)، که تا به حال به عهده غیرنظامیان بود، شرکت نمایند. آیین نامه اجرایی این قانون باید پس از سه سال مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

۸۶- آرژانتین و بریتانیای کبیر**(مسأله جزایر فالکلند: ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲)**

دولت آرژانتین در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲ حاکمیت خود بر مجمع الجزایر فالکلند (Falkland) یا مالوینس (Malouines) را که، از ۱۵۰ سال پیش توسط بریتانیا اشغال شده اند مجدداً مورد تأکید قرار داد. این کشور تمایل خود مبنی بر بازپس گیری این جزایر را از مجاری دیپلماتیک مجدداً اعلام نمود.

سه روز بعد، یعنی در ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲ مارگارت تاجر، نخست وزیر اسبق بریتانیا، که در زمان صدارتش دخالت نظامی انگلیس در این جزایر با ورود نظامیان آرژانتینی به آنجا صورت گرفته بود، از نظامیان انگلیسی مستقر در بندر استانلی (port stanley) دیدن کرد. شورای شهرداری بوئنوس آیرس این بازدید را «عملی غیرمحتاطانه و غیردوستانه» توصیف کرد.

۸۷- کامبوج**(تحول ارضاع: ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲)**

سازمان ملل متحد در ۱۳ ژوئن ۱۹۹۲ اجرای دوّمین مرحله طرح صلح برای کامبوج را که همان خلع سلاح گروههای مختلف نظامی است، آغاز نمود. امتناع خمرهای سرخ از همکاری در ابتدا وضعیت را پیچیده کرد. کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد اعلام کرد که ۱۰۰,۰۰۰ پناهنده کامبوجی به کشور خود بازگشته اند. این بازگشت در ۳۰ مارس ۱۹۹۲ از طریق مرز کامبوج- تایلند آغاز شده بود. شورای امنیت (قطعنامه ۷۸۶) در ۲۱ ژوئیه به اتفاق آرا تصمیم گرفت که کمک بین المللی به خمرهای سرخ را، تا آن زمان که اینان مانع از اجرای طرح صلح می شوند، معلق نماید. شورای امنیت همچنین در اوّل اوت ۱۹۹۲ فرمانده قوای سازمان ملل متحد در کامبوج را تغییر داد. فرماندهی این نیروها را قبلاً ژنرال لوریدون (Loridon) بر عهده داشت که به جای او یک افسر فرانسوی دیگر به نام ژنرال ریدو (Rideau) به کار گماشته شده است. اوّلین گروه از نظامیان ژاپنی (۱۸۰۰ نفر) در چارچوب نیروهای ملل متحد در ۲۹ سپتامبر وارد کامبوج شدند. این

دسته اولین نظامیان ژاپنی هستند که بعد از ۱۹۴۵ در خارج از ژاپن مستقر می شوند.

۸۸- ایالات متّحد آمریکا و مکزیك

(اعمال غیرقانونی صلاحیت جزایی در سرزمین يك دولت خارجی: معتبر شناختن جنین عملی توسط دیوانعالی ایالات متّحد آمریکا: رأی دیوانعالی آمریکا در قضیه آلوارز-ماچین، ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲)

دیوانعالی ایالات متّحد در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ با شش رأی موافق در مقابل سه رأی مخالف حکمی را صادر نمود که بدون شک انعکاس بین المللی مهمی خواهد داشت. سه قاضی اقلیت (جان-پل استونس John-Paul Stevens، باری بلاکسون Narry A. Blackmun و ساندرا دی اکنور Sandra Day O'Connor) در نظریه مخالف خود رأی دیوانعالی را «وحشتناک» توصیف کردند.

۱- شرح وقایع: حوادث در ابتدا در ۱۹۸۵ در مکزیك آغاز شد. یک شبکه قاچاق موادّ مخدر مکزیك یک مأمور آمریکایی متعلق به «آژانس آمریکایی مبارزه به موادّ مخدر» را کشتند و یک آمریکایی دیگر به نام انریک کامارنا (Enrique Camarena) را نیز ربودند. فرد اخیر توسط ربایندگان تحت نظر آقای همبرتو آلوارز-ماچین (Humberto Alvarez-Machain) پزشک اهل گوادالاخارا مورد شکنجه قرار گرفت تا آنکه جان خود را از دست داد. بعد از این حادثه اعضای این شبکه دستگیر و بطور قانونی به ایالات متّحد آمریکا مسترد شدند. آنها در اعترافات خود تأکید کردند که نقش پزشک مزبور در این جریان هوشیار نگاهداشتن مقتول برای تحمل شکنجه شدید در زمان طولانی بوده است. همکاران آژانس آمریکایی مبارزه با موادّ مخدر، در ۱۹۹۰ یک گروه مرگ را در مکزیك اجیر کردند؛ این گروه آقای آلوارز-ماچین را از مطبخ در گواداخارا ربوند و بطور مخفیانه از مرز ال پاسو (El Paso) واقع بین مکزیك و ایالات متّحد آمریکا عبور دادند و سپس برای محاکمه به لوس آنجلس منتقل کردند.

II - تجزیه و تحلیل رأی: سؤال این است که آیا دکتر آلوارز-ماچین قابل محاکمه در

محاكم آمریکا بوده است یا خیر؟ دیوانعالی ایالات متّحد آمریکا علیه‌رغم اعتراض دولت مکزیك، به این سؤال پاسخ مثبت داده است. دیوان به این دلیل استناد کرده که معاهده استرداد مجرمین میان ایالات متّحد آمریکا و مکزیك حاوی هیچگونه مقرّرات خاصی در مورد نفی آدم‌ربایی در مواردی که استرداد مسکن است، نیست.

دیوانعالی رأی خود را مبتنی بر موردی کرده که مربوط به سال ۱۸۸۶ است. ماجرا از این قرار بوده است که یک راهزن متّهم به سرقت در پرو دستگیر و در ایالات متّحد آمریکا محاکمه می‌شود و این عمل در حالی انجام گرفته که میان پرو و ایالات متّحد آمریکا قرار داد استرداد مجرمین وجود داشته است. دیوان همچنین به قضیه زنرال نوریه‌گا (Noriéga)، «مرد قدرتمند» سابق پاناما اشاره می‌کند که در خلال مداخله نظامی آمریکا در پاناما در ژوئن ۱۹۸۹ دستگیر شد. اما این سابقه نمی‌تواند مورد استناد فرار گیرد زیرا دولت پاناما به این عمل آمریکا به عنوان یک دستگیری غیرقانونی اعتراض نموده است.

سه قاضی اقلیت اعلام کردند که رأی ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ دیوانعالی آمریکا توسط اکثر محاکم قضایی جهان محکوم خواهد شد. عمده دیگری از حقوقدانان از پیش گفته بودند که این رأی «تجاوز آشکار به قواعد حقوق بین‌الملل» بوده و خطر اینکه بر ضدّ خود ایالات متّحد آمریکا به کار رود و اتباع این کشور را که تحت تعقیب دولتهای خارجی هستند تهدید نماید، وجود دارد.

III - عکس‌العملها در مقابل این رأی: در میان محافل آمریکایی که از این رأی

حمایت نموده‌اند می‌توان آقای ویلیام هار (William Harr) دادستان کل را نام برد که در لایحه ۱۹۸۹ خود حقوق ایالات متّحد آمریکا در انجام عملیات مخفیانه در یک کشور خارجی را برای دستگیری اشخاص متّهم در ایالات متّحد آمریکا و محاکمه آنها در مقابل محاکم این کشور، توجیه کرده است.

مکزیك به محض اعلام این حکم با ممنوع کردن فعالیت دفتر آمریکایی مواد آرامش بخش در این کشور، تا تعیین معیارهای جدید همکاری عکس‌العمل نشان داد (اطلاعیّه ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲ وزارت امور خارجه مکزیك که توسط وزارت دادگستری این کشور نیز در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۲ مورد تأیید قرار گرفت).

بسیاری از دولتهای خارجی از این رأی انتقاد نمودند که از آن میان آنها می‌توان از

کانادا، آرژانتین، شیلی، اکوادور، بولیوی، کلمبیا، ونزوئلا، گواتمالا، کستاریکا، سوئیس، مصر و ایران نام برد.

۸۹- عراق و سوئیس

(غیرقابل قبول بودن سفیر عراق: ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲)

مخالفین عراقی در تبعید، در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲ از مقامات سوئیس درخواست اخراج آقای بازان التکریتی (Bazan Al Takriti) را نمودند که سفیر عراق در سازمان ملل متحد در ژنو و رئیس اسبق پلیس مخفی عراق و برادر ناتنی پرزیدنت صدام حسین است، مخالفین مدعی شده‌اند که وی مسؤول تجاوز به حقوق بشر در موارد عمده در عراق است.

۹۰- کانادا

(تصمیمات کانادا برای محدود کردن مهاجرت: ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲)

دولت کانادا در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲ لایحه‌ای قانونی را برای محدود نمودن مهاجرت به پارلمان این کشور تقدیم نموده است. ره‌نوس مطالب این لایحه سخت‌گیری بیشتر در انتخاب داوطلبان مهاجرت و ساده کردن نحوه اخراج افراد نامطلوب از این کشور است. این لایحه در واقع قانون مهاجرت ۱۹۷۶ این کشور را اصلاح کرده است. ورود خارجی‌ان به این کشور از ۱۹۸۴ دائماً در حال افزایش بوده است و در ۱۹۹۲ به رقم ۲۵۰,۰۰۰ نفر رسیده است.

۹۱- لبنان

(آزادی دو تن از آخرین گروگانهای غربی: ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲)

دو تن از آخرین گروگانهای غربی در لبنان در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲ آزاد شدند. اینان دو تبعه آلمان به اسامی هاینریش استروبی (Heinrich Strueby) ۵۱ ساله و توماس کمپنتر (Thomas Kemptner) ۳۱ ساله هستند که در ۱۶ مه ۱۹۸۹ در جنوب لبنان

رپوده شده بوده اند. آنها دقیقاً سه سال و یک ماه در اسارت به سر برده اند.

۹۲- هلند و صربستان

(اخراج يك ديپلماتيك صرب از هلند: ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲)

يك ديپلمات صرب مظنون به جاسوسی در مورد یوگسلاوهای پناهنده به هلند، در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ توسط دولت هلند اخراج شد. وی، رادوسلاو یانکویچ (Radoslov Jankovic) نام دارد که در مقام دبیر اول سفارت صربستان در لاهه انجام وظیفه می کرده است.

۹۳- ایرلند

(همه پرسی در مورد تصویب معاهده ماستریخت: ۱۸ ژوئن ۱۹۹۲)

مردم ایرلند با ۱۰۰۱۰۷۶ (۶۸/۷٪) رأی موافق در مقابل ۴۴۸۰۴۵ (۳۱/۳٪) رأی مخالف در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۲ معاهده ماستریخت مورخ ۷ فوریه ۱۹۹۲ در مورد اتحاد اروپا را تصویب نمودند. ۵۷/۳٪ از دارندگان حق رأی در این رأی گیری شرکت کرده بودند.

۹۴- دانمارك

(تغییر قانون پناهندگی: ۱۸ ژوئن ۱۹۹۲)

پارلمان دانمارك در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۲ قانون پناهندگی در این کشور را تغییر داد و آن را برای پناهندگانی که قصد ملحق شدن به خانواده خود را - که قبلاً در دانمارك مستقر بوده اند - دارند مشکل تر نمود. طبق یکی از مواد این قانون، که با اکثریت زیادی هم به تصویب رسیده است، پناهندگانی که قبلاً در دانمارك صاحب فرزند شده اند نمی توانند والدیشان را برای اقامت به این کشور دعوت نمایند. از طرف دیگر، مهاجرین باید حداقل ۵ سال در دانمارك ساکن باشند تا بتوانند پروانه اقامت این کشور را به دست آورند.

ضمناً اجازه اقامت خارجیان که با مردان یا زنان دانمارکی ازدواج می کنند، ولی هنوز از سه سال از تاریخ ازدواج نگذشته طلاق گرفته اند، باطل خواهد شد.

۹۵ - ترکیه

(تمدید مهلت استقرار نیروهای متحدین: ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲)

پارلمان ترکیه، با موافقت دولت این کشور، برای دومین بار در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲ برای شش ماه دیگر مدت استقرار نیروهای متحدین را در خاک خود تمدید کرد. این تصمیم در چارچوب عملیاتی اتخاذ شده است که هدفش حفاظت از مردم کرد شمال عراق می باشد. این نیروها در پایگاه هوایی اینرلیک (Incirlik) در نزدیکی آدانا (Adana) مستقر شده اند.

۹۶ - چکسلواکی

(اعلامیه تقسیم چکسلواکی: ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲)

دولت چکسلواکی که در ۱۹۱۸ بر ویرانه های امپراطوری اتریش-مجارستان بنا شده بود به دو دولت مستقل جمهوری چک (پایتخت پراگ) و جمهوری اسلواک (پایتخت براتیسلاوا) تقسیم شد. واکلاو کلاوس (Vaclav Klaus) از حزب دموکراتیک سیویک و ولادیمیر مسیار (Vladimir Meciar) از حزب حرکت برای اسلواکی دموکراتیک که توانستند در انتخابات ۵ و ۶ ژوئن ۱۹۹۲ پیروز شوند، در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲ در براتیسلاوا پس از ۱۳ ساعت مذاکره اسناد سیاسی متعددی را در مورد نحوه جدا شدن و تقسیم دولت چکسلواکی امضا کردند. آقای هاوِل (Havel) نیز در ۷ ژوئیه از مقام ریاست جمهوری استعفا داد.

اعلامیه ۲۰ ژوئن ۱۹۹۲ به شرح زیر انشاء شده است:

«حزب حرکت برای اسلواکی دموکراتیک (HZDS) و حزب دموکراتیک سیویک (ODS) از مسؤولیت عظیم تاریخی خود در مقابل وضعیت ناشی از انتخابات ۱۹۹۲ در جمهوری چک و جمهوری اسلواکی آگاه بوده و از این رو چنین تصمیم گرفته اند هرگونه

مسأله مرتبط با این وضعیت را با یاری یکدیگر از طریق قانون اساسی حل و فصل نمایند. آنها، به منظور استمرار کلیه نهادهای قانون اساسی فدراسیون و تمام اقداماتی که بعد از نوامبر ۱۹۸۹ آغاز شده است، موافقت خود را با تشکیل دولت فدرال، براساس برنامه‌ای که برای آن در نظر گرفته شده است و بخشی از موافقتنامه سیاسی آنها به شمار می‌آید، اعلام می‌نمایند.

آنها اختلاف در برنامه‌های انتخاباتی و در اهداف سیاسی در مورد ساختار دولت را تصدیق می‌نمایند. حزب دموکراتیک سیویک معتقد است که تنها شکل مناسب و عملی یک دولت مشترک برای جمهوریهای چک و اسلواک ایجاد یک فدراسیون، در مقام تنها تابع حقوق بین‌الملل، می‌باشد. در حالی که حزب حرکت برای اسلواکی دموکراتیک اعتقاد دارد که شکل ایده‌آل ایجاد یک کنفدراسیون مرکب از دو جمهوری است که هر یک به تنهایی تابع حقوق بین‌الملل باشد. حزب دموکراتیک سیویک کنفدراسیون مرکب از دو تابع حقوق بین‌الملل را یک دولت مشترک ندانسته، بلکه آن را اتحادیه‌ای مرکب از دو دولت مستقل به شمار آورده است. این حزب شکل کنفدراسیون مرکب از دو دولت مستقل، یعنی جدایی منطبق با قانون اساسی دولت فعلی، را ترجیح می‌دهد.

آنها اعتقاد دارند که در این وضعیت وظیفه مشترک آنها اجرای شکلی قانونی است که قبل از ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ منجر به انعقاد یک موافقتنامه میان دو شورای ملی برای تعریف مجدد از ساختار دولت گردیده است هر دو حزب اعتقاد دارند که اگر کنفدراسیونی به عنوان دو تابع حقوق بین‌الملل ایجاد گردد، اینان باید در جهت حفظ دوستی و حسن همجواری اشکالی از همزیستی و همکاری را، که هماهنگ با سنن و نیازهای حال و آینده آنان باشد، جستجو نمایند.

هر دو حزب پیشنهاد می‌کنند که در صورت از میان رفتن فدراسیون، دو شورای ملی قوانینی برای استقرار نمایندگان منتخب پارلمان فدرال در هر یک از دو کشور تصویب نمایند. اصول برنامه دولت فدرال، دو دولت را به هم پیوند می‌دهد، آنها بطور منظم یکدیگر را از جریان‌ات مطلع و با هم در سطح پارلمان فدرال مشورت می‌کنند. رؤسای آنها نیز به تناسب تحولاتی که در اوضاع و احوال صورت می‌گیرد با یکدیگر ملاقات می‌نمایند. این موافقتنامه شامل روابط دو حزب با سایر احزاب سیاسی نمی‌شود. دو حزب متعهد می‌شوند که یک موافقتنامه در مورد سایر نهادهای مرکزی دولت قبل از ۳۱ ژوئیه

۱۹۹۲ منعقد نمایند.

۹۷- آلمان

(برنه چهارتن از مرزبانان سابق آلمان شرقی توسط دادگاه برلن: ۲۲ ژوئن ۱۹۹۲)

دادگاه حوزه قضایی برلن در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۲ چهارتن از مرزبانان سابق آلمان شرقی را به خاطر زخمی نمودن یک فراری از ناحیه پا، که در سپتامبر ۱۹۷۱ قصد عبور از دیوار برلن را داشت، تبرئه نمود. دادستان برای این چهار نفر تقاضای مجازاتهایی تا ۲۱ ماه زندان تعلیقی نموده بود. به نظر دادگاه، قصد کشتن در خلال دادرسی به اثبات نرسید. این سومین پرونده‌ای است که به دلایل مشابه علیه مرزبانان سابق آلمان شرقی مطرح می‌شود.

۹۸- فرانسه و بریتانیای کبیر

(برخورد میان دو کشور در مورد صید: ۲۵-۲۴ ژوئن ۱۹۹۲)

تصادفهایی که میان کشتیهای ماهگیری فرانسوی و انگلیسی در ۲۴ و ۲۵ ژوئن ۱۹۹۲ در نزدیکی جزایر سیلی (Scilly) روی داد سبب مداخله کشتی مین روب برکون (Brecon) متعلق به نیروی دریایی پادشاهی بریتانیا شد. مقامات انگلیسی، کشتیهای ماهگیری لارش (Larche) و راپزودی (Rapsodie) متعلق به فرانسه را متهم به بردن تورهای کشتیهای ماهگیری ساندیالونیز (Sandia Louise)، بریتانیا چهار (Britannia IV) و سن اونی (St Euny) متعلق به بریتانیا در فاصله ۱۰ مایلی شمال غربی جزایر سیلی نموده‌اند. این ناحیه به عنوان یک منطقه صید همواره مورد مناقشه دو کشور بوده است. اختلاف بر سر طول کشتیها (از ۲۰ تا ۳۰ متر برای کشتیهای ماهگیری فرانسه و حداکثر ۱۰ متر برای کشتیهای ماهگیری انگلیسی) و ابعاد تورهای ماهگیری ایجاد شده است.

۹۹- ایالات متحده آمریکا و زلاندنو**(نوممنوعیت ورود کشتیهای جنگی آمریکا به بنادر زلاندنو: ۳ ژوئیه ۱۹۹۲)**

آقای جان بولگر (John Bolger) نخست وزیر زلاندنو در ۳ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام کرد که دولت زلاندنو از اطلاعیه ۲ ژوئیه ۱۹۹۲ پرزیدنت جرج بوش استقبال می نماید. ایالات متحده آمریکا براساس این اطلاعیه ۲۴۰۰ موشک هسته ای تاکتیکی مستقر در ناوهای جنگی خارج از سرزمین این کشور را کاهش خواهد داد. آقای بولگر اضافه نمود که در این شرایط دیگر دلیلی برای حفظ ممنوعیت ورود کشتیهای جنگی آمریکا به بنادر زلاندنو (ممنوعیتی که از ۱۹۸۴ برقرار شده بود) وجود ندارد.

۱۰۰- یونان**(محکومیت دو فلسطینی: ۶ ژوئیه ۱۹۹۲)**

دادگاه شهر کوریدالوس (Korydallos) در ۶ ژوئیه ۱۹۹۲ دو فلسطینی ۲۷ و ۲۸ ساله را به حبس ابد محکوم کرد. این دو فلسطینی به نامهای نوبانی (Nubbani) و ابراهیم (Ibrahim) به علت عدم مهارت، بمبی را در بندر پارتراس (Partras) در ۱۹ اوت ۱۹۹۱ منفجر کردند که ۷ کشته برجای گذاشت. این دو تن در حال تدارک حمله ای به کنسولگری بریتانیا در این شهر بودند.

۱۰۱- استرالیا**(پرونده یک جنایتکار جنگی قضیه پولیونکوویچ: ۹ ژوئیه ۱۹۹۲)**

دیوانعالی استرالیا رسیدگی به پرونده شهروند سابق شوروی و تبعه فعلی استرالیا به نام آقای ایوان پولیونکوویچ (Ivan Polyonkovitch) ۷۵ ساله را به اتهام سفاکی در خلال جنگ دوم جهانی برای روز ۹ ژوئیه ۱۹۹۲ تعیین نمود. متهم باید پاسخگوی قتل ۶ تن یهودی در پایان ۱۹۴۱ باشد. وی، طبق اتهامات وارده، به یک واحد پلیس اوکراین تعلق داشته که توسط نازیها تأسیس شده بوده است. این رسیدگی

بر اساس قانونی انجام گرفته است که در ۱۹۸۹ تصویب شده است. از این پس تعقیب اشخاص ساکن در استرالیا که مظنون به ارتکاب جنایت جنگی در اروپا بین سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۳۹ هستند کاملاً امکان پذیر می نماید.

۱۰۲- ایالات متحده آمریکا و پاناما

(محکومیت ژنرال نوریه گابه ۴۰ سال زندان به جرم قاچاق مواد مخدر، توسط دادگاه فدرال میامی:

۱۰ ژوئیه ۱۹۹۲)

ژنرال مانوئل نوریه گاه (Manuel Noriega) در ۳ ژانویه ۱۹۹۰ در پی حمله آمریکا به پاناما دستگیر و فوراً برای محاکمه به آن کشور منتقل شد. نوریه گاه ۵۴ ساله فرمانده سابق ارتش پاناما در آوریل ۱۹۹۲ به اتهام دست داشتن در قاچاق کوکائین میان کلمبیا و ایالات متحده آمریکا از طریق پاناما، در آمریکا محاکمه و در ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۲ توسط ویلیام هوولر (William Hoeweler) قاضی فدرال میامی به ۴۰ سال زندان محکوم شد.

کمیسیون حقوقی مجلس نمایندگان آمریکا تأکید کرده است مقامات فدرال به ناحق کیفیات مخفیه متعددی را برای محکومینی که جرایم شدیدتری از جرم نوریه گاه انجام می دهند قائل می شوند: در حالی که چنین کیفیاتی در مورد نوریه گاه اعمال نشده است. در خلال هفت ماه محاکمه نوریه گاه هیچ دلیل غیر قابل ردی از طرف مقامات فدرال مبنی بر مشارکت متهم در قاچاق مواد مخدر ارائه نگردید، ولی وکیل او نیز موفق نشد تا بی گناهی او را ثابت کند. ژنرال نوریه گاه سعی می کرد خود را به عنوان یک اسیر جنگی که قربانی تسویه حساب سیاسی شده است معرفی نماید. ژنرال، دولتهای ریگان و بوش را متهم کرده که می خواسته اند از دست او خلاص شوند چون که او به ایالات متحده آمریکا اجازه نداده بود تا از پاناما برای اهداف سیاسی خود استفاده نماید. او به خصوص تأکید کرد که در ۱۹۸۶ درخواست آمریکا مبنی بر به کارگیری نیروهای نظامی پاناما علیه نیکاراگوئه را، که باعث می شد تا آمریکا بتواند در آن کشور مداخله نظامی کند، رد کرده است.

اگرچه رأی دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در قضیه آلوارز-ماجین سبب شد بسیاری از کشورها به تجاوز آمریکا به حریم حقوق بین الملل به علت ربودن اتباع خارجی در کشوری و محاکمه آنها به اتهام جنایاتی که در ایالات متحده آمریکا مرتکب شده اند

اعتراض کنند. ولی رأی دادگاه فدرال میامی با صدور این حکم باز چنین رویه نادرستی را تأیید نمود.

۱۰۳- چین و ویتنام اختلافات مرزی میان دو کشور: ۸ ژوئیه ۱۹۹۲)

آقای زودونکین (XU Dunkin) معاون وزیر امور خارجه چین در ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۲ مذاکراتی در هانوی با مقامات ویتنامی درباره اختلافات مرزی دو کشور انجام داد. این سفر در کمتر از یک سال از تاریخ عمادی سازی روابط دو کشور در ۵ نوامبر ۱۹۹۱ انجام شد. دولت چین فرصت را غنیمت شمرده و حاکمیت خود را بر غرب دریای چین و مجمع‌الجزایرهای پاراسل (Paracels) و اسپراتلی (Spratly) واقع در این بخش از دریا مورد تأکید قرار داده است. این مسأله موضوع قانونی است که در فوریه ۱۹۹۲ توسط پارلمان چین تصویب شده است.

آخرین اختلاف دو کشور در مورد توقیف بسیاری از کشتیهای باری ویتنامی توسط نیروی دریایی چین است. این کشتیها بین هنگ گنگ و بنادر هونگ گای (Hong Gai) و هایپوگ (Halphong) واقع در خلیج تونکین (Tonkin) فعالیت دارند. این کشتیها غالباً کالاهای قاچاق، به خصوص اتوموبیل، به مقصد غرب چین حمل می کنند.

ویتنام همچنین چین را به استخراج نفت در خلیج تونکین و انجام آزمایشهای لرزه نگاری در طول خط مرزی دریایی دو کشور متهم کرده است. این مرز دریایی بین چین و فرانسه (فرانسه در آن وقت هند و چین را تحت الحمایه خود داشت) در ۱۸۸۷ در غرب هایفونگ تعیین شده بود. ویتنام همچنین چین را به خاطر اعطای مجوز اکتشاف نفت به شرکت آمریکایی کرسون انرژی (Crestone Energy) در غرب مجمع‌الجزایر اسپراتلی مورد سرزنش قرار داده است، ویتنام مدعی شده است که این بخش جزو فلات قاره این کشور است. بالاخره هانوی پکن را متهم به تجاوز به حاکمیت خود نموده است. ویتنام معتقد است که چین در ۸ ژوئیه ۱۹۹۲ دو صخره از مجمع‌الجزایر اسپراتلی را به تصرف خود در آورده است.

یک اختلاف نیز در مرزهای زمینی دو کشور وجود دارد که سبب مخاصمات بسیار شدیدی در ۱۹۷۹ گردید.

با آنکه چین تأکید کرده است که اختلافات دو کشور در دریای چین باید از طریق مذاکره حل و فصل گردد ولی در عین حال فشار زیادی را بر ویتنام وارد آورده که باعث نگرانی این کشور از بابت نداشتن ناوگان جنگی در این دریا شده است.

۱۰۴- چین و هند

(برقراری رفت و آمد مجدد در مرز دو کشور: ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۲)

چین در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۲ رفت و آمد مرزی خود را در منطقه تبت با هندوستان رسماً برقرار نمود. این رفت و آمد که از ۱۹۹۲ قطع شده بود در فاصله زمانی اول ژوئن تا ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ عملاً برقرار شده بود.

۱۰۵- ژاپن و اتحاد جماهیر شوروی سابق

(وضعیت جزایر کوریل: ۱۵ و ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۲)

مسأله سرنوشت مجمع الجزایر کوریل در ردیف اولین مسایل موجود میان دو کشور قرار گرفته است. آقای بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئیه به توکیو سفر نمود. این سفر حدود ۱۰ روز بعد از صدور اعلامیه ۷ ژوئیه سران هفت کشور صنعتی در مونیخ خطاب به روسیه و ژاپن انجام شد. متن اعلامیه بدین شرح است: «ما از سیاست خارجی روسیه، که مبتنی بر اصول حقوق و عدالت است، خرسندیم. ما معتقدیم که این اصول مبنای عادی سازی کامل روابط روس-ژاپن از طریق حل و فصل مسأله سرزمینی خواهد بود.

۱۰۶- اتریش و اسرائیل

(عادی سازی روابط دیپلماتیک: ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۲)

دولت اسرائیل که روابط دیپلماتیک خود را با اتریش در پی انتخاب آقای کورت والد هایم به ریاست جمهوری این کشور در ۸ ژوئن ۱۹۸۶ به پایین ترین سطح تنزل

داده بود، مجدداً این روابط را با اتریش در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۲ یعنی در روز بعد از پایان مدت ریاست جمهوری والدهایم به بالاترین حد خود ارتقا داد.

۱۰۷- بنین و اسرائیل

(برقراری مجدد روابط دیپلماتیک: (۱۸ ژوئیه ۱۹۹۲)

بنین (داهومی سابق) و اسرائیل در ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۲ روابط دیپلماتیک خود را که در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۳ قطع شده بود مجدداً برقرار نمودند. بعد از رژیم که چنین تصمیمی را در ۱۴ مه ۱۹۸۲ اتخاذ کرده بود، بنین دومین کشور آفریقایی است که روابط خود را با اسرائیل عمادی می سازد.

۱۰۸- بریتانیای کبیر و ایران

(اخراج يك دیپلماتیک انگلیسی توسط مقامات ایرانی: ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۲)

دولت ایران در ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۲ دستور اخراج آقای جفری برامر (Geoffrey Brammer) دبیر سوم سفارت بریتانیا در تهران را صادر کرد. نامبرده باید ظرف یکماه ایران را به علت رفتار خلاف عرف دیپلماتیک ترک نماید. دولت انگلستان در ۱۷ ژوئن به توقیف چند ساعته آقای برامر اعتراض کرده بود.

۱۰۹- فرانسه

(انتشار مجموعه جدید قوانین جزایی: قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۲)

در قانون ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ مقررات جدیدی در مورد اصلاح قواعد جزایی مربوط به سرکوب جنایات بر ضد ملت، دولت و صلح عمومی پیش بینی شده است. در میان مقرراتی که به حقوق بین الملل هم مربوط می شود می توان از مقررات مربوط به سرکوب خیانت و جاسوسی، آسیب به تمامت ارضی کشور، سرکوب حرکت های شورشی، صدمه به دفاع ملی و عملیات تروریستی را نام برد.

۱۱۰- لیبی

(مجازات تخطی از موانع برقرار شده علیه لیبی: ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۲)

دپارتمان خزانه داری ایالات متّحد آمریکا در ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام کرد که یک بانک آمریکایی در نیویورک و یک شعبه از بانک فرانسوی کِردی لیونه (Crédit Lyonnais) به ترتیب به ۲۲۵۰۰۰ دلار و ۹۲۴۰۰ دلار جریمه محکوم شده اند. این محکومیت به علت تخطی این دو بانک از موانع اقتصادی بوده که سازمان ملل متّحد بر ضدّ لیبی به خاطر کمک این کشور به تروریسم برقرار نموده است.

۱۱۱- کانادا و فرانسه

(شکست مذاکرات برای تعیین سهم صید در اطراف جزایر فرانسوی سن پیر و میکلون:

۲۷ و ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۲)

مذاکرات پیش بینی شده برای اجرای موافقتنامه ۲۷ مارس ۱۹۷۲ و رأی داوری ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲ در مورد نحوه صید در اطراف جزایر سن پیر و میکلون (Saint-Pierre et Miquelon) و تعیین سهم هر یک از دو کشور، در روزهای ۲۷ و ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۲ در پاریس انجام شد، ولی بدون نتیجه خاتمه یافت. اگرچه کانادا تا حدودی از خود انعطاف نشان داد ولی این مذاکرات برای فرانسه نتیجه ای رضایت بخش فراهم نیاورد. منتخبین سن پیر و میکلون و در میان آنها آقایان آلبرین (Albert Pen) شهردار، مارک پلونتازنست (Mare Plontagenest) رئیس شورای عمومی و همچنین مدیر تجاری شرکت صیادی محلی به شدت از رفتار کانادا انتقاد کردند.

۱۱۲- اسرائیل و واتیکان

(تحول روابط میان طرفین: ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۲)

واتیکان در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام کرد که به منظور دست یابی به روابط عادی، یک کمیسیون مشترک دائمی با اسرائیل تشکیل داده است. اولین گردهمایی نمایندگان

دو طرف همان روز در واتیکان برگذار شد و یک گردهمایی دیگر برای ماه نوامبر در اورشلیم نیز پیش بینی گردید. واتیکان قبل از شناسایی دیوره لهستان، چکسلواکی و مکزیک چنین کمیسیونهای مشترکی با آنها ایجاد کرده بود.

بعد از جنگ خلیج فارس و شروع روند برقراری صلح در منطقه، اوضاع دگرگون شده است. با این حال امکان سفر ژان پل دوم به بیت المقدس از میان نرفته است. به خصوص اگر به یاد بیاوریم که پل ششم (رهبر کاتولیکهای جهان) در ۱۹۶۴ سفری به اورشلیم انجام داد، البته بی آنکه بحثی از برقراری روابط دیپلماتیک با دولتی، که نامش را نیز بر زبان نیاورد، نماید. به علاوه اگر پل ششم به عمد از ذکر نام اسرائیل خودداری نموده است، ولی واتیکان هرگز منکر وجود یک دولت یهودی و حق حیات برای آن در داخل مرزهای مطمئن بین المللی نشده است. عملی که تا به حال مانع از گسیل یک نونس (سفیر واتیکان) به اسرائیل شده اند عبارتند از: حضور اسرائیل در سرزمینهای اشغالی اعراب، رفتار اسرائیل با فلسطینیان و به خصوص ضمیمه کردن اورشلیم توسط اسرائیل، در حالی که واتیکان امیدوار است که این شهر به عنوان یک شهر بین المللی شناخته شود معذک واتیکان دارای یک هیأت مذهبی در اورشلیم است، بی آنکه رسماً به دولت اسرائیل معرفی شده باشد. کار این هیأت منحصر آ رسیدگی به مسایل مذهبی است. اسرائیل نیز در سفارت خود در رم دارای دفتری است که احتمالاً روزی که تصمیم به برقراری روابط رسمی میان طرفین گرفته شود، مسؤل این کار خواهد شد.

۱۱۳- دولتهای آسیای جنوب شرقی

(شرایط کشتیرانی در تنگه مالاکا، گسترش راهزنی دریایی و عدم امنیت کشتیرانی: ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۲)

تنگه مالاکا که تابع نظام حقوقی بین المللی خاصی نیست، ناگهان در رأس اخبار قرار گرفت. در این خبرها از گسترش راهزنی دریایی و افزایش تصادمات کشتیهای درحال عبور در این تنگه سخن به میان آمده است.

۱- گسترش راهزنی دریایی- گسترش راهزنی دریایی در تنگه مالاکا و سواحل آن،
به خصوص در دریای چین غربی، از طرق مختلف اعلام شده است. راهزنان، برای حمله از

تفنگ و بمبهای انفجاری استفاده می‌کنند. یکی از مکانهای مورد علاقه راهزنان کانال فیلیپس (Philips)، حد فاصل آبهای سرزمینی سنگاپور و آبهای سرزمینی مجمع‌الجزایر اندونزیایی ریو (Riau) است. باریکی این کانال (۱/۳ تا ۴/۵ کیلومتر) باعث می‌شود که کشتیهای بزرگ نتوانند با سرعت بیش از ده گره در ساعت حرکت کنند. راهزنان در مجمع‌الجزایر آنامباس (Anambas) واقع در میان مالزی و برونی نیز فعالیت زیادی دارند.

دفتر بین‌المللی دریایی لندن، ۱۳۰ مورد راهزنی دریایی را در ۱۹۹۱ به ثبت رسانده است، در حالی که این رقم در ۱۹۹۰ برابر ۳۵ و در ۱۹۸۹ فقط ۳ مورد بوده است. این دفتر ۵۰ مورد راهزنی دریایی را نیز در ۵ ماهه اول سال ۱۹۹۲ ثبت نموده است. اندونزی و سنگاپور با انعقاد یک موافقتنامه در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۱ برای هماهنگی تلاشهایشان بر ضد این پدیده شوم عکس‌العمل شدیدی نشان دادند. مهمترین راهزنی دریایی در ۱۹۹۱ در مورد کشتی باری اسپرینگ استار (Springstar) در حوالی جزیره تیومان (Tioman) توسط ۲۵ مرد مسلح به تفنگهای ام-۱۰ اتفاق افتاد. بار این کشتی به ارزش دو میلیون دلار، در عرض دو روز به بیخارفت. همچنین کشتی باری استرالیایی استار در ۲ آوریل ۱۹۹۲ هنگامی که از سنگاپور عازم زلانندو بود در ۵۰ کیلومتری سنگاپور مورد حمله قرار گرفت. ضمناً حمله به نفت کش ۲۴۰,۰۰۰ تنی ایسترن پاور (Eastern Power) در کانال فیلیپس نیز گزارش شده است.

II - تصادمات در تنگه مالاکا. تنگه مالاکا با طول ۹۶۰ کیلومتر و عرض متوسط ۵۵ کیلومتر، حد فاصل میان خلیج بگو (Pégou) در اقیانوس هند با بخش جنوبی دریای چین است. این تنگه، اندونزی (جزیره سوماترا) را از مالزی و سنگاپور جدا می‌سازد. این تنگه علیرغم نبود مقررات قراردادی خاص، در زمره تنگه‌های بین‌المللی است که عبور در آن باید آزاد باشد.

اصل عبور آزاد در این تنگه در ۲۷ نوامبر ۱۹۷۱ توسط اندونزی و مالزی مورد اعتراض قرار گرفته است. طبق اعلامیه ۱۹ مارس مالزی چون این تنگه قسمتی از آبهای ساحلی مالزی و اندونزی است یک آبراه بین‌المللی به شمار نمی‌آید و فقط امکان عبور بی‌ضرر در آن با پرداخت احتمالی حق عبور ممکن است. این اعلامیه تا به حال بی‌گیری نشده است.

تنگه مالاکا یکی از اصلی ترین راههای ارتباطی به طرف خاور دور و ژاپن می باشد: ۹۰٪ واردات نفت ژاپن از طریق این تنگه حمل می شود. در ۱۹۸۴ تناژ حمل شده از این تنگه بالغ بر ۳۲۹۸۶۰۰۰ تن بوده است. بطور متوسط ماهانه ۲۰۰۰ کشتی از این تنگه عبور می کنند. خسارات وارده به کشتیها در این اواخر زیاد بوده است؛ از آن میان می توان تصادم یک کشتی باری سنگاپوری با اژدر افکن آمریکایی اینجرسول (ingersool) در ژوئن ۱۹۹۲ را یادآوری نمود. همچنین تصادم کشتی مسافری یونانی رویال پاسیفیک (Royal Pacific) با یک کشتی ماهیگیری تایوانی در ۲۳ اوت ۱۹۹۲ و برخورد کشتی کانترینکش پانامایی اوشن بلسینگ (Ocean Blessing) ۲۷۰۰۰ تنی با نفت کش لیبیریایی ناگاساکی اسپیریت (Nagasaki spirit) ۹۶۰۰۰ تنی در ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲ (در این تصادم ۲۹ نفر ناپدید شدند) از جمله این حوادث بوده اند.

۱۱۴- آلمان

(اتهام اریک هونکر: ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۲)

اریک هونکر (Erick Honecker) ۷۹ ساله و مرد شماره یک آلمان شرقی (او ۱۸ سال پست ریاست جمهوری را در آلمان شرقی بر عهده داشت) که در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۲ از سفارت شیلی در مسکو (او از تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۱ به سفارت شیلی در مسکو پناهنده شده بود) به آلمان آمد، در ۳۰ ژوئیه به قتل ۴۹ نفر، که قصد فرار از آلمان شرقی سابق را داشتند، و همچنین به کلاهبرداری و سوء استفاده از قدرت متهم شد. وی توسط مقامات قضایی برلن بطور موقت زندانی شد تا بعداً محاکمه گردد.

۱۱۵- فرانسه

(تعداد خارجیان در فرانسه: ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۲)

بر اساس آمارگیری ۱۹۹۰ که نتایج آن در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۲ بطور مملنی اعلام شد، جمعیت فرانسه در حدود ۵۸۴۵۳۰۰۰ نفر است که از آن میان ۵۱۹۶۶۰۲ نفر خارجی هستند. در میان این تعداد خارجیان، ۳۵۹۶۶۰۲ نفر اروپایی و ۱۶۰۰۰۰۰ غیراروپایی

هستند.

در میان اروپاییان خارجی ساکن در فرانسه ۱۳۱۱۲۹۲ نفر از اتباع دولتهای عضو جامعه اقتصادی اروپا و ۲۲۸۴۷۱۰ نفر خارج از جامعه اقتصادی اروپا می باشند. خارجیان اروپایی ساکن در فرانسه به ترتیب ۶۴۹۷۱۶ نفر پرتغالی، ۲۵۲۷۳۹ نفر ایتالیایی، ۲۱۶۰۴۷ نفر اسپانیایی، ۵۶۱۲۹ نفر بلژیکی، ۵۲۷۲۳ نفر آلمانی، ۵۰۴۲۲ نفر انگلیسی و ۲۲۱۳۷ نفر سوئیس هستند. علاوه بر آنها ۶۱۴۰۰۰ نفر الجزایری، ۵۷۲۰۰۰ نفر مراکشی، ۲۰۶۰۰۰ نفر تونس و ۱۹۸۰۰۰ نفر ترک نیز وجود دارند.

۱۱۶- ایالات متحده آمریکا

(تصویب تعلیق آزمایشهای هسته ای توسط سنا: ۳ اوت ۱۹۹۲)

مجلس سنای آمریکا، علیرغم تهدید پرزیدنت بوش مبنی بر کاربرد حق وتو، آزمایشهای هسته ای این کشور را از ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ به مدت ۹ ماه معلق نمود. این متن با ۶۸ رأی موافق در مقابل ۲۶ رأی مخالف به تصویب رسید. آمریکا هیچگونه آزمایش هسته ای نظامی را نمی تواند بعد از ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۶ انجام دهد.

۱۱۷- روسیه و اوکراین

(تعویق حل و فصل مسأله تقسیم ناوگان دریای سیاه: ۳ اوت ۱۹۹۲)

آقای بوریس یلتسین و آقای لئونید کراوچوک رؤسای جمهور روسیه فدراتیو و اوکراین در ۳ اوت ۱۹۹۲ در کریمه موافقت کردند که ناوگان روسیه در دریای سیاه را در صلاحیت مشترک و خارج از ساختار جامعه دولتهای مستقل قرار دهند. تقسیم ناوگان دریای سیاه یکی از مشکلات اصلی میان دو جمهوری روسیه و اوکراین بوده است. رؤسای جمهور دو کشور تصمیم نهایی در مورد این ناوگان قدرتمند و پرخرج را به ۱۹۹۵ موکول نموده اند.

خبیر به تعویق افتادن حل این مشکل زمانی مطرح شده که موافقتنامه دایونیز (Dayonys) ۲، که در اواخر ژوئن ۱۹۹۲ انعقاد یافته، پیش بینی تقسیم ناوگان را نموده

است. این ناوگان شامل ۴۵ کشتی جنگی، ۱۳۳ هواپیما، ۲۵ هلی کوپتر و ۳۰۰ فروند قایق کوچک می‌شود. اگرچه بندر سیاستویل، محل استقرار این ناوگان، در کریمه واقع در اوکراین قرار دارد، ولی با فرماندهی مشترک دو کشور اداره می‌شود.

۱۱۸- ایالات متحده آمریکا

(کاهش جدید نیروهای نظامی در اروپا: ۵ اوت ۱۹۹۲)

پنناگون در ۵ اوت ۱۹۹۲ اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا بر اساس اطلاعاتی که ستاد فرماندهی نیروهای آمریکایی در هایدلبرگ (Heidelberg) آلمان ۱۱۳ بیگان (۱۱۹۰۰۰ سرباز) خود را از این کشور خارج خواهد کرد. ایالات متحده آمریکا از سپتامبر ۱۹۹۰ تا به حال ۳۹۵ بیگان (۱۰۷۵۰۰ نفر) خود را از آلمان خارج کرده است.

۱۱۹- عراق و روسیه فدراتیو

(قتل همسر و دختر دو دیپلمات روسی در بغداد: ۵ اوت ۱۹۹۲)

چند مرد مسلح، همسر دبیر دوم و دختر وابسته تجاری سفارت روسیه در بغداد را در ۵ اوت ۱۹۹۲ به قتل رساندند. مقداری جواهر و ۲۰۰۰ دلار وجه نقد نیز ربوده شده است.

۱۲۰- آذربایجان و عراق

(برقراری روابط دیپلماتیک: ۷ اوت ۱۹۹۲)

در ۷ اوت ۱۹۹۲ اعلام شد که دولتهای آذربایجان و عراق با تبدیل کنسولگریهای خود به سفارت، روابط دیپلماتیک منظمی را میان خود برقرار کرده‌اند.

۱۲۱ - روسیه و سوئد**(کشف میکروفون در کنسولگریهای سوئد در سن پترزبورگ: ۲۰ اوت ۱۹۹۲)**

دولت سوئد در ۲۰ اوت ۱۹۹۲ در پی کشف چند میکروفون در دیوارهای کنسولگری خود در سن پترزبورگ در هنگام بازسازی، یادداشت اعتراضی را تسلیم کاردار روسیه فدراتیو در استکهلم نمود. سیستم کشف شده همانند سیستمی است که در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۸۸ در سفارت سوئد در مسکو و همچنین در محل اقامت سفیر آن کشور کشف شده بود. مقامات شوروی در آن موقع منکر اطلاع از این قضیه بودند. در یادداشت اعتراض دولت سوئد آمده، که روسیه فدراتیو «در مقام وارث اصلی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمی تواند منکر مسؤولیت خود برای جبران خسارات ناشی از اعمال نامشروعی که قابل انتساب به آن هستند، شود».

۱۲۲ - موریتانی و سنگال**(برقراری مجدد روابط دیپلماتیک: ۲۳ آوریل ۱۹۹۲)**

روابط دیپلماتیک میان موریتانی و سنگال که در ۲۱ اوت ۱۹۹۱ در پی یک درگیری در مرز دو کشور در طول رودخانه سنگال میان دامپرووران و کشاورزان قطع شده بود در ۱۳ آوریل ۱۹۹۲ مجدداً برقرار گردید و مرزهای آن دو کشور نیز در ۹ مه از نو به روی یکدیگر باز شد.

۱۲۳ - افغانستان**(تعطیل شدن تعدادی از سفارتخانه ها در کابل: ۲۴ اوت ۱۹۹۲)**

تعدادی از سفرای خارجی به علت نبود امنیت در کابل مجبور به ترک خاک افغانستان شدند. در میان آنها می توان از سفرای فرانسه، ایتالیا و بلغارستان نام برد که در ساعت ۴ صبح روز ۲۴ اوت ۱۹۹۲ توسط اتوبوس افغانستان را به قصد ازبکستان ترک نمودند. کلیه کارکنان دیپلماتیک روسی نیز قبل از این تاریخ به مسکو

بازگشته بودند.

به موازات این مسأله و براساس اعلام کمیسیاریای عمالی پناهندگان ملل متحد، حدود یک میلیون افغانی که در پاکستان (۸۰۰,۰۰۰) و در ایران (۲۲۰۰,۰۰۰) پناهنده بودند به میهن خود بازگشتند.

۱۲۴ - اسرائیل

(آمار مهاجرت یهودیان در سه ماهه اول ۱۹۹۲: ۳۱ اوت ۱۹۹۲)

منابع رسمی اسرائیلی در ۳۱ اوت ۱۹۹۲ اعلام کردند که در سه ماهه اول سال ۱۹۹۲، ۳۷۰۰۰ شهروند یهودی خاک شوروی سابق را ترک کرده‌اند: در حالی که این رقم در همین مدت، در سال ۱۹۹۱ بالغ بر ۳۰,۰۰۰ نفر می‌شد. تعداد مهاجرین یهود از مبدأ شوروی سابق از ۱۳۰۰۰ در سال ۱۹۸۹ به ۱۸۰,۰۰۰ نفر در ۱۹۹۰ و به ۱۴۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۱ افزایش یافته است.

۱۲۵ - ایالات متحده آمریکا و سودان

(محاكمه، محكومیت به مرگ و اعدام يك کارمند سودانی سفارت ایالات متحده آمریکا در خارطوم:

سپتامبر ۱۹۹۲)

روابط ایالات متحده آمریکا و سودان از زمان روی کار آمدن بنیادگرایان (۱۹۸۹) رو به وخامت گذاشته است. آخرین برخورد میان دو کشور دستگیری و محكومیت به مرگ آندریو تومب (Andrew Tombe) کارمند سودانی ۳۴ ساله سفارت آمریکا در خارطوم توسط دادگاه نظامی به اتهام خیانت علیه کشور بود. نامبرده در سپتامبر ۱۹۹۲ اعدام شد. او متهم به مشارکت در فعالیتهای یک گروه شورشی مسیحی بود. آقای روبرت هودک (Robert Houdek) معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور آفریقا، این عمل را تجاوز آشکار به حقوق بشر توصیف کرد. آقای دونالد پیرسون (Donald Peterson) سفیر آمریکا در خارطوم نتوانست موافقت مقامات سودانی را برای رفتن به شهر جوبا (Juba) جهت شرکت در محاكمه متهم کسب نماید.

۱۲۶ - چین، ایالات متحده آمریکا و تایوان

(اعتراض چین به فروش هواپیمای جنگنده اف-۱۶ توسط ایالات متحده آمریکا به تایوان:

۳ سپتامبر ۱۹۹۲)

دولت چین در ۳ سپتامبر ۱۹۹۲ به تصمیم ایالات متحده آمریکا در مورد فروش هواپیمای جنگنده اف-۱۶ به تایوان، که روز قبل توسط پرزیدنت بوش اعلام شده بود، اعتراض کرد. کاخ سفید با امتناع از پاسخ گویی به اعتراض چین، تأکید کرد که فروش این هواپیمایها به حفظ امنیت در آسیا کمک خواهد کرد. این در حالی است که آقای ویلیام کلارک (William Clark) معاون وزیر آمریکا در امور آسیا در ۷ سپتامبر برای روشن کردن مواضع آمریکا به چین سفر نموده است. ولی دولت چین همچنان بر مواضع قبلی خود باقی مانده است.

۱۲۷ - ایتوپی

(زودن هواپیمایها: ۲۹ اوت تا ۴ سپتامبر ۱۹۹۲)

۵ راهزن هوایی، در ۲۹ اوت ۱۹۹۲ یک فروند بوئینگ ایتوپیایی را با ۷۱ سرنشین در هنگام پرواز بین آدیس آبابا و صنعا (پایتخت یمن) ربودند و به فرودگاه روم چیامپینو (Rome-Ciampino) بردند. کلبه هواپیمای ربایان که تابعیت مصری دارند، دستگیر و زندانی شدند.

دومین بوئینگ ایتوپیایی که در حال انجام یک پرواز داخلی بین دیره داوا (Diré) و آدیس آبابا بود با ۴۶ سرنشین در ۴ سپتامبر ۱۹۹۲ برفراز جیبوتی ربوده شد. ربایندگان که دو مرد و یک زن بودند برای آنکه بتوانند پناهنده شوند از مقامات محلی گذرنامه دریافت کردند.

۱۲۸- ژاپن و روسیه

(بن بست در مسأله جزایر کوریل: ۹ سپتامبر ۱۹۹۲)

پرزیدنت بوریس یلتسین در ۹ سپتامبر و بی هیچ توضیحی سفر خود به ژاپن را لغو نمود. در این سفر، که قرار بود از ۱۳ تا ۱۶ سپتامبر انجام شود، مسأله جزایر کوریل نیز در دستور کار قرار داشت. این تصمیم موجب تأسف بیشتر شد چونکه پرزیدنت یلتسین در آخرین سخنرانیهای خود مواضع نرمتری را در مورد این مسأله اتخاذ کرده بود که از جمله می توان از قول او به غیرنظامی کردن جزایر تا ۱۹۹۵، دعوت از ایالات متحد آمریکا به شرکت در مذاکرات و غیره یاد کرد.

۱۲۹- آلمان

(تهاجم به خارجیان: ۹ سپتامبر ۱۹۹۲)

حداقل هفت حمله جدید به محل اقامت متقاضیان پناهندگی در آلمان به ثبت رسیده است. پنجاه نفر از راسته های افراطی برای دومین شب متوالی به یک محل خارجی نشین در کدلینبورخ واقع در غرب آلمان شرقی سابق حمله کردند. پس از انجام این حملات از یازده تن بازجویی به عمل آمد. در نزدیکی کدلینبورخ، در شهر برنبورخ به یک محل خارجی نشین دیگر توسط برب آتش زان نیز خساراتی وارد شد. در پورشندورف، در نزدیکی درسه، در آلمان شرقی، ماشین یک پناهنده ویتنامی به آتش کشیده شد، و در وران در نزدیکی نویراندنبورخ شش نفر مبادرت به پرتاب سنگ به محل زندگی متقاضیان کردند و سپس از محل حادثه گریختند.

۱۳۰- تیمور شرقی

(انتصاب فرماندار جدید: ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای آبیلیو سوارز (Abilio Soares) در مقام فرماندار تیمور شرقی منصوب شد. آقای سوارز یکی از اعضای با نفوذ حزب آپودتی (Apxodeti) است که همیشه از الحاق این

سرزمین به اندونزی دفاع کرده است.

۱۳۱- السالودار

(اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در اختلاف میان السالودار در هندوراس:

۱۱ سپتامبر ۱۹۹۲)

رؤسای جمهوری هندوراس و السالودار موافقت خود را با اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد اختلاف مرزی میان دو کشور اعلام کردند. دیوان در رأی خود بیشترین حق را به هندوراس داده است. تقریباً ۴۰۰ کیلومتر مربع محل اختلاف بوده است که مهم‌ترین بخش اختلاف آنها را خلیج فونسکا تشکیل می‌داد. رأی دیوان در مورد این خلیج برای هندوراس از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است زیرا این خلیج تنها راه دسترسی این کشور به اقیانوس آرام است.

۱۳۲- ترکیه

(برخورد میان نیروهای دولتی و جدایی طلبان کرد: ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۲)

حداقل ۵۰ نفر در جنوب شرقی آناتولی در برخوردهای مختلف میان نیروهای امنیتی ترک و جدایی طلبان حزب کارگران کردستان (پ، ک، ک، حزب کمونیست، لنینیست) کشته شده‌اند. براساس آمار رسمی، حداقل ۲۷ شورشی و ۸ نظامی تنها در یک حمله به یک پست نظامی در مرز با عراق، در روز یکشنبه ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۲ کشته شده‌اند.

۱۳۳- گامبیا و اسرائیل

(برقراری مجدد روابط دیپلماتیک: ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۲)

روابط دیپلماتیک که میان گامبیا و اسرائیل در ۱۹۷۳ قطع شده بود، مجدداً در تاریخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۲ برقرار گردید.

۱۳۴ - ایران و ترکیه

(دیدار وزیر کشور ترکیه از ایران: ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای عصمت سزگین وزیر کشور ترکیه بعد از ملاقات با همتای ایرانی خود آقای عبدالله نوری و مذاکره با آقای هاشمی رفسنجانی وجود «اراده سیاسی دو کشور برای همکاری در مبارزه بر ضد تروریسم» را اعلام داشت. آقای سزگین تأکید نمود که تضمین هایی از ایران برای اجرای تمهیدات این کشور در مبارزه بر ضد جدایی طلبان کرد ترک حزب کارگران کردستان به دست آورده است. وجود پایگاههای حزب کارگران کردستان در ایران و فعالیت های مجاهدین خلق ایران در ترکیه منشأ مشکلات میان دو کشور بوده است.

۱۳۵ - ساحل عاج

(برقراری روابط برای فرانسویان: ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۲)

از این پس فرانسویان برای ورود به ساحل عاج نیاز به روادید دارند. این اقدام به عنوان یک عمل متقابل (ساحل عاجها از ۱۹۸۶ بدون ویزا نمی توانند وارد خاک فرانسه شوند) تا چند روز آینده با امضای یک کنوانسیون میان دو کشور رسیت خواهد یافت.

۱۳۶ - چین

(بایکوت نمودن مذاکرات پنج عضو دائمی شورای امنیت در مورد نظارت بر فروش تسلیحات:

۱۶ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای جیان جیشن وزیر امور خارجه چین تمایل کشورش را مبنی بر بایکوت کردن مذاکرات پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد نظارت بر فروش تسلیحات، تأیید نمود. یکن بدین وسیله خواسته است اعتراض خود را نسبت به تصمیم اخیر پرزیدنت بوش مبنی بر صدور مجوز برای تحویل هواپیماهای جنگی اف-۱۶ به تایوان نشان دهد.

۱۳۷- آلمان

(برگزاری نوزدهمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست در برلن: ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲)

نوزدهمین کنگره انترناسیونال سوسیالیست در برلن تشکیل و آقای پیر موروا (Pierre Mauroy)، نخست وزیر سابق فرانسه را به ریاست برگزید. آقای موروا جانشین آقای ویلی برانت می شود.

۱۳۸- افغانستان

(ملاقات رئیس جمهور با حکمتیار: ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای ربانی رئیس جمهور افغانستان و رهبر گروه جمعیت تاجیک با آقای حکمتیار رئیس بنیادگرایان پشتو در باغمان، در شمال کابل، ملاقات کرد. در این ملاقات طرفین ضمن تأیید تصمیم اصولی متخذه در خلال آتش بس ۲۹ اوت بر ادامه تخلیه کابل از وجود چریکهای حامی رژیم کمونیستی سابق، که از خواسته های اصلی حکمتیار است توافق نمودند. رئیس جمهور افغانستان و آقای حکمتیار همچنین درباره پیدا کردن راه حلی برای انتخاب کادر رهبری افغانستان در پایان دوره ریاست جمهوری ربانی در ۲۸ اکتبر، به توافق رسیدند. یک مجلس مرکب از دو نماینده برای هر یک از ۲۱۲ حوزه انتخاباتی باید توسط شخصتهای اجتماعی و فرماندهان مجاهدین تشکیل گردد.

۱۳۹- ژاپن

(برگزاری کنفرانس بین المللی برای کمک بشر دوستانه و تکنولوژیک به شوروی سابق در توکیو:

۱۸ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای کیشی می یازاوا، نخست وزیر ژاپن اعلام کرد که کشورش «مایل به برگزاری کنفرانس بین المللی کمکهای بشر دوستانه و تکنولوژیکی به شوروی سابق» در آخر سپتامبر در توکیو می باشد وزیر خارجه ژاپن، کمی بعد از لغو ناگهانی سفر پرزیدنت یلتسین به ژاپن، اعلام کرد که کشورش ممکن است از تشکیل چنین کنفرانسی صرف نظر نماید.

نخست وزیر ژاپن نیز به نوبه خود دادن امتیاز پنجاه ساله توسعه توریسم در جزیره شی کوتان به یک شرکت هنگ گنگی توسط مقامات روسی را شدیداً محکوم کرده است. جزیره مزبور یکی از چهار جزایر کوریل است که در ۱۹۴۵ توسط ارتش سرخ اشغال شده و ژاپن همواره خواستار استرداد آن بوده است.

۱۴۰ - فلسطین

(نظر هیأت فلسطینی مذاکره کننده با اسرائیل درباره نحوه قانونگذاری در سرزمینهای اشغالی

در دوران گذار: ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای حیدر عبدالشافی، رئیس هیأت فلسطینی مذاکره کننده با اسرائیل در واشنگتن اعلام کرد که «ما حاضر به مطالعه مسأله تقسیم قدرت قانونگذاری» و تعیین مرجع منتخب که باید سرزمینهای اشغالی را در طول مدت خودمختاری اداره نماید هستیم؛ چون که مسأله اداره برای «یک مدت گذرا و موقت» است و نه ایجاد «یک وضعیّت ثابت برای استقلال ملی». فلسطینیان خواستار انتخاب یک مجلس قانونگذاری ذیصلاح برای تمام سرزمینهای اشغالی هستند، در حالی که اسرائیل پیشنهاد ایجاد یک شورای اداری منتخب را نموده است که فقط مسؤول اداره امور فلسطینیان باشد.

۱۴۱ - مکزیک و واتیکان

(برقراری مجدد روابط دیپلماتیک: ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۲)

دولت مکزیک و واتیکان همزمان در ۲۱ سپتامبر ۱۹۹۲ برقراری مجدد روابط دیپلماتیک میان خود را اعلام کردند. این روابط در ۱۹۵۷ در پی ضبط اموال کلیسای کاتولیک و اعلام جدایی کلیسا از دولت قطع شده بود. پریزیدنت سالیناس دو گورتاری (Salinas de Gortari) که از اوّل دسامبر ۱۹۸۸ در مکزیک به قدرت رسیده است، تلاش خود را جهت بهبود روابط با واتیکان به کار گرفته است. پاپ ژان پل دوم نیز در خلال دومین سفر خود به مکزیک در مه ۱۹۹۰، آرزو کرد که هیأت مذهبی مستقر در مکزیک تبدیل به سفارت واتیکان در این کشور شود. مکزیک، که از ۶۷ میلیون نفر

جمعیتش ۹۲٪ کاتولیک هستند، اخیراً برخی از مواد قانون اساسی ۱۹۱۷ خود را در جهت آشتی مجدد با کاتولیسیسم اصلاح نموده است.

۱۴۲ - روسیه و سوئد

(ورود غیرمجاز زیر دریاییهای روسی به آبهای سرزمینی سوئد: ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای کارل بیلت (Carl Bildt) نخست وزیر سوئد در ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۲ زیر دریاییهای روسی را متهم به ورود غیرمجاز به آبهای سرزمینی کشورش و به خصوص به آبهای مجمع الجزایر استکهلم نمود. آقای وادیم کوزهوین (Vadim Kozhevine) سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه از هرگونه توضیحی درباره این مسأله خودداری نمود.

۱۴۳ - ایران

(خرید راکتور اتمی برای بهبود ذخیره الکتریسیته: ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای رضا امراللهی معاون رئیس جمهور و رئیس هیأت ایرانی در آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین اعلام کرد که ایران آماده خرید دو راکتور اتمی از روسیه فدراتیو و دو راکتور دیگر از چین برای بهبود ذخیره الکتریسیته خود می باشد. بر اساس قراردادی که اخیراً میان روسیه و ایران منعقد شده است تهران باید به زودی دو راکتور اتمی ۴۴۰ مگاواتی از نوع VVER-440-213 دریافت نماید. اگرچه این راکتورها از نوع قدیمی خود یعنی VVER-230 پیشرفته تر می نمایند، اما از راکتورهای غربی، که نزدیک تر به سوئمن رده راکتورهای روسی یعنی VVER-8000-320 می باشند، پایین تر هستند.

۱۴۴ - کویت و چکسلواکی

(سوء قصد به يك ديپلمات کویتی در پراگ: ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای صلاح جاسم المبارک (Salah Jassemal Moubarak) وابسته سفارت کویت در پراگ در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۲ در حال بازگشت به منزل خود توسط یک ناشناس هدف

گلوله قرار گرفت و به شدت مجروح شد. طبق آژانس اطلاعاتی چکسلواک (CSTK) این دیپلمات هدف گلوله اسلحه‌ای قرار گرفته است که به تعدادی محدود در سالهای ۷۰ برای سرویسهای مخفی و پلیس سیاسی رژیم کمونیستی ساخته شده بود.

۱۴۵- آلمان و دولتهای اروپای مرکزی

(راه اندازی کانال راین-دانوب: ۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

رویای کانالی که بتواند رودخانه‌های راین و دانوب را به یکدیگر وصل نماید پس از ۳۲ سال کار مداوم (کار در سال ۱۹۶۰ آغاز شده بود) در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۲ با افتتاح آخرین بخش برای کشتیرانی به واقعیت تبدیل شد. این راه رودخانه‌ای، دریای شمال را به دریای سیاه متصل می‌نماید و کسورهای هلند، آلمان، اسلواکی، کرواسی، اتریش، مجارستان، بلغارستان و رومانی از آن بهره‌مند می‌گردند. این رودخانه که از روتردام تا کنستانس (Constance) ادامه دارد، از شهرهای دویس بورگ (Duisburg)، فرانکفورت، وین، پرزبورگ (Presburg) بلگراد و گالاتز (Galatz) عبور می‌کند. آخرین بخش دارای ۱۷۱ کیلومتر طول، ۵۵ متر عرض و ۴ متر عمق است. کارهای مربوط به این کانال ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون مارک هزینه برداشته است. طول این آبراه ارتباطی رودخانه‌ای حدود ۳۵۰۰ کیلومتر است.

۱۴۶- اسپانیا

(غرق شدن عده‌ای در دریا در هنگام عزیمت به اسپانیا: ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۲)

حداقل ۳۵ آفریقایی که اکثر آنها مراکشی بودند در تلاش برای گذر از تنگه جبل الطارق و رسیدن به اسپانیا جان خود را از دست دادند. آنها با دو قایق خود در تنگه غرق شدند. این تنگه که روزگاری تنگه امید بود امروزه بیش از پیش به گورستان ملاحان تبدیل شده است. ۳۸ نفر از رفقای آنها که از این حادثه جان سالم به در برده بودند نیز توسط گارد ساحلی اسپانیا دستگیر و پس از چند روز بازداشت، اخراج شدند.

۱۴۷- سودان و تونس

(بسته شدن سفارت سودان در تونس: ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۲)

وزارت امور خارجه سودان در ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۲ بی آنکه دلیلی ابراز بدارد، بسته شدن سفارت این کشور در تونس را اعلام نمود. ناظران سیاسی این عمل را همچون پیش درآمدی بر قطع روابط دیپلماتیک میان دو کشور تفسیر کرده اند.

۱۴۸- آنگولا

(اعلام يك ارتش واحد: ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۲)

آنگولا بطور رسمی فقط دارای یک ارتش است. پس از شانزده سال برخورد، فالآ (FALA)، انجمن نظامیان شورشی اتحاد برای آزادی کامل آنگولا (یونیتا) به ریاست آقاخونس ساویمی و فایلا (FAPLA)، نیروهای منظم دولتی، بطور رسمی منحل شدند. نحوه اعلام این خبر به عهده کمیسیون مشترک سیاسی- نظامی (CCPM) که در پایان دیدار نهایی پرزیدنت خوزه ادوارد دوس سانتوس و آقای ساویمی در روز شنبه ۲۶ سپتامبر در لوآندا تشکیل شد و گذار گردید.

۱۴۹- ایالات متحد آمریکا و فیلیپین

(بازگرداندن پایگاه دریایی سوبیک بای به مقامات فیلیپینی: ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای ریچارد سولومون (Richard Solomon)، در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ پایگاه دریایی آمریکایی سوبیک بای (Subic bay) را تسلیم مقامات فیلیپینی نمود. آخرین نظامی آمریکایی، این پایگاه را در ۲۴ نوامبر ترک خواهد کرد. مجلس سنای فیلیپین در سپتامبر ۱۹۹۱ از تمدید قرارداد ۱۰ ساله این پایگاه و همچنین پایگاه هوایی کلارک (Clark) خودداری نمود. با این تصمیم، سنای فیلیپین به حضور نظامی آمریکا در آن کشور که از ۱۸۹۸ یعنی از زمان جنگ علیه اسپانیا ادامه داشت خاتمه داد. با این حال موافقتنامه دفاع مشترک مورخ ۳۰ اوت ۱۹۵۱، همچنان دو کشور را با یکدیگر پیوند می دهد. در همان

روز نیروهای آمریکایی پایگاه هوایی سواندر استروم فیورد (Soinder Strumfjord) در قسمت جنوب غربی گروئلند را تخلیه نمودند. این پایگاه طی سالها محل ارتباط اروپا و آمریکا بود. یک پایگاه رادار نیز به توله (Thule) واقع در شمال غربی گروئلند منتقل شد.

۱۵۰- کره جنوبی: (۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

(نطق رئیس جمهور کره جنوبی در ملاقات بارهبران چین: ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲)

آقای روتانه- وو (Roh Tae-woo) رئیس جمهور کره جنوبی ملاقاتهای خود با رهبران چین را با بیان این مطالب به پایان برد که امیدوار است کره شمالی ترس همسایگانش را در مورد برنامه هسته ای نظامی خود با اجرای مفاد پیمان منعقدہ میان دو کره، در پایان سال ۱۹۹۱ از میان ببرد. کره شمالی، بدون انتقاد از پکن، به عنوان آخرین متحدش، ناخشنودی خود را از «از پادر آمدن» چین در مقابل «توطئه امپریالیسم» ابراز نمود.

۱۵۱- قطر

(عدم موافقت قطر با قرارداد مرزی ۱۹۶۵ خود با عربستان سعودی: اول اکتبر ۱۹۹۲)

قطر، بلافاصله بعد از برخورد با عربستان سعودی که منجر به مرگ دو یا سه تن شد تصمیم خود، مبنی بر «عدم موافقت» با قرارداد مرزی ۱۹۶۵ با آن کشور را اعلام نمود. عربستان سعودی قاطعانه این تصمیم را رد کرد و اعلام داشت که به نظر آن کشور قرارداد ۱۹۶۵ برای هر دو طرف الزام آور است. در حالی که تنش میان ریاض و دوحه افزایش می یابد به ادعای قطر دو مین حمله سعودیها به این کشور نیز، انجام شد.

۱۵۲- ایالات متحد آمریکا

(برخورد اتفاقی میان نیروهای آمریکایی و ترک: ۲ اکتبر ۱۹۹۲)

جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا، به رهبران ترک، تورگوت اوزال و سلیمان دمیرل

تلفن کرد تا مراتب تأسف خود را از بابت شلیک تصادفی یک فروند موشک در روز پنج‌شنبه اول اکتبر از ناو هوایما بر آمریکایی موسوم به سارا توگا به یک ناوچه ترک به نام معاونت که منجر به کشته شدن حداقل پنج نفر از ناویهای ترک در دریای اژه شد، ابراز بدارد. در این حادثه پانزده نفر از خدمه کشتی زخمی و تعداد زیادی نیز ناپدید شده‌اند.

۱۵۳- عراق

(توقیف داراییهای عراق توسط شورای امنیت: ۲ اکتبر ۱۹۹۲)

شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ای تصویب نمود که به موجب آن دارایی‌های عراق را که مرتبط با فروش نفت بوده و بعد از تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ در خارج باقی مانده است و همچنین نفت ذخیره شده در خارج از عراق توقیف گردید. این قطعنامه با ۱۴ رأی موافق و یک رأی ممتنع (چین) به تصویب رسید.

۱۵۴- روسیه فدراتیو

(ممنوع الخروج شدن میخائیل گورباچف: ۲ اکتبر ۱۹۹۲)

ممنوع الخروج شدن مطلق از خاک روسیه تصمیمی است که دادگاه قانون اساسی برای میخائیل گورباچف به خاطر امتناع وی از ادای شهادت در مقابل مراجع مأمور رسیدگی به پرونده مشروعیّت حزب کمونیست اتحاد شوروی اتخاذ نمود. میخائیل گورباچف از حق سفر کردن به خارج از کشور تا زمانی که به دعوت قضات پاسخ ندهد محروم شده است. از شروع رسیدگی، از اوایل تروئیه، گورباچف از ادای شهادت در آنچه به نظر او «یک توطئه سیاسی برای بی اعتبار کردن اوست» امتناع کرده است.

۱۵۵- چکسلواکی

(جدایی چک و اسلواکی: ۲ اکتبر ۱۹۹۲)

آقای ودلادیمیر میسار (Vladimir-Meciar)، نخست وزیر اسلواک، حین ملاقات با

همتای چک خود آقای واکلاو کلاوس (Vaclv Klaus)، بطور قطعی طرح اتحاد چک و اسلواکی را که در ۲ اکتبر توسط پارلمان تصویب شده بود، رد نمود. اینان با امضای سندی مبنی بر تأیید سیاست متّخذه توسط احزاب خود در مورد جدایی فدراسیون چکوسلواکی به بحران سیاسی این روزهای آخر خاتمه دادند.

سندی که توسط حزب دموکراتیک سیویک آقای کلاوس به طرف مذاکره عرضه شد، متضمن تعهداتی است که هر دو حزب در خلال شش دور گردهمایی قبول نموده اند. لازم است خاطر نشان گردد که حزب حرکت برای یک اسلواکی دموکراتیک، وجود هرگونه فدراسیون را رد می نماید و حزب دموکراتیک سیویک چک نیز مخالف تشکیل هرگونه کنفدراسیون می باشد. این سند این امکان را فراهم آورده است که از اول ژانویه ۱۹۹۳ دو دولت مستقل به وجود آیند که با موافقتنامه های متعددی در زمینه های اقتصادی، پولی و اجتماعی میان یکدیگر پیوندی مستحکم به وجود آورند.

۱۵۶- ایالات متّحد آمریکا- مکزیک و کانادا

(انعقاد معاهده مبادله آزاد: ۷ اکتبر ۱۹۹۲)

معاهده مبادله آزاد آمریکای شمالی در ۱۲ اوت میان ایالات متّحد آمریکا، مکزیک و کانادا در سان-آنتونیو (نگزاس) موقتاً به امضا رسید. این معاهده بازاری به مبلغ ۶۰۰۰ میلیارد دلار، با ۳۶۰ میلیون مصرف کننده را ایجاد می نماید.

۱۵۷- ژاپن

(اعطای وام به روسیه فدراتیو از طرف ژاپن: ۷ اکتبر ۱۹۹۲)

بانک صادرات و واردات ژاپن اعلام کرد که مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار به صورت وام در اختیار مسکو قرار داده است. این وام به عنوان کمک بشردوستانه فوری که قولش در دسامبر ۱۹۹۰ به شوروی سابق داده شده بود، پرداخت شده است. ژاپن این کمکها را به کشورها به شرط رعایت حقوق بشر از طرف آنها و همچنین با توجه به مخارج تسلیحاتیشان اعطا می کند.

۱۵۸ - یوگسلاوی

(تحول اوضاع: ۱۸ اکتبر ۱۹۹۲)

به علت بروز مسائل عمده ای از جمله اعلام آتش بس و تخطی فوری از آن، جنایتهای جنگی، دخالتهای روزافزون سازمان ملل در این کشور، غیرممکن است که بتوان چگونگی تحول اوضاع را دقیقاً مشخص کرد. از اول آوریل تا ۱۸ اکتبر ۱۹۹۲ عملیات نظامی ۱۵۲۸۴ کشته برجای گذاشته که اکثر آنان از غیرنظامیان بوده اند.

شورای امنیت در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۲ تصمیم به تشکیل یک کمیسیون تحقیق در مورد جنایات جنگی در این کشور گرفت. قطعنامه ۷۸۱ که در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲ به تصویب رسید، ورود هرگونه هواپیمای جنگی به حریم هوایی بوسنی-هرزه گوین به جز هواپیمای سازمان ملل متحد و هواپیمای کشورهای شرکت کننده در پل هوایی را ممنوع اعلام کرد. محاصره دریایی صربستان و مونته نگرو در دریای آدریاتیک به منظور تقویت تحریم آنها از ۲۰ نوامبر ۱۹۹۲ برقرار گردید. معذک آلمان اجازه یافت با استناد به قانون اساسی خود، که مشارکت نیروهای این کشور را در خارج از منطقه عملکرد ناتو ممنوع کرده است، در این عملیات شرکت نکند. یوگسلاوی در ۱۵ دسامبر از صندوق بین المللی پول کنار گذاشته شد.

۱۵۹ - آفریقای جنوبی

(عذرخواهی پرزیدنت دوکلرک از سیاهپوستان به خاطر سیاست آپارتاید: ۹ اکتبر ۱۹۹۲)

پرزیدنت فردریک دوکلرک (Frederik De Klerk) برای اولین بار از طرف حزب خود سیاست آپارتاید را که منجر به تقسیم آفریقای جنوبی بر اساس معیارهای نژادی شده بود محکوم نمود. آقای دوکلرک پذیرفت که دولت اقلیت سفیدپوست اغلب مرتکب خطا و اشتباه شده است. او اعلام کرد «دیرزمانی ما در رویای یک ملت با دولتهای جداگانه بودیم؛ در حالی که واضح بود چنین امری تحقق نخواهد یافت، به همین علت هم مناسسیم؛ و برای ایجاد یک سیستم سیاسی دیگری کار و کوشش می کنیم». معهدا کنگره ملی آفریقا (ANC) این یوزشها را کافی ندانست و اعلام کرد که آقای دوکلرک به حد کافی سیستمی

را که بطور «بنیادین بد و منحوس» بوده محکوم نکرده است.

۱۶۰ - روسیه فدراتیو

(امکان خروج گورباچف از روسیه به دلایل بشردوستانه: ۱۳ اکتبر ۱۹۹۲)

آقای والرئ زورکین (Valeri Zorkine) رئیس دیوان قانون اساسی اعلام کرد که آقای گورباچف می‌تواند «به دلایل بشردوستانه» به آلمان برود؛ گوا اینکه احضار او برای شهادت همچنان به قوت خود باقی است. آقای گورباچف تصمیم گرفته است برای بزرگداشت خاطره صدراعظم سابق آلمان غربی آقای ویلی برانت که روز شنبه ۱۷ اکتبر در برلن برگذار می‌شود، در این مراسم حضور یابد. آقای زورکین در مقابل دیوان اعلام کرد که پرزیدنت یلتسین به او تلفنی اطلاع داده است که مسافرت گورباچف به آلمان «دلایل بشردوستانه» دارد.

۱۶۱ - آلمان

(ضبط اورانیوم قاچاق: ۱۵ اکتبر ۱۹۹۲)

پلیس آلمان در روز سه شنبه ۱۳ اکتبر، ۲/۲ کیلوگرم اورانیوم را که ممکن است به صورت قاچاق از کشورهای شرقی وارد شده باشد ضبط نمود. براساس اعلام دادسرای مونیخ، که این موضوع را افشا نموده است، این اورانیومها ممکن است از نوع غنی شده آن باشد که در ساخت سلاحهای هسته‌ای به کار می‌رود.

پلیس فرانکفورت هفته گذشته، به دنبال ضبط سزیم ۱۳۷ و اسرانتیم ۹۰، دو ماده رادیواکتیو که در صنایع کاربری دارند، پنج لهستانی را دستگیر نمود.

۱۶۲ - روسیه فدراتیو

(تمدید تعلیق آزمایشهای هسته‌ای: ۱۹ اکتبر ۱۹۹۲)

آقای بوریس یلتسین، رئیس جمهور روسیه، فرمانی صادر کرد که براساس آن

تصمیم متّخذه توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق در اکتبر ۱۹۹۱ مبنی بر تعلیق آزمایشهای هسته‌ای به مدت هشت ماه دیگر تمدید گردد. تعلیق جدید تا اول ژوئیه ۱۹۹۳ اعتبار دارد.

۱۶۳ - مجارستان و اسلواکی

(وضعیت فعلی اختلاف دو کشور در مورد سد کابچیکوو: ۲۰ اکتبر ۱۹۹۲)

در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۲ کارهای مربوط به تغییر مسیر دانوب در سمت اسلواکی که برای کارهای ساختمانی سد ضروری بود آغاز گردید. مجارستان به علت بالا بودن هزینه‌های ساخت این سد، کارهای مربوط به آن را در ۱۹۸۸ متوقف کرد و در مه ۱۹۹۲ معاهده‌ای را که با چکسلواکی در ۱۹۷۷ برای ساختن این سد منعقد کرده بود، لغو نمود.

(اختلاف میان دو کشور از این پس بعدی اروپایی یافت و آقای ژوزف آنتال (Josef Antall) نخست وزیر مجارستان در ۲۰ اکتبر ۱۹۹۲ نامه‌هایی را برای تعدادی از سران دولتها، از جمله پرزیدنت میتران، برای بیان مواضع دولتش ارسال نمود. موضع مجارستان بسیار ظریف و دقیق می‌نماید، چون که اولین نتیجه کارهای انجام شده توسط دولت اسلواکی منحرف کردن آب رودخانه دانوب، یعنی جا به جا کردن خط میانه رودخانه؛ است در حالی که بر اساس معاهدات مربوط به این بخش از رودخانه، خط تالوگ (Thalweg) باید مرز میان مجارستان و چکسلواکی (یعنی اسلواکی امروزی) باشد. دو دولت از ۱۹۴۸ شرط اختیاری قبولی صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را تمديد نکرده‌اند و تنها طریقی که آنها می‌توانند با توسل بدان اختلاف خود را در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمایند انعقاد موافقتنامه در جهت حفظ وضع موجود (Statu quo) مرزهایشان است. البته به نظر می‌رسد که اسلواکی ترجیح بدهد مستقیماً به قدرتهای غربی (جامعه اقتصادی اروپا) متوسل شود و یک راه حل سیاسی برای این اختلاف جستجو نماید.

۱۶۴ - اروپا

(اعلام عدم اجرای موافقتنامه های شنکن تا اواسط ۱۹۹۳: ۶ نوامبر ۱۹۹۲)

آقای کارلوس و ستندورپ (Carlos Westendorp)، وزیر امور اروپایی اسپانیا حین گردهمایی وزرای اروپایی مسئول به اجرا گذاردن موافقتنامه های شنکن در مورد گردش آزاد اشخاص در مادرید، اعلام کرد که این موافقتنامه ها تا اواسط سال ۱۹۹۳ لازم الاجرا نخواهند شد. وی خاطر نشان کرد که هنوز برای رسیدن به «یک سرزمین بدون مرزهای داخلی» راه درازی در پیش است.

۱۶۵ - لیبریا

(تحمیل آتش بس به جبهه ملی میهنی: ۷ نوامبر ۱۹۹۲)

رؤسای هفت دولت جامعه اقتصادی دولتهای آفریقای غربی، که در میان آنها رئیس جمهور ساحل عاج، فیلیکس هوفوئه بوآنی (Felix Houphouët Boigny) و رئیس جمهور بوركینافاسو، بلزکومپاره (Blaise Compaoré) دیده می شوند، در شهر آبوجا در نجره گرد آمدند تا موضع دولت میزبان نسبت به جبهه ملی میهنی لیبریا را به فرماندهی آقای چارلز تایلر (Charles Taylor) را تصویب نمایند. نیروی استقرار صلح آفریقای غربی، اکوماک اجازه یافته است تا حمایت آتش بس را از نیمه شب سه شنبه ۱۰ نوامبر به آقای چارلز تایلر تحمیل نماید.

۱۶۶ - سریلانکا

(اعلام حکومت نظامی در بخشهایی از منطقه شرقی سریلانکا: ۸ نوامبر ۱۹۹۲)

حکومت نظامی برای مدت نامعلومی در بخشهایی از منطقه شرقی سریلانکا، به خصوص در حوالی شهر ساحلی باتیکالوا (Batkicaloa) برقرار شد. نیروهای مسلح دولتی تهاجمی را علیه ببرهای تامیل، که نزدیک به یک دهه است که برای استقلال مبارزه می کنند، آغاز کردند به نظر می رسد این عملیات به تلافی سوء قصدی باشد که

استقلال طلبان در ژوئیه گذشته، بر ضد فرمانده عالی نظامی در منطقه ای شمالی انجام دادند که منجر به کشته شدن وی گردید.

۱۶۷- لبنان

(رأی اعتماد به نخست وزیر: ۱۲ نوامبر ۱۹۹۲)

دولت آقای رافیک حریری (Rafic Hariri) رأی اعتماد ۱۰۴ از ۱۲۸ تن نمایندگان مجلس را به دست آورد. اگرچه نخست وزیر حمایت خود را از «مردم جنوب لبنان و بقاع غربی در مقابله با اشغالگران اسرائیلی» اعلام داشته است، معهدا بنیادگرایان اسلامی او را به سبب ندادن اولویت مطلق به وضعیت موجود در مرزهای جنوبی این کشور با اسرائیل مورد سرزنش قرار داده اند. اسلام گرایان همچنین دولت را به علت عدم اشاره به «غیرمذهبی شدن» سیستم سیاسی و به خاطر اقدام به خصوصی سازی بخش دولتی مورد سرزنش کرده اند.

۱۶۸- تیمور شرقی

(جلوگیری از گرامی داشت یاد قربانیان کشتار تیمور شرقی توسط اندونزی: ۱۲ نوامبر ۱۹۹۲)

پلیس اندونزی دسترسی به قبرستان دیلی، پایتخت سرزمین تیمور شرقی، را ممنوع اعلام کرده است تا از گرامی داشت یاد کشتار سال گذشته مردم که به دست نیروهایشان انجام شد جلوگیری نمایند. طبق آمار رسمی در جریان این برخورد ۵۰ نفر کشته و ۶۶ نفر ناپدید شدند.

۱۶۹- کانادا

(ادعای اسکیموهای کانادا: ۱۲ نوامبر ۱۹۹۲)

اسکیموهای کانادا ترجیح داده اند که اینویی (Inuit) خوانده شوند. کلمه اینویی که در زبان اسکیمویی به معنای «خورنده گوشت خام» می باشد و در اول نوعی ناسزای

سرخ بوستان هورون بوده است مبین نوعی موافقتنامه تاریخی است که به اسکیموها امکان می دهد تا بزرگترین مالک خصوصی در جهان باشند. طبق این موافقتنامه مالکیت ۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع از شمال کانادا از آن اسکیموها می باشد. این موافقتنامه، همچنین به آنها حق صید و شکار را در محدوده ای به مساحت بیش از ۲/۲ میلیون کیلومتر مربع که از مرز مانتوبا تا منتهی الیه جزیره السمر در اقیانوس منجمد شمالی ادامه دارد، اعطا کرده است.

۱۷۰ - لیتوانی

(بیروزی حزب کمونیست سابق در انتخابات پارلمانی لیتوانی: ۱۵ نوامبر ۱۹۹۲)

حزب دموکراتیک کار (حزب کمونیست سابق) موفق شد در دور دوم انتخابات پارلمانی، اکثریت مطلق ۹۷ کرسی از ۱۴۱ کرسی، را در مقابل حزب حرکت ساجودیس (Sajudis) که متعلق به ویتوتاس لندزبرجیس (Vytautas Landsbergis) و یاران مسیحی او است از آن خود کند. برازوسکاس (Brazauskas) قول داد که آهنگ اصلاحات را، که منجر به نزول شدید سطح زندگی شده است، تعدیل کند و روابط با مسکورا، که کلید تأمین انرژی کشور را در دست دارد، بهبود بخشد. محبوبیت آقای لندزبرجیس کم کم به علت اختلافات سیاسی، که منجر به انشعابات متعدد حزبی شده است، و همچنین به علت شکست اصلاحات اقتصادی کاهش یافته است.

۱۷۱ - مصر

(دستگیری عده ای در اسکندریه به اتهام عضویت در گروه های اسلامی: ۱۵ نوامبر ۱۹۹۲)

پلیس مصر بیش از ۲۵۰ نفر را در اسکندریه که مظنون به عضویت در گروه های اسلامی - سازمانی که سوء قصدی را روز ۱۲ نوامبر در کنا (Qina) در ۶۰۰ کیلومتری جنوب قاهره بر ضد توریستهای آلمانی مرتکب شده است - هستند دستگیر نمود. به اقرار یکی از دستگیر شدگان سوء قصد از اسکندریه یعنی جایی که بسیاری از بنیادگرایان مصر علیاً در آنجا مستقر هستند، هدایت شده است.

۱۷۲- آلمان**(تعلیق رسیدگی به پرونده اریک هونکر: ۱۶ نوامبر ۱۹۹۲)**

جریان رسیدگی به اتهامات اریک هونکر و پنج تن از دیگر سران آلمان شرقی سابق، که باید به قربانیان سیاست خشن خود پاسخ گویند، به علت وخامت حال هونکر، که از سرطان کبد رنج می برد، به حال تعلیق درآمده است. رسیدگی به این پرونده قبلاً نیز در ۱۳ نوامبر به علت وخامت حال ویلی استوف (Willi Stoph)، نخست وزیر سابق آلمان شرقی، به حال تعلیق درآمده بود.

۱۷۳- چین**(اعلام سازمان عفو بین المللی در مورد نقض حقوق بشر در منطقه زینجیانگ: ۱۶ نوامبر ۱۹۹۲)**

سازمان عفو بین المللی در گزارشی، تجاوز شدید به حقوق بشر در منطقه خودمختار زینجیانگ (Xinjiang) واقع در غرب چین را اعلام کرد. منطقه زینجیانگ که در مجاورت روسیه فدراتیو، تعدادی از جمهوریهایی آسیای میانه، افغانستان و پاکستان فرار گرفته است، دارای جمعیتی است که اکثریت قومی آن غیرچینی و از لحاظ اهلیت و مذهب مسلمان بوده و غالباً ترک زبان می باشند. این منطقه، بیابانی ولی سرشار از نفت که جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون نفر دارد از آغاز دهه ۸۰ چندین بار برای استقلال دست به شورش زده است. عفو بین الملل اعلام کرده است که زندانیان سیاسی این منطقه بدون هیچ گونه رسیدگی بطور سری و در شرایط بسیار سختی نگهداری می شوند. این سازمان همچنین تأکید کرده است که برخلاف گفته مقامات چینی نه ۲۲ نفر بلکه ۵۰ نفر در خلال شورشهای بخش بارن در آوریل ۱۹۹۰ کشته شده اند.

۱۷۴- چکسلواکی**(رژیم نویس قانون اساسی در مورد تجزیه فدراسیون چکسلواکی: ۱۸ نوامبر ۱۹۹۲)**

مجمع فدرال برای دومین بار پیش نویس قانون اساسی در مورد تجزیه فدراسیون

چکسلواکی را رد نمود. این تصمیم راه را برای یک مصالحه باز نمود و این در حالی است که پارلمانهای چک و اسلواک به این پیش نویس رأی مثبت داده اند. طبق نظر این پارلمانها در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ باید مؤسسات فدرال به کار خود خاتمه دهند.

۱۷۵- نروژ

(تصویب تصمیم دولت کارگری مبنی بر عضویت در جامعه اقتصادی اروپا توسط پارلمان)

پارلمان نروژ با ۱۰۴ رأی موافق در مقابل ۵۵ رأی مخالف بر تصمیم دولت اقلیت کارگر برای دادن تقاضای عضویت در جامعه اروپا صحه گذاشت. این تصمیم برای حزب اکثریت بسیار سخت جلوه کرده است، زیرا با وجود موافقت رهبری حزب با عضویت در جامعه اروپا، ۱۳۰۰۰۰ عضو آن در این مورد نظری چندان موافق ابراز نکرده اند.

۱۷۶- تیمور شرقی

(دستگیری خوزه زانانا گوسما او رهبر جبهه آزادیبخش تیمور شرقی: ۲۰ نوامبر ۱۹۹۲)

خوزه زانانا گوسما (José Xanana Gusmao) که رهبری جبهه آزادیبخش تیمور شرقی (FRETILIN) را از آخرین سالهای ۷۰ بر عهده داشته است توسط سربازان اندونزیایی دستگیر شد. این جبهه شانزده سال است که بر ضد اشغال و سپس ضمیمه شدن این سرزمین توسط اندونزی مبارزه کرده است. این سرزمین سابق بر این مستعمره، پرتغال بوده است و ۷۵۰,۰۰۰ نفر جمعیت دارد. گوسما او که فرزند یک معلم است و خود خبرنگار، نویسنده و شاعر می باشد سمبل مقاومت در مقابل اندونزی بوده است. در اوایل امسال، مقامات اندونزیایی خوزه دا کاستا (José da casta)، مسوول فلاتیل، بازوی نظامی استقلال طلبان را نیز دستگیر نموده بودند. اما سایر رهبران حرکت آزادیبخش به صورت تبعید در استرالیا یا در پرتغال به سر می برند. از ۱۹۸۹ به این طرف جبهه آزادیبخش محدود به چند صد چریک شده که چندان مسلح نبوده و خود را در کوههای مرکزی تیمور شرقی پنهان کرده اند.

۱۷۷- تاجیکستان

(تحقیق در مورد کشتار توسط محافل نزدیک به کمونیستها در مرز افغانستان: ۲۱ نوامبر ۱۹۹۲)

پارلمان تاجیکستان تحقیقی را در مورد کشتاری که توسط محافل نزدیک به کمونیستها در یک اردوگاه پناهندگان در مرز با افغانستان اتفاق افتاده است، آغاز نمودند. براساس گفته آقای ژلدولف اورز (Geldolph Evers)، نماینده کمیساریای مالی پناهندگان ملل متحد در محل، هزاران آواره ای که از منطقه شرتوز- محلی که کشتار ۱۲ نوامبر در آنجا اتفاق افتاده است- فرار کرده اند در این مرز محاصره شده اند. براساس نگا، آژانس خبری روس، در ۲۱ نوامبر، حدود ۸۰۰ نفر در جریان حمله کمونیستها به یک اردوگاه در شرتوز کشته یا زخمی شده اند. از طرف دیگر عمران شاه گلداس (Emranshah Goldas) وزیر کشور تاجیکستان تأکید کرده که جنگ داخلی در این کشور ۵/۳ میلیون نفری (۶۰٪ تاجیک هستند) از ۶ ژوئن گذشته تا حال ۵۰ هزار کشته برجای گذاشته است.

۱۷۸- کومور

(برگزاری دور اول انتخابات پارلمانی در کومور: ۲۲ نوامبر ۱۹۹۲)

تنها چهار نماینده در پایان انتخابات قانونگذاری چند حزبی که برای اولین بار بعد از استقلال کشور در ۱۹۷۵ برگزار می شود انتخاب شدند. ضمن اعلام اینکه اولین دور انتخابات در اکثر مناطق به صورت رضایت بخشی برگزار شده هیأت ناظر فرانسوی اعلام کرده است که دفاتر رأی گیری در شهر مورونی (Moroni)، پایتخت کشور و در مبنی (Mbeni)، محلی واقع در ساحل شرقی کومور بزرگ، بد عمل کرده اند. این هیأت از حضور ژاندارمها با لباس نظامی و مسلح به سلاحهای خود کار در دفاتر مورونی شگفت زده شده اند.

۱۷۹ - بریتانیای کبیر

(استیضاح توسط حزب کارگر: ۱۳ نوامبر ۱۹۹۲)

استیضاح دولت توسط حزب کارگر به علت فروش مخفیانه سلاح به عراق (آنچیزی که به عراق گیت معروف شده است) بعد از یک بحث جنجالی در مجلس عوام با ۳۱۰ رأی در مقابل ۲۶۵ رأی رد شد.

۱۸۰ - سازمان ملل متحد و کوبا:

(تصویب قطعنامه پیشنهادی کوبا توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد: ۲۴ نوامبر ۱۹۹۲)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش نویس قطعنامه پیشنهادی کوبا را تصویب کرد. این قطعنامه از دولتهای عضو خواسته است که از «تشدید و اجرای قوانین و تصمیماتی که آثار فرا سرزمینی دارند و به حاکمیت دولتهای دیگر لطمه می‌زنند خودداری نمایند» تصویب این قطعنامه شکست غیرمنتظره‌ای برای ایالات متحد آمریکا بعد از خاتمه دوران جنگ سرد می‌باشد. این قطعنامه بی‌آنکه صراحت داشته باشد در واقع قانون «توریچلی» (Torricelli) را که توسط کنگره آمریکا تصویب و در ۲۶ اکتبر توسط پرزیدنت بوش تمدید شده لغو کرده است. این قانون مجازاتهای اقتصادی، تجاری و مالی آمریکا در مورد کوبا را که ۳۲ سال است ادامه دارد تقویت کرده است.

آلچیبیادس هیدالگو باسولتو (Alcibiades Hidalgo Basulto) سفیر کوبا در سازمان ملل متحد اعلام کرد که اعمال این مجازاتها تا به حال ۳۲ میلیارد دلار به کوبا ضرر رسانده است. این قانون توسط نماینده دمکرات از ایالت نیوجرسی به نام آقای روبرت توریچلی به کنگره آمریکا پیشنهاد شده بود.

۱۸۱ - رومانی

(آزادی فرزند کوچک نیکلای چائوشسکو: ۲۴ نوامبر ۱۹۹۲)

نیکو چائوشسکو (Nicu Ceausescu) پسر کوچک نیکلای چائوشسکو - که به جرم

«کشتار جمعی» در دسامبر ۱۹۸۹ اعدام شد. به علت بیماری از زندان آزاد شد. وی نیز به اتهام «کشتار جمعی تحت پیگرد» است. نیکوچائوشسکوویس از ۱۰۰۰ روز زندان به علت ابتلای به یرقان از بیمارستان زندان جیلاوا (Jilava) واقع در حومه جنوبی بخارست خارج شد. او در حال گذراندن اولین مجازات خود که پنج سال زندان به جرم «تخطی از مقررات مربوط به سلاح» اعلام شده است، می باشد.

۱۸۲- گواتمالا

(جایزه نوبل برای خانم ریگو برتامنچو: ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲)

خانم ریگو برتامنچو (Rigo Berta Menchu) که برنده جایزه صلح نوبل ۱۹۹۲ شده است در پایان بازدید سه روزه خود از پاریس اعلام کرد که آرزو می کند «بطور فعال» در روند صلح فعلی که در جهت پایان بخشیدن به سی سال جنگ داخلی در گواتمالا است شرکت نماید. او اعلام کرد که نمی تواند به داشتن فقط یک «نقش نمادین» اکتفا نماید.

۱۸۳- تاجیکستان

(صلح بین گروههای درگیر: ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲)

رؤسای گروههای مسلح کمونیست و طرفداران ائتلاف مسلمانان و دموکراتها، که در مدتی قریب به شش ماه جنگ داخلی خونینی در تاجیکستان به راه انداخته اند، حین گردهمایی پارلمان در شهر خوجان، واقع در شمال کشور، تصمیم گرفتند با یکدیگر صلح کنند. آقای امام علی رحمان اف رئیس پارلمان و رؤسای دو گروه متخاصم به ترتیب پشت تریبون مجلس قرار گرفته و با خرسندی هر چه تمام تر اعلام کردند که «همگی با صلح موافقتند».

۱۸۴- لیتوانی**(انتخاب رئیس حزب کمونیست لیتوانی به عنوان رئیس مجلس: ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲)**

پارلمان لیتوانی، آلبیرداس برازوسکاس (Algirdas Brazauskas) نفر اول حزب کمونیست لیتوانی در زمان اتحاد جماهیر شوروی را به ریاست خود برگزید. لازم به یادآوری است که در انتخابات ۲۵ اکتبر و ۱۵ نوامبر ۱۹۹۲، کمونیستها توانستند اکثریت را در پارلمان لیتوانی به دست آورند. ریاست پارلمان تا به حال در اختیار ویتنوتاس لندزبرجیس (Vytautas Landsbergis) بود. در لیتوانی ریاست پارلمان معادل پست ریاست دولت نیز می باشد. ضمناً انتخاب ریاست جمهوری با رأی مستقیم، که در آن باید لندزبرجیس و برازوسکاس نامزد شوند، زودتر از چهار ماه دیگر پیش بینی شده است.

۱۸۵- مجارستان**(محکومیت سرتراشیده ها: ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲)**

دادگاه بوداپست پس از شش ماه رسیدگی به پرونده ۴۸ سرتراشیده (Skinhead)، آنها را به جرم حمله به اقلیت چیگان (Tzigane) و خارجیان به مجازات زندان از ۱۸ ماه تا یکسال محکوم کرد. در میان این عمده به استثنای دو نفر، بقیه صغیر بودند که دادگاه مجازات آنها را به حالت تعلیق درآورد. این اولین رویداد از این نوع است که پس از سقوط کمونیستها در مجارستان اتفاق افتاده است.

۱۸۶- آنگولا**(قبول آتش بس میان دولت و یونیتا: ۲۶ نوامبر ۱۹۹۲)**

دولت آنگولا و «اتحاد ملی برای استقلال کامل آنگولا (یونیتا UNITA) در نامیب (Namib) واقع در جنوب کشور، یک آتش بس عمومی و فوری را پذیرفتند. این آتش بس هنگامی اعلام شد که همه گمان می کردند نیروهای دولتی خود را برای یک حمله بر ضد

شورشیان در مناطق تحت کنترل آنها آماده می‌کنند. براساس اعلامیه‌ای که توسط آقای خاکا خامبا (Jaca Jamba) یکی از مذاکره‌کنندگان یونینا، از رادیو خوانده شد دو طرف متعهد شده‌اند که موافقتنامه‌های صلح مه ۱۹۹۱ در پرتغال را به طور کامل رعایت نمایند. یونینا و دولت آنگولا خواستار تمدید مدت نمایندگی سازمان ملل متحد در این کشور، که در ۳۰ نوامبر خاتمه می‌یابد، شده‌اند.

۱۸۷- تیمور شرقی

(بخش نوار درخواست رهبر جبهه آزادیبخش تیمور شرقی مبنی بر تسلیم مبارزان این جبهه به اندونزی: ۱ دسامبر ۱۹۹۲)

زانانا گوسماو (Xanana Gusmao) رهبر جبهه آزادیبخش تیمور شرقی (FRETILIN) در یک نوار ویدیویی که از تلویزیون پخش شد از مبارزان این جبهه خواست که خود را تسلیم مقامات اندونزیایی کنند. به نظر اعضای تبعیدی این جبهه و همچنین برخی دیپلماتهای خارجی مقیم جاکارتا اعلامیه آقای گوسماو تحت فشار صادر شده است. این اعلامیه یک هفته بعد از دستگیری وی صادر شده است.

۱۸۸- آلمان

(ادامه رسیدگی به اتهامات اریک هونکر نفر اول آلمان شرقی سابق: ۳ دسامبر ۱۹۹۲)

اریک هونکر رسیدگی به پرونده خود را در مقابل دادگاه برلن یک «نمایش مسخره» و یک «بازی سیاسی» توصیف نمود. رئیس جمهور و رئیس حزب کمونیست آلمان شرقی سابق که مبتلا به بیماری سرطان کبد شده است خطاب به قضات اعلام کرد که «قضاوت شما دیگر شامل حال من نمی‌شود». وی مسؤلیت سیاسی تصمیمات متخذه در مورد شلیک به طرف افرادی که از ۱۹۷۱ قصد عبور از مرزهای بین‌المللی را داشتند پذیرفت، معهدا تأکید کرد که خود را نه از لحاظ حقوقی و نه از لحاظ سیاسی مقصر نمی‌داند.

۱۸۹ - کامبوج

(آزادی گروگانها توسط خمرهای سرخ: ۳ دسامبر ۱۹۹۲)

خمرهای سرخ شش تن از کلاه آبیهای سازمان ملل متحد را که در ۲ دسامبر در مرکز کامبوج به گروگان گرفته بودند، آزاد کردند. خمرهای سرخ آزادی گروگانها را منوط به عقب نشینی نیروهای سازمان ملل (APRONUC) از منطقه نزدیک به کمپونگتوم (Kompongthom)، یعنی محل درگیری، کرده بودند.

۱۹۰ - اسپانیا

(آسیب به یك نفت کش یونانی در بندر کورون: ۳ دسامبر ۱۹۹۲)

یک نفت کش یونانی با ۷۹۰۰۰ تن نفت خام در میادی ورودی بندر کورونی (Corogne) واقع در شمال غربی اسپانیا به گل نشست. یک ستون دود غلیظ فضای شهر گالیس را پوشاند. در همین حال نفت در حال نشت از کشتی بوده و خطر آلودگی خلیج گاسکونی (Gascogne) را تهدید می کرده است.

۱۹۱ - ویتنام

(بازدید نخست وزیر چین از ویتنام: ۲ دسامبر ۱۹۹۲)

لی پنگ (Li peng) نخست وزیر چین به بازدید پنج روزه خود از چین خاتمه داد. نتایج اولین بازدید نخست وزیر چین از ویتنام بسیار ضعیف و بیبارت بوده است از سرگیری کمک اقتصادی چین به ویتنام که از ۱۵ سال پیش قطع شده بود، همکاری برای مبارزه بر ضد قاچاق که به اقتصاد ویتنام آسیب رسانده است و بازگشایی احتمالی کنسولگریهای طرفین در سایگون و کانتون که از زمان بروز جنگ آشکار در ۱۹۷۸ میان دو کشور بسته شده اند. در این ملاقات پیشرفت قابل ملاحظه ای در مورد اختلافات ارضی میان دو کشور به خصوص در مورد جزایر واقع در دریای چین به وجود نیامد.

۱۹۲ - هندوستان

(برخورد گروههای مختلف مذهبی: ۷ دسامبر ۱۹۹۲)

بعد از تخریب مسجد آیودھیا (Ayodhya) در یوتار پرادش در یکشنبه ۶ دسامبر ۱۹۹۲ توسط گروهی از هندوها، برخورد میان گروهها در تمام کشور آغار شد. شورشهای ضد هندی در برخی از کشورهای مسلمان به خصوص در پاکستان و بنگلادش گزارش شده اند. آقای راو (Rao) نخست وزیر هند که سعی می کند ابتکار سیاسی را به دست بگیرد مسئولیت سازمانهای مذهبی افراطی در کشور را مورد توجه قرار داده است.

۱۹۳ - تاجیکستان

(وضعیت در این کشور: ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲)

وضعیت پایتخت تاجیکستان یک هفته پس از فتح مجدد آن توسط کمونیستها بسیار آشفته به نظر می رسد. نیروهای دولتی به قول خود عمل کرده و به قتل عام مخالفین پرداخته اند. روشنفکران و دموکراتها خود را پنهان کرده و سعی کرده اند فرار نمایند و این در حالی است که رؤسای مسلمان به ۴۵۰۰۰ نفر پناهنده در جنوب کشور ملحق شده اند.

۱۹۴ - چکسلواکی

(انحلال مجلس فدرال چکسلواکی: ۱۷ دسامبر ۱۹۹۲)

مجلس فدرال دو هفته قبل از انحلال قطعی فدراسیون چکسلواکی، در آخرین گردهمایی به انحلال خود رأی داد. سرود ملی چکسلواکی برای آخرین بار در پارلمان به صدا درآمد. در این مراسم واکلاو هاول (Vaclav Havel) رئیس جمهور سابق این کشور نیز شرکت نمود.

۱۹۵ - قطر - عربستان سعودی**(امضای موافقتنامه حل و فصل اختلافات مرزی: ۲۰ دسامبر ۱۹۹۲)**

قطر و عربستان سعودی پس از مذاکراتی طولانی که با میانجیگری پرزیدنت حسنی مبارک انجام شد، سرانجام در مدینه موافقتنامه ای در مورد حل و فصل اختلافات مرزی خود امضا نمودند.

۱۹۶ - چین**(گزارش سازمان عفو بین المللی در مورد وجود شکنجه در چین: ۲۴ دسامبر ۱۹۹۲)**

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل که در لندن منتشر شده است، در دهه اخیر کاربرد شکنجه به صورت یک عمل عادی بر ضد مخالفان در چین در آمده است. سازمان دفاع از حقوق بشر اعلام داشت «اگرچه چین قوانینی دال بر ممنوعیت شکنجه دارد و کنوانسیون ملل متحد بر ضد شکنجه را تصویب نموده است با این حال از این وسیله برای مقابله با مخالفان و جانبداران استفاده می کند». سازمان عفو بین الملل مقامات چینی را مسوول دستگیرهای غیرموجه و اعدامهای فوری نیز دانسته است. منابع رسمی چینی در سازمان عفو بین الملل حدود ۴۰۰ مورد شکنجه را در ۱۹۹۱ پذیرفتند، ولی اعلام داشتند که مسوولین این اعمال همگی تحت پیگیری قانونی قرار گرفته و محکوم شده اند. اما سازمان عفو بین الملل معتقد است که این رقم بسیار دور از واقعیت است. به نظر سازمان عفو بین الملل قربانیان زیادی هستند که از ترس انتقام جرأت ابراز شکنجه هابی را که تحمل کرده اند، ندارند.

۱۹۷ - کامبوج**(برخورد میان خمرهای سرخ و ویتنام: ۲۹ دسامبر ۱۹۹۲)**

سخنگوی سازمان ملل متحد در پنوم پنه اعلام کرده است که خسرهای سرخ ۱۴ ویتنامی را ضمن یک حمله بر ضد دهکده ای واقع در استان کمپونگ چونانگ

(Kom Pong-Chunang) به قتل رسانده اند. وانگهی آقای خیوسامفان (Khiev Samphan) رئیس خمرهای سرخ بر ضد مجازاتهای تحمیل شده توسط ملل متحد به حزب خود قیام کرده و اعلام داشته است که اجازه نخواهد داد که «شکارچیان کلاه آبی» مقری در مناطق تحت نظارت او ایجاد نمایند.

۱۹۸- ترکیه

(آمار کشته شدگان در درگیریهای نیروهای این کشور با حزب کارگران کردستان: ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲)

آقای عصمت سزگین (Ismet Sezgin) وزیر کشور ترکیه اعلام کرده که ۲۳۲۳ تن در ۱۹۹۲ در خاک ترکیه در درگیریهای میان نیروهای امنیتی و طرفداران حزب کارگران کردستان (PKK) و همچنین در عملیات ارتش و پلیس این کشور کشته شده اند. در میان کشته شدگان ۱۱۷۲ نفر از طرفداران حزب کارگران کردستان، ۵۶۲ نفر غیرنظامی و ۵۸۹ نفر از نیروهای امنیتی ترکیه به چشم می خورند. البته این آمار از تعداد تلفات حزب کارگران کردستان در عملیات انجام شده در شمال عراق در پاییز ۱۹۹۲ سخنی به میان نیاورده است.

۱۹۹- نیجر

(تصویب قانون اساسی جمهوری سوم: ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲)

کمیسیون ملی نظارت بر انتخابات نتایج همه پرسی ۲۶ دسامبر را اعلام نمود. قانون اساسی جدید با اکثریت ۸/۸۹٪ به تصویب رسید. از میان ۳/۹ میلیون نفر رأی دهنده، ۵۶/۶٪ در رأی گیری شرکت نمودند. این قانون اساسی جمهوری سوم این کشور می باشد جمهوری سوم این کشور باید در پایان مدت گذار که حداکثر تا آخر فوریه می باشد، آغاز گردد.

۲۰۰- الجزایر

(محاكمه عده ای از دانشجویان افسری به اتهام فعالیت به نفع جبهه اسلامی: ۲۷ دسامبر ۱۹۹۲)

رسیدگی به اتهام ۶۰ نفر از دانشجویان افسری الجزایر در مقابل دادگاه نظامی بشار (Bechar) در پشت درهای بسته آغاز گردید. اتهام این دانشجویان فعالیت و تبلیغ به نفع «جبهه نجات اسلامی» بوده که سبب ایجاد خطر برای امنیت دولت شده است. دادگاه نظامی بلیدا (Blida) قبلاً در ۶ مه گذشته دو افسر جزء را به اتهام شرکت در حمله بر ضد نیروی دریایی این کشور به مرگ محکوم کرده بود.

پ - معاهدات بین‌المللی

۲۰۱ - انعقاد پیمان ایجاد روابط دیپلماتیک میان چین و اسرائیل، ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲

چین و اسرائیل در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ با امضای موافقتنامه‌ای به استقرار روابط دیپلماتیک میان یکدیگر رضایت دادند. این موافقتنامه [پروتکل] در ۲۴ ژانویه در پکن به امضای وزیر امور خارجه چین، کیان کیشن و وزیر امور خارجه اسرائیل، دیوید لوی رسید.

بد نیست این نکته را یادآور شویم که اسرائیل نخستین دولتی بوده که جمهوری مردمی چین را در ۹ ژانویه ۱۹۵۰ مورد شناسایی قرار داده است، حال آنکه حکومت پکن، ۱۰ ماه زودتر از این تاریخ یعنی در اول مارس ۱۹۴۹، اسرائیل را شناسایی نموده بود.

۲۰۲ - امضای موافقتنامه‌ای میان بولیوی و پرو در مورد دستیابی بولیوی به اقیانوس آرام، ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲

رئیس‌جمهور پرو، آلبرتو فوجی موری Alberto Fujimori و هم‌تای بولیویایی وی، جیم پاز زامورا Jaime Paz Zamora موافقتنامه‌ای را امضا کردند که به موجب آن بولیوی از این پس با اختصاص دادن منطقه‌ای آزاد به خود در بند ایلو ILO واقع در ۱۲۰۰ کیلومتری جنوب لیما، به اقیانوس آرام راه پیدا خواهد کرد. بولیوی پس از جنگ پاسیفیک در قرن نوزدهم (۱۸۷۹-۱۸۸۳) با شیلی، بخشی از سرزمین خود را که به آن اجازه می‌داد با اقیانوس آرام ارتباط داشته باشد، از دست داده بود.

۲۰۳ - امضای معاهده میان بولیوی و پرو در مورد دستیابی بولیوی به دریا، ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲

در قاره آمریکا، تنها کشوری که نه بطور مستقیم و نه بطور غیرمستقیم به دریا راهی ندارد، بولیوی است. این کشور قریب به یک قرن است که تلاش می‌نماید خود را از این انزوا به در آورد. در ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲ این آرزو تحقق یافت و پرو با امضای معاهده‌ای با این کشور منطقه‌ای آزاد و بندری کوچک در شهر ایلو Ilo واقع در جنوب پرو به بولیوی واگذار نمود. البته این بندر با آنکه از لحاظ موقعیت در وضع بسیار بدی قرار دارد و از نظر اقتصادی هم آینده‌ای چندان روشن ندارد و در نتیجه نمی‌تواند برای بولیوی منبع درآمدی سرشار باشد، به هر حال بولیوی را با دریا مرتبط می‌سازد.

۲۰۴ - الحاق فرانسه به معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، ۲۷ ژانویه ۱۹۹۲

شورای وزیران فرانسه، سرانجام در ۲۷ ژانویه ۱۹۹۲ تصمیم رئیس‌جمهور فرانسه را مبنی بر امضای معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای که در اول ژوئیه ۱۹۶۸ به امضای دولتها رسیده و در حال حاضر با پیوستن ۱۴۰ دولت به آن به اجرا درآمده است، *

* در مورد سوابق تاریخی معاهده ۱۹۹۲ نک.

Rousseau Ch. Droit international public, tome IV, paris, 1980, p. 282.

مورد تأیید قرار داد. البته فرانسه از ۱۹۷۶ همواره به مفاد این معاهده عمل کرده است.

۲۰۵- مسأله مربوط به اجرای موافقتنامه های جبران خسارت که از ۱۹۸۹ میان کشورهای اروپای شرقی و سوئیس به امضا رسیده است

وقایعی که چندی پیش در اروپای شرقی رخ داد و نظامهای کمونیستی را واژگون ساخت، اجرای موافقتنامه جبران خسارت را که از ۱۹۸۹ به نفع بعضی از بیگانگان، خصوصاً سوئیسیها انعقاد یافته بود با مشکل رو به رو کرده است. این موافقتنامه ها مربوط به جبران خسارت از بیگانگانی می گردید که در دوران حکومت کمونیستها اموالشان مصادف شده بود. تا ۱۹۹۰ اتحاد جماهیر شوروی حاضر به مذاکره درباره این مسائل نمی شد و مذاکراتی هم که در دوران حکومت گورباچف آغاز شده بود به علت فروپاشی اتحاد شوروی بی نتیجه ماند تا آنکه سوئیس و اتحاد جماهیر شوروی سابق سرانجام موفق شدند در مورد جبران خسارت از اشخاصی که اموالشان در کشورهای بالت- که از ۱۹۴۰ به اشغال شوروی درآمده و پس از چندی ضمیمه خاک آن شده بود- و همچنین اموالی که در پروس شرقی و مولداوی ضبط شده بود، موافقتنامه ای را امضا کنند. این موافقتنامه در دسامبر ۱۹۹۰ رسماً به امضا رسید.

مضمون این موافقتنامه حل و فصل ۹۰۰ دعوا است که میزان خواسته همه آنها بالغ بر ۵ میلیون و ۷۵۰,۰۰۰ فرانک سوئیس می شود. این موافقتنامه به علت سقوط نظام کمونیستی اتحاد شوروی به تصویب نرسیده است. اما آن دعاوی که بر ضد آلمان دمکراتیک سابق مطرح شده بود، همه با تصویب قانون مربوط به حل و فصل کلی این قبیل دعاوی و پرداخت یکجای خسارات مربوط به آنها، منتفی گردیده اند. کشورهای مجارستان، چکسلواکی، بلغارستان، رومانی، لهستان، یوگسلاوی سابق نیز هر یک با انعقاد موافقتنامه هایی از ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، ترتیباتی برای پرداخت این قبیل غرامات پیش بینی کرده اند.

۲۰۶- شورای اروپا: اعطای وضعیت خاص به اسلوونی، ۳ فوریه ۱۹۹۲

مجمع پارلمانی شورای اروپا با تشکیل جلسه ای در ۳ فوریه ۱۹۹۲ و تصویب قطعنامه ای در استرامبورگ، اسلوونی را عضو پیوسته خود اعلام نمود. با تصویب این قطعنامه، شورای اروپا به تجزیه یوگسلاوی اقرار نمود. در نوامبر ۱۹۹۱، ۲۶ دولت عضو شورای اروپا وضعیت «مدعو ویژه» را که از ۱۹۸۹ به پارلمان فدرال یوگسلاوی تفویض نموده بودند، به حالت تعلیق درآوردند.

۲۰۷- امضای موافقتنامه نظامی میان بریتانیای کبیر و کویت، ۱۱ فوریه ۱۹۹۲

در ۱۱ فوریه ۱۹۹۲ موافقتنامه ای نظامی به امضای وزیر دفاع بریتانیا نام کینگ و همتای کویتی وی شیخ صباح السالم الصباح برای برقراری همکاری نظامی و دفاعی میان کویت و بریتانیای کبیر به امضا رسید. به موجب این موافقتنامه قرار شده است که مشاورانی نظامی از انگلستان به کویت اعزام شوند و همچنین سلاجهایی نظامی به کویت تحویل گردد.

۲۰۸- امضای موافقتنامه تفاهم و همکاری میان فرانسه و روسیه ۷ فوریه ۱۹۹۲

فرانسه و فدراسیون روسیه در ۷ فوریه ۱۹۹۲ معاهده ای برای ایجاد تفاهم و همکاری در کاخ الیزه به امضا رساندند. این موافقتنامه جایگزین معاهده ای با همین نام خواهد شد که پیتس از این در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۰، فرانسه با اتحاد جماهیر شوروی سابق منعقد نموده بود.

به موجب این موافقتنامه دو دولت بر این امر گواهی داده اند که فدراسیون روسیه ادامه دهنده حیات اتحاد جماهیر شوروی سابق خواهد بود و اینکه جامعه دولتهای مستقل موجودیتی رسمی دارد. این دو دولت همچنین با یادآوری پیوندهای مشترکی که میان مردم فرانسه و روسیه وجود داشته است، اعتقاد دارند که این دوستی و تفاهم باید همچنان در روابط میان دو قوم پایدار بماند؛ از این رو خواهند کوشید که موازین حقوق بشر رعایت

گردد و ارزشهای دمکراتیک از آفتهای بی وقفه و بی امان رهایی یابد. به همین سبب این دو دولت مصمم هستند که در جهت دفاع از این ارزشها در سازمانهای بین المللی سعی بلیغ نمایند.

در این موافقتنامه، فرانسه و روسیه بر کاهش سلاحهای نظامی، خاصه سلاحهای هسته ای تا حد متعارف و لازم تأکید نموده و اعلام کرده اند که در جهت جلوگیری از گسترش سلاحهای انهدام جمعی تا سرحد ممکن کوشش نمایند. فرانسه و روسیه همچنین تمایل خود را مبنی بر دیدار سران دو دولت در هر سال یک بار و یا هر وقت که لازم بنماید آشکار نموده و حتی خواستار آن شده اند که رؤسای دولتها در مواقعی، بطور غیررسمی از یکدیگر دیدار کنند.

۲۰۹ - پنجمین دور مذاکرات دولتها در کنفرانس آب و هوا درباره تدوین معاهده ای

در این مورد: نیویورک، ۱۶ تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۲

پنجمین دور مذاکرات دولتها برای تدوین معاهده ای درباره آب و هوا، از ۱۶ تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۲ در نیویورک برگزار گردید. به اعتقاد آقای ویلهلم اشمیت مدیر امور بین الملل دفتر فدرال محیط زیست و رئیس هیأت نمایندگی سوئیس، این مذاکرات متضمن نکات مفیدی، خصوصاً درباره طرز عمل دولتهای جهان سوم بود؛ گویانکه بعضی از دولتها در این مذاکرات از خود ابتکار عملی نشان ندادند و در قبال این مسأله مهم همچنان بی اعتنا باقی ماندند؛ چنانکه دولت ایالات متحده آمریکا که عامل اصلی انتشار گاز کربنیک در جهان به شمار می آید، در قبال بعضی از مقررات پیشنهادی، خصوصاً آن مقرراتی که متضمن کاهش انتشار این قبیل گازهای مضر و کمک مالی به کشورهای جهان سوم در جهت مبارزه با آلودگی بود راضی به نظر نمی رسید و با آنها مخالفت می کرد. دولت ایالات متحده آمریکا فقط با عبارت پردازیهای ملایم در این معاهده پیشنهادی موافقت داشت. این دولت همچنین با ایجاد صندوقی به نام آب و هوا برای مشارکت مالی اجباری دولتها در این مهم مخالفت می ورزید. اما دولتهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی به این پیشنهادها روی خوش نشان دادند. البته بر سر این مسأله که چه مرجعی باید اداره امور این صندوق را به عهده گیرد، دولتها نظر واحدی نداشتند. در این باره کشورهای

جهان سوم مایل نبودند که مؤسسه کارگشایی محیط زیست جهان (GEF)* که یکی از ارکان جدید بانک جهانی است، اداره این صندوق را به عهده گیرد.

۲۱۰- امضای موافقتنامه دوستی میان بلغارستان و فرانسه، ۱۸ فوریه ۱۹۹۲

رئیس جمهور بلغارستان، یلیو یلف Jelio Jeleu در ۱۸ فوریه ۱۹۹۲ در پاریس موافقتنامه ای تحت عنوان پیمان دوستی، تفاهم و همکاری با میتران، رئیس جمهور فرانسه به امضارساند که به موجب آن فرانسه متعهد گردید که تمام کوشش خود را برای توسعه و تعمیق روابط میان بلغارستان و جامعه اروپا به کار برد و بلغارستان را در جهت ایجاد زمینه های مساعد برای ادغام کامل در جامعه اقتصادی اروپا یاری دهد. این معاهده همچنین مقرر نموده است که وزاری خارجه هر دو کشور هر سال یک بار با یکدیگر ملاقات کنند. به موجب این معاهده دو کشور تلاش خواهند کرد که در قلمرو مسائل اقتصادی، فرهنگی، علمی و فنی با یکدیگر همکاری صمیمانه نمایند. فرانسه و بلغارستان همچنین متعهد شده اند که در صورت بحرانی شدن اوضاع و احوال اروپا و بروز خطراتی برای صلح و امنیت منطقه با یکدیگر به مشورت بپردازند.

۲۱۱- اعراض سویس از معاهده بین المللی کار، ۱۹ فوریه ۱۹۹۲

شورای فدرال سویس در ۱۹ فوریه ۱۹۹۲ اعلام نمود که از معاهده ۸۹ سازمان بین المللی کار کناره می گیرد. دولت سویس این معاهده را که مربوط به کار زنان در شب می شود در ۱۹۵۰ به تصویب رسانده بود. با این همه، معاهده ۸۹ در قبال سویس آنگاه اعتبار خود را از دست خواهد داد که این دولت در مورد بهبود کار کارگران اعم از زن یا مرد در شب، قانون کار خود را اصلاح نماید.

به موجب این معاهده، هر دولت می تواند هر ده سال یک بار در مورد تمدید اعتبار یا فسخ معاهده تصمیم بگیرد. شورای فدرال فقط تا ۲۷ فوریه مهلت داشت که اعلام نماید آیا آن معاهده را برای ده سال دیگر تمدید خواهد کرد یا نه. دولت سویس، همانطور که یادآور شدیم این معاهده را در ۱۹ فوریه فسخ کرد، زیرا معتقد بود که اجرای مقررات معاهده برای

*. Global Environment facility.

ده سال دیگر کاری دشوار و پردردسر است.

۲۱۲- انعقاد موافقتنامه برای حل سیاسی مسائل افغانستان ۲۳ فوریه ۱۹۹۲

در بیست و سوم فوریه ۱۹۹۲ آقای سوان Sevan نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد که با انجام مذاکراتی میان طرفهای ذینفع در مسأله افغانستان [حکومت کابل، پاکستان، ایران، عربستان سعودی، مجاهدین افغانی]، راه حلی سیاسی برای مشکلات موجود در این کشور پیدا شده است. به موجب این موافقتنامه، نیروها و دولتهای یاد شده موافقت کرده‌اند که مجمعی متشکل از ۱۵۰ عضو در دومین هفته آوریل تشکیل گردد. این کمیسیون وظیفه‌اش تهیه توصیه‌نامه برای انتقال قدرت به دولت موقت در آن کشور و تمهید زمینه‌ای مناسب برای برگزاری انتخابات ظرف یکسال است.

۲۱۳- امضای پیمان خرید و فروش اسلحه: کویت- فرانسه، ۲۷ فوریه ۱۹۹۲

درست یکسال پس از پایان گرفتن جنگ خلیج فارس، یعنی در ۲۷ فوریه ۱۹۹۲، امیرنشین کویت برای تجهیز نیروی دریایی خود، با وساطت شرکت فرانسوی خرید و فروش آلات و ادوات نظامی در خاورمیانه (SOFRESA) و با عقد موافقتنامه‌ای، سلاحهایی نظامی از فرانسه خریداری نمود. به موجب این موافقتنامه نیروی دریایی کویت تجهیزاتی برای خنثی کردن مین و آلات و ادواتی مناسب برای تجهیز غواصان مین یاب از فرانسه دریافت خواهد داشت.

۲۱۴- امضای موافقتنامه دوستی و حسن همجواری میان آلمان و چکسلواکی،

۲۷ فوریه ۱۹۹۲

در ۲۴ و ۲۷ فوریه ۱۹۹۲ حدود صد هزار نفر تظاهراتی بر ضد پیمان دوستی و حسن همجواری آلمان و چکسلواکی که در همان روز در پراگ به امضای هاول (Havel) و هلموت کهل (Kohl) رسیده بود، برپا کردند.

مردم چکسلواکی که هنوز خاطره دردناک پیمان ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۸ مونیخ و دست اندازیهای نازیها را بر مناطق سودت (Sudète) فراموش نکرده بودند، در تظاهرات خود معاهده یاد شده را از آن رو به باد حمله گرفته بودند که معتقد بودند در آن، امتیازات زیادی به دولت همسایه داده شده است. در این سند اعلام شده است که اخراج ۳ میلیون آلمانی از سودت، بعد از جنگ جهانی دوم با اصول حقوق بشر سازگار نمی‌نموده است. این معاهده در ۱۳ اکتبر ۱۹۹۱ به صورتی موقت به امضای دو کشور رسیده بود.

اما از آن طرف، بازماندگان دو میلیون و نهصد هزار نفر آلمانی اهل سودت مدعی بودند که حقوق آنان در این معاهده زیر پا گذاشته شده است؛ هر چند که برای نخستین بار خروج آنان از این سرزمین، «اخراج» قلمداد شده باشد.

گذشته از این، معاهده یاد شده به بازماندگان آلمانیهای سودت اجازه نداده است که خواستار استرداد اموال خود از دولت چکسلواکی شوند، مگر آنکه اینان به تابعیت آن کشور درآیند و برای همیشه به سرزمین مألوف بازگردند.

البته با آنکه انتظار می‌رفت که دیدار کهل از پراگ، اختلافات دیرین را از میان ببرد و دوستی و محبت را جایگزین آن نماید، چنین نشد و برخلاف آن انتظارات، باز مسأله مربوط به پیمان مونیخ و سودت را به این صورت احیاء نمود. با این حال، مجمع فدرال چکسلواکی در ۲۲ آوریل ۱۹۹۲، این معاهده را با رأی مثبت ۱۴۴ نفر در قبال ۸۲ رأی منفی به تصویب رساند.

۲۱۵- انعقاد معاهده میان آفریقای جنوبی و روسیه برای مبادله سفیر، ۲۸ فوریه

۱۹۹۲

روسیه [اتحاد شوروی سابق] و آفریقای جنوبی با بستن موافقتنامه‌ای در ۲۸ فوریه ۱۹۹۲، پس از سپری شدن ۳۶ سال از زمان قطع رابطه میان دو پایتخت، مجدداً با یکدیگر روابط دیپلماتیک برقرار کردند. رابطه میان مسکو و پره‌توریا از ۱۹۵۶ قطع شده بود.

۲۱۶ - مبادله اسناد تصویب معاهده تعیین حدود مرزی میان چین و روسیه، ۱۶

مارس ۱۹۹۲

وزاری امور خارجه چین و روسیه، کیان کیشن و آندره کوزیروف، در ۱۶ مارس ۱۹۹۲ اسناد تصویب معاهده تعیین حدود مرزی را که در ۱۶ مه ۱۹۹۱ به امضا رسانده بودند، با یکدیگر مبادله کردند. به موجب این معاهده، دو کشور در بخش شرقی مرزهای خود تغییراتی پدید آورده اند. با این حال، معاهده یاد شده درباره بخش غربی مرزهای مشترک که همچنان مورد اختلاف طرفین است، سخنی به میان نیاورده است.

۲۱۷ - الحاق چین به معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای، ۱۹ مارس ۱۹۹۲

وزیر امور خارجه چین، کیان کیشن (Qian Qichen) در ۹ مارس ۱۹۹۲ در لندن با امضای معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای که در اوّل ژوئیه ۱۹۶۸ به اجرا درآمده بود، و تسلیم آن به نخست وزیر بریتانیا، جان میجر که حافظ اسناد مربوط به این معاهده است، سرانجام موجبات الحاق کشورش را به چنین معاهده‌ای فراهم ساخت.

۲۱۸ - امضای معاهده هلسینکی میان دولتهای ساحلی دریای بالتیک در مورد حفظ

محیط زیست دریایی، ۱۹ آوریل ۱۹۹۲

در این سالهای اخیر، فعالیتهایی برای حفظ محیط زیست حوضه دریای بالتیک صورت گرفته که در نوع خود از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. آلودگی دریای بالتیک با رشد صنایع در کشورهای ساحلی مرتبط بوده است. منبع این آلودگیها، فنل، نفت، زیاله‌های هسته‌ای، مواد شیمیایی، کلر و کادمیوم اعلام شده است. از میان کشورهای ساحلی، دو کشور بیشتر از سایرین در آلودگی دریای بالتیک دست داشته‌اند: یکی سوئد (بزرگترین تولید کننده کاغذ) و دیگری لهستان (استفاده کننده عمده از مواد شیمیایی در کشاورزی). از ۲۲ مارس ۱۹۷۴ که هفت کشور ساحلی یعنی فنلاند، سوئد، دانمارک، استونی، آلمان، لهستان و اتحاد شوروی در هلسینکی موافقتنامه‌ای برای مبارزه با آلودگی

این دریا امضا کرده اند، نه تنها آلودگی در این حوضه کاهش نیافته که بر میزان آن نیز افزوده شده است. به همین سبب، در ۱۹ آوریل ۱۹۹۲ باز مجدداً موافقتنامه ای در این قلمرو به امضای دولتهای ساحلی رسید تا مقررات جدیدی برای مبارزه با آلودگی در این منطقه به وجود آید. طرح این موافقتنامه را گروهی از کارشناسان محیط زیست که در یکی از شهرهای سوئد به کار مشغول شده بودند، ریختند. به موجب گزارش این گروه، آلودگی دریای بالتیک ۱۵۰ بکت مختلف دارد که باید هر چه زودتر جهت از بین بردن آنها، مقرراتی وضع گردد. براساس همین گزارش وزارت محیط زیست کشورهای ساحلی بالتیک در ۹ آوریل برنامه ای برای این مبارزه تنظیم کردند که طی چند مرحله و ظرف مدت ۲۰ سال باید به اجرا درآید. هزینه این برنامه سه میلیارد و نیم فرانک سویس تخمین زده شده است.

۲۱۹- امضای موافقتنامه عبور و مرور از سویس میان سویس و جامعه اقتصادی اروپا، ۲ مه ۱۹۹۲

دولتهای عضو جامعه اقتصادی اروپا و سویس، پس از سه سال و نیم مذاکره، سرانجام در ۲ مه ۱۹۹۲ در پورتو (پرتغال) موافقتنامه ای در مورد تنظیم مقررات مربوط به عبور و مرور از آلپ به امضا رساندند. این موافقتنامه که برای مدت ۱۲ سال اعتبار خواهد داشت؛ از بالا بردن ظرفیت جاده های سویس برای عبور و مرور وسایل نقلیه متعلق به دولتهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، ایجاد تسهیلات مرزی در سویس، برقراری ممنوعیت عبور و مرور در شب و روزهای یکشنبه و راه یافتن غیرمحدود سویس به بازار اروپا، سخن به میان آورده است.

حجم کلی حمل و نقل کالا میان شمال اروپا و ایتالیا در ۱۹۹۱ بالغ بر ۹۳ میلیون تن می شد: از خطوط آهن، ۳۳/۵٪ از جاده های شوسه، ۳۴/۵٪، از راههای آبی، ۳۲/۵٪ از این کالاها حمل شده اند.

۲۲۰- امضای معاهده همکاری و حسن همجواری میان لهستان و روسیه، ۲۲ مه

۱۹۹۲

لهستان و روسیه در ۲۲ مه ۱۹۹۲ در مسکو، معاهده‌ای در مورد همکاری و حسن همجواری امضا نمودند. همزمان با این معاهده، دو کشور موافقتنامه‌ای دیگر منعقد کردند که بنا برآن نیروهای شوروی سابق باید تا اول نوامبر ۱۹۹۲ از لهستان خارج شوند.

۲۲۱- امضای معاهده دوستی میان لهستان و اوکراین، ۱۳ مه ۱۹۹۲

رئیس‌جمهور لهستان و اوکراین در ۱۳ مه در ورشو، معاهده‌ای برای دوستی و همکاری امضا کردند. همزمان با این معاهده، موافقتنامه‌هایی دیگر نیز در مورد عبور از مرزها، حمل و نقل زمینی و همکاری در قلمرو مسائل کشاورزی، عملی، فنی و فرهنگی به امضای دو دولت رسید.

۲۲۲- امضای موافقتنامه‌ای در مورد تقلیل سلاحهای قراردادی، ۵ ژوئن ۱۹۹۲

بیست و نه کشور اروپایی در ۵ ژوئن ۱۹۹۲ برای تقلیل سلاحهای قراردادی، موافقتنامه‌ای امضا کردند تا بتوانند بعداً در جهت انعقاد معاهده‌ای کلی‌تر در محدوده قاره اروپا فعالیت نمایند.

مراسم امضای این موافقتنامه حین گردهمایی اعضای شورای جدید همکاری آتلانتیک شمالی (CCAN) که از اجتماع اعضای سازمان معاهده آتلانتیک شمالی و رقبای سابق آنها در پیمان ورشو تشکیل یافته است، برگزار گردید. به موجب این موافقتنامه، دولت‌های امضاکننده قرار گذاشته‌اند که تا چند سال دیگر سلاحهای خود را تا حد ممکن تقلیل دهند. این سلاحها شامل تانک، رزه پوش، هواپیما و هلیکوپترهای نظامی خواهد بود.

۲۲۳- انعقاد موافقتنامه مربوط به استقلال آدیژ علیا (Haut Adige) میان اتریش و ایتالیا، ۱۱ ژوئن ۱۹۹۲

اتریش و ایتالیا، سرانجام در یازده ژوئن ۱۹۹۲ به اختلافات دیرینه خود در مورد خودمختاری تیرول جنوبی (به اصطلاح ایتالیاییها، آدیژ علیا) و وضعیت حقوقی اقلیت آلمانی تبار- از لحاظ تیره و زبان و فرهنگ- که بالغ بر ۲۵۰,۰۰۰ نفر می شدند خاتمه دادند.

آنطور که در تاریخ روابط بین الملل آمده است، کنفرانس صلح ۱۹۱۹ با پشت کردن به اصول چهارده گانه ویلسون، خصوصاً اصل مربوط به آزادی تعیین سرنوشت ملت‌ها، وضعیت سرزمین اروپا را تغییر داد و مرزهای آن را به صورتی که دولتهای فاتح در جنگ می خواستند ترسیم نمود؛ از جمله آنکه، به دلایل نظامی و استراتژیک اجازه نداد که در تیرول رفراندومی برای تعیین سرنوشت این سرزمین برگذار شود و با در جهت حمایت از اقلیتها نظامی مشابه آنچه در اروپای شرقی و مرکزی برقرار شده بود، ایجاد گردد.

علاوه بر این، اتریش پس از جنگ جهانی دوم نیز موفق نشد سرزمینی را که در ۱۹۱۹ از دست داده بود، بازپس گیرد، زیرا به موجب مواد ۱ و ۱۵ معاهده صلح ۱۰ فوریه ۱۹۴۷ راه حل معاهده سن ژرمن آن له مورد تأیید فرار گرفته بود. تنها روزنه امیدی که در این مورد وجود داشت مبادله نامه هایی بود که در ۵ سپتامبر ۱۹۴۶ میان وزاری خارجه دو کشور ذینفع به امضا رسیده بود و به موجب آنها، دولتهای ایتالیا و اتریش موافقت کرده بودند که نظامی خودمختار در این سرزمین برپا گردد. در ۱۹۶۹ جزئیات مربوط به خودمختاری تیرول تعیین گردید و در ۱۹۹۲ به موجب پیمان، طرفین سرانجام موافقت کردند که تیرول خودمختار شود. در این پیمان آمده است که در صورت بروز اختلاف میان طرفین بر سر اجرا و تفسیر پیمان ۱۱ ژوئن، دیوان بین المللی دادگستری مرجع رسیدگی به آن اختلاف خواهد بود.

*. برای اطلاع از سوابق تاریخی این مسأله و مشکلاتی که در جهت حل این مسأله وجود داشته است، رک: Alam Feuei, "La question du Tyrol du Sud", Paris, L. G. D. J., 1968.

۲۲۴ - انعقاد موافقتنامه میان هلند و سورینام در مورد بهبود روابط سیاسی، ۱۸ ژوئن ۱۹۹۲

هلند و سورینام در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۲ موافقتنامه‌ای برای بهبود روابط سیاسی و ایجاد دوستی و همکاری به امضا رساندند. با امضای این معاهده روابط میان دو کشور که از ماهها پیش تیره شده بود بهبود خواهد یافت. این معاهده پس از دیدار رسمی رئیس جمهور سورینام از هلند انعقاد یافت. سورینام که در ۱۹۷۵ به استقلال رسید، پیش از این مستعمره هلند (گویان هلند) بود. روابط میان دو کشور هلند و سورینام از ۸ دسامبر ۱۹۸۲، پس از وقوع کودتا در سورینام، به وخامت گراییده بود.

۲۲۵ - امضای اعلامیه‌ای در مورد ایجاد منطقه همکاری اقتصادی میان کشورهای حوضه دریای سیاه، ۲۵ ژوئن ۱۹۹۲

بازده کشور ساحلی دریای سیاه، در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۲ در استانبول اعلامیه‌ای را امضا کردند و در آن از ایجاد یک منطقه اقتصادی مشابه منطقه اقتصادی جامعه اروپا سخن به میان آوردند. این اعلامیه را دولت‌های روسیه، اوکراین، مولداوی، رومانی، بلغارستان، گرجستان، آذربایجان، ترکیه، یونان، ارمنستان و آلبانی امضا کرده بوده‌اند. از یوگسلاوی برای امضای این اعلامیه دعوتی به عمل نیامد، زیرا جامعه بین‌المللی، صربستان را به علت ایجاد جنگ داخلی در منطقه، تحریم و تجمیع نموده است. این اعلامیه از مبادله آزاد و جا به جا شدن آزاد سرمایه‌ها و حذف مقررات گمرکی و روادید گفتگو کرده و سپس از تأسیس بانک دریای سیاه که هدفش در کمک به اجرای طرحهای مورد نظر دولتهای این منطقه خلاصه شده، خبر داده است. این اعلامیه همچنین پیش‌بینی کرده است که با همکاری دولتهای حوضه دریای سیاه، روابط این دولتها در قلمرو مسائل مربوط به حمل و نقل، صنعت، توریسم، ارتباطات، کشاورزی، معادن، انرژی، بهداشت و محیط زیست گسترش خواهد یافت.

۲۲۶ - اعلامیه اسپانیا درباره امضای موافقتنامه ای میان اسپانیا و فرانسه در مورد ماهیگیری ۲ ژوئیه ۱۹۹۲

وزیر ماهیگیری اسپانیا، خوزه لویرا روا (José Loira Rua) در ۲ ژوئیه ۱۹۹۲ رسماً اعلام کرد که فرانسه و اسپانیا موافقتنامه ای در مورد حل اختلافات مربوط به ماهیگیری در خلیج گاسکونی (Gascogne) که دیرزمانی موجب تیرگی روابط دو دولت شده بود، امضا کرده اند.

ماهیگیران فرانسوی همیشه خواستار برقراری نظامی عادلانه برای صید بیشتر ماهی در این ناحیه بوده اند. جامعه اقتصادی اروپا در این باره حدودی مقرر کرده بود که به ادعای ماهیگیران فرانسوی ظالمانه می نمود. از طرف دیگر ماهیگیران حرفه ای اسپانیایی که فقط با تورهای مخصوص به صید ماهی اشتغال دارند، به نحوه صید ماهی از طرف فرانسویها که همیشه با کشتیهای بزرگ و وسایل مجهز در منطقه ممنوعه ماهیگیری کرده و با این کار باعث از میان رفتن منابع صید ماهی شده اند، شدیداً معترض بوده اند.

مطبوعات فرانسه از اینکه این پیمان در چه تاریخ و به دست چه کسی به امضا رسیده است و همچنین مضمون دقیق آن اظهار بی اطلاعی کرده اند.

۲۲۷ - کنفرانس امنیت و همکاری اروپا: امضای موافقتنامه در مورد محدودیت نیروهای نظامی در اروپا، ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۲

بسیار و نه کشور عضو کنفرانس امنیت و همکاری در ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۲ در هلسینکی موافقتنامه ای در مورد محدودیت نیروهای نظامی زمینی و هوایی در اروپا، به امضا رساندند. با امضای این موافقتنامه کار مذاکرات مرتبط به تقلیل سلاحهای متعارف مربوط به دو اتحادیه (آتلانتیک و ورشو) پایان می پذیرد. این موافقتنامه در واقع مکمل معاهده ای است که در ۲۱ نوامبر در مورد تقلیل سلاحهای متعارف در اروپا، در منطقه ای که از اقیانوس اطلس تا اورال امتداد می یابد، به امضا رسیده بود. این ۲۹ دولت (۱۶ دولت عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، پنج دولت اروپای شرقی عضو سازمان سابق پیمان ورشو و دولتهای تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق که در قلمرو اجرایی

معاهده قرار گرفته اند: روسیه، اوکراین، بیلوروسی، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، مولداوی، قزاقستان) همچنین متنی را امضا کردند که به موجب آن معاهده جامعه اقتصادی اروپا تا تصویب نهایی بیلوروسی، بطور موقت به اجر در می آید.

امضا کنندگان این پیمان (پیمان محدودیت نیروهای نظامی در اروپا) همچنین در مورد حدود این نیروها با یکدیگر موافقت کرده و اعلام نموده اند که چنان حدودی قابل تغییر نخواهد بود مگر با نظر اجماعی (وافق تمام) امضا کنندگان پیمان، این حدود عبارت است از:

آلمان: ۳۴۵۰۰۰ مرد جنگی؛

فرانسه: ۳۲۵۰۰۰ مرد جنگی؛

بریتانیای کبیر: ۲۰۰,۰۰۰ مرد جنگی؛

ایالات متحد آمریکا: ۲۵۰,۰۰۰ مرد جنگی؛

روسیه: ۱,۴۵۰,۰۰۰ مرد جنگی؛

اوکراین: ۴۵۰,۰۰۰ مرد جنگی؛

۲۲۸- امضای موافقتنامه ای میان سوئیس و بلژیک در مورد همکاری هسته ای،

۳ ژوئیه ۱۹۹۲

بلژیک و سوئیس در ۳ ژوئیه ۱۹۹۲ در برن موافقتنامه ای درباره همکاری هسته ای و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای امضا نمودند. این موافقتنامه چارچوبی حقوقی است که در قالب آن شرکتهای سوئسی تولید کننده برق و شرکتهای بلژیکی فعال در این زمینه می توانند با یکدیگر همکاری کنند. با این حال، معاهده اخیر در مورد تحویل یا خرید مواد اولیه انرژی هیچگونه تعهدی برای طرفین به وجود نیاورده است.

۲۲۹- تصویب پیمان ماستریخت در مجلس نمایندگان یونان، اول اوت ۱۹۹۲

مجلس نمایندگان یونان در اول اوت ۱۹۹۲ معاهده ماستریخت را که در مورد اتحاد اروپا به امضا رسیده بود، تصویب کرد. این پیمان با رأی مثبت ۲۸۶ نماینده در

مقابل ۸ رأی مخالف و ۶ رأی ممتنع در مجلس نمایندگان به تصویب رسید.

۲۳۰- امضای پیمان مبادله آزاد در آمریکای مرکزی، ۲۰ اوت ۱۹۹۲

مکزیک و پنج کشور آمریکای مرکزی (کستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، سالوادور) در ۲۰ اوت ۱۹۹۲ در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه، پیمانی اصولی در مورد به اجرا در آوردن معاهده مبادله آزاد در ۱۹۹۶ به امضا رساندند. این پیمان جمعی که یک هفته پس از انعقاد معاهده ای که در همین زمینه میان کانادا و ایالات متحد آمریکا و مکزیک به امضا رسیده بود، انعقاد یافت.

۲۳۱- امضای موافقتنامه ای میان کشورهای اروپایی واقع در شمال شرقی حوضه اقیانوس اطلس برای جلوگیری از آلودگی دریا، ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۲

وزرای محیط زیست سیزده کشور اروپایی واقع در شمال شرقی اقیانوس اطلس، در ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۲ معاهده ای را برای مبارزه با آلودگی دریا در پاریس امضا کردند و به موجب آن متعهد شدند که تا پانزده سال از فروریختن زباله های هسته ای به دریا مطلقاً خودداری کند. اینان همچنین طرحی برای مبارزه با فروریختن مواد شیمیایی و سمی به دریا تهیه کردند.

این معاهده در واقع مکمل پیمان ۱۵ فوریه اسلو در مورد فروریختن زباله های سمی به دریا و معاهده ۴ ژوئن پاریس در مورد جلوگیری از آلودگی دریا با مواد حاصل از اسیدتئوریک و پیمان ۱۹۸۲ لندن در مورد جلوگیری از فروریختن زباله های هسته ای به دریا است. این سیزده کشور عبارت بودند از: فرانسه، آلمان، بلژیک، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، بریتانیای کبیر، ایرلند، ایسلند، نروژ، هلند، پرتغال و سوئد. سوئیس و لوکزامبورگ که در مقام ناظر در عقد این معاهده شرکت داشتند، قول داده اند که این معاهده را امضا کنند.

به موجب این معاهده، کمیسیونی نیز برای نظارت بر اجرای این معاهده تشکیل شده است. این معاهده هر چند که از لحاظ منطقه ای بسیار مفید به نظر می رسد، اما در

سطح جهانی کاربردی ندارد. بنابراین انتظار می‌رود که ایالات متحده آمریکا، روسیه و ژاپن نیز دست از مقاومت بردارند و به این معاهده بپیوندند.

۲۳۲- اعضای موافقتنامه‌ای میان آلمان و رومانی در مورد وضعیت حقوقی اتباع رومانی که از آلمان اخراج شده‌اند، ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۲

وزرای داخلی کشورهای آلمان و رومانی در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۲ موافقتنامه‌ای را در بخارست امضا کردند که بنا بر آن دولت رومانی متعهد شده است که تمام مهاجران رومانی‌ای اخراجی از آلمان را بپذیرد؛ حتی آنانی که هیچ سندی دال بر تعلق خود با خانواده‌شان به رومانی در دست ندارند. به شرط آنکه در مورد رومانیایی بودن آنان جای هیچگونه شککی نباشد. بسیاری از این افراد بدون کارت شناسایی بطور غیرقانونی به آلمان مهاجرت کردند تا اخراج آنان از این کشور با مشکل رو به رو شود. این موافقتنامه بیشتر مربوط به زیگانهای رومانی می‌شود که بعد از اتحاد دو آلمان به آن کشور پناهنده شدند، اما به علت زیاد بودن تعدادشان در معرض آزار و اذیای آلمانیها قرار گرفتند. این مهاجران از طریق لهستان مخفیانه وارد آلمان شده بودند. تعداد این مهاجران ۵۸۰۰۰ نفر است که شصت درصد آنها زیگان هستند.

۲۳۳- امضای پروتکل‌های وحدت میان کره شمالی و کره جنوبی، ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲

در هشتمین دور مذاکرات میان نخست وزیران کره شمالی و کره جنوبی در پیونگ یانگ Pyong Yang، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲، سه پروتکل به امضا رسید. به موجب یکی از این پروتکلها، طرفین موافقت کرده‌اند که ظرف مدت پنجاه روز میان وزارتخانه‌های دفاع دو کشور یک خط تلفن مستقیم برقرار گردد. ایجاد این خط تلفن، نخستین طرفی است که دو کشور بعد از جنگ ۱۹۵۰-۱۹۵۳ برای ارتباط با یکدیگر ابتکار کرده‌اند.

این دو کشور همچنین پروتکلی اقتصادی را امضا کرده‌اند که به موجب آن امور مربوط به ارتباطات زمینی، پستی، دریایی و هوایی آنان تسهیل خواهد گرفت. پروتکلی دیگر

نیز در قلمرو همکاریهای دو کشور برای استخراج معادن به امضای آنها رسیده است. دو کره همچنین موافقت کرده‌اند که به جنگ تبلیغاتی بر ضد یکدیگر خاتمه دهند. با این وصف کره شمالی درخواست کره جنوبی را مبنی بر ایجاد یک سازمان ناظر بر فعالیتهای هسته‌ای دو طرف رد کرده است؛ گویا کره شمالی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه داده است که از تأسیسات هسته‌ای این کشور بطور ادواری بازدید به عمل آورد.

ج - سازمانهای بین المللی

۲۳۴ - تفسیر مضیق دیوانعالی ایالات متحده آمریکا از مفهوم پناهنده سیاسی: قضیه
الیاس، ۲۲ ژانویه ۱۹۹۲ و واکنش سازمان دفاع از حقوق بشر

دیوانعالی ایالات متحده آمریکا با رأی مثبت شش عضو، در مقابل رأی منفی سه عضو دیگر، به تقاضای پناهندگی یک جوان گواتمالایی پاسخ منفی داد. این دیوان در ۲۲ ژانویه با تفسیری بسیار مضیق از قانون پناهندگی (Refuge Act) ۱۹۸۰، این حکم را صادر کرد. با این حکم، دروازه های آمریکا بر روی پناهندگانی که از ورود به نیروهای نظامی اعم از منظم یا نامنظم روی گردان بوده اند، بسته خواهد شد.

زائیر و جوناتان الیاس زکریاس که در ۱۹۸۷ برای فرار از خدمت در ارتش نامنظم گواتمالا از آن کشور گریخته بود، با استناد به قانون پناهندگی آمریکا که به هر فرد اجازه داده است برای رهایی از فشارهایی که به علت نژاد، مذهب یا تعلق به گروههای اجتماعی

خاص یا اندیشه های معین بر او وارد می آید از آن کشور تقاضای پناهندگی کنند، از ایالات متحده آمریکا درخواست نموده بود که به وی پناه سیاسی دهد.

در ۱۹۹۰، دادگاه پژوهشی سانفرانسیسکو با تقاضای وی موافقت کرد و اعلام نمود که مقاومت الیاس در قبال اسخدام در نیروهای نامنظم، خود اندیشه ای سیاسی است که در گواتمالا مجاز نیست و سرکوب می گردد. اما دیوانعالی با رد این تفسیر اعلام کرد که امتناع از پیوستن به ارتش نامنظم ممکن است علل دیگر از جمله ترس از نبرد یا راحت طلبی یا تنبلی داشته باشد؛ به همین علت چنین حکم نمود که فشارهای شورشیان برای جذب الیاس در ارتش نامنظم دلیلی بر آن نیست که اگر الیاس درخواست آنان را اجابت نکند، مورد شکنجه و ایداء قرار بگیرد.

قضات مخالف با این حکم که در اقلیت قرار داشتند و به این حکم رأی منفی داده بودند، معتقد بودند که تفسیر دیوانعالی بیشتر در جهت تأیید سیاست دولت بوش برای جلوگیری از هجوم پناهندگان از کشورهای انجام گرفته است که در گرداب جنگ داخلی غوطه ورنند.

سازمان دفاع از حقوق بشر که یک سازمان غیردولتی است نیز در بیانیه ای که به این منظور انتشار داد، اعلام نمود که حکم دیوانعالی سرنوشت بیش از بیست و پنج هزار پناهنده را به مخاطره افکنده است.

ضمناً این نکته را هم یادآور شویم که از جمع قضات دیوانعالی، دو قاضی که از طرف بوش به این مقام برگزیده شده و طرفدار اندیشه های رئیس جمهور بوده اند، در صدور این حکم تأثیر بسیار داشته اند.

۲۳۵- اصلاح آیین اجرایی کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۲

کنفرانس امنیت و همکاری اروپا که از این پس با ورود ده کشور تازه استقلال یافته اتحاد جماهیر شوروی سابق به جمع آن، دارای ۴۸ عضو فعال خواهد بود، روزهای سی ام و سی و یکم ژانویه ۱۹۹۲ در پراگ تشکیل جلسه داد. این کنفرانس به منظور بالا بردن میزان فعالیتهای خود و تقسیم تعهدات اعضا، آیین نامه مربوط به اجرای تعهدات دولتهای عضو را اصلاح نمود. به موجب متنی که در ۳۰ ژانویه به تصویب جمیع دولتهای

عضورسید، کنفرانس برای بالا بردن ظرفیت کار خود و تضمین حقوق بشر و اعتلای دموکراسی و احترام به حکومت قانون تدابیری لازم اتخاذ خواهد نمود تا در صورتی که دولتی تعهدات خود را در چنان قلمروهایی نقض نماید کنفرانس بی آنکه نیاز به رضایت دولت ناقض عهد داشته باشد، به مداخله بپردازد. علت پدیداری یک چنین تحولی برای آن بوده است که کنفرانس بتواند مشکلات مربوط به اقلیتهای ساکن اروپای شرقی را حل و فصل نماید. از طرف دیگر این کنفرانس به کرواسی و اسلوانی اجازه داده است که در مقام ناظر در جلسات کنفرانس شرکت کنند.

گذشته از این، وزیر امور خارجه فرانسه و آلمان در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ طی بیانیته ای قول داده اند که در جهت استحکام نهادهای کنفرانس امنیت و همکاری اروپا تلاش نمایند.

۲۳۶- همکاری کشورهای جزیره ای با سازمان ملل متحد در مبارزه با آلودگی محیط زیست، فوریه ۱۹۹۲

نمایندگان ۳۷ کشور جزیره ای (قبرس، مالت، جزایر آنیل، سی تل، وانواتو، مجمع الجزایرهای اقیانوس آرام و غیره)، در فوریه ۱۹۹۲ در سازمان ملل متحد به تلاش پرداختند تا در جهت جلوگیری از پیشرفت گاز اکسید دو کربن و سایر گازهای سمی، مقدمات تشکیل کنفرانسی از دولتها را، پیش از شروع کار کنفرانس سران دولتها که قرار است در ژوئن ۱۹۹۲ در ریو برگزار شود، فراهم آورند.

۲۳۷- گردهمایی دولتهای غیرمتعهد در لارنکا، ۳ فوریه ۱۹۹۲

پنجاه دولت عضو جنبش غیرمتعهدها، در فوریه ۱۹۹۲ در لارنکای قبرس گردهم آمدند و اندونزی را بطور موقت مأمور اداره جلسات خود نمودند. یوگسلاوی که قاعدتاً باید تا اجلاس رسمی سپتامبر ۱۹۹۲ که قرار است در جاکارتا برگزار گردد، عهده دار مقام ریاست این جنبش باشد، از این جنبش درخواست نموده است که از انجام این مسؤلیت معاف شود.

۲۳۸ - قطعنامه شورای امنیت برای به اجرا درآوردن موافقتنامه ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ پاریس، در جهت استقرار صلح در کامبوج، ۲۸ فوریه ۱۹۹۲

شورای امنیت در ۲۸ فوریه ۱۹۹۲ به اتفاق آرا طرح بوترس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد را که برای به اجرا درآوردن موافقتنامه ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ پاریس تهیه کرده بود، به تصویب رساند. به موجب این طرح که مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین طرح سازمان ملل در طول حیات پنجاه ساله‌اش می‌باشد، بیست و دو هزار نفر [۱۵۲۰۰ نظامی، ۳۶۰۰ مأمور انتظامی (پلیس)، ۲۴۰۰ کارمند غیرنظامی] از طرف سازمان ملل مأموریت خواهند داشت که ابتدا طرفین متخاصم را خلع سلاح کنند و آنگاه وسایل برگذاری انتخاباتی آزاد را فراهم آورند. به موجب این متن [قطعنامه ۹۴۵] قرار شده است که مرجعی موقت به نیابت از طرف سازمان ملل متحد (APRONUC) برای اداره امور این کشور معین گردد. مدت مأموریت این مرجع ۱۸ ماه خواهد بود. هزینه انجام این طرح برای ۱۵ ماه، یک میلیارد و ۸۷ میلیون دلار تعیین شده است.

۲۳۹ - پذیرش اعضای جدید در سازمان ملل متحد ۲ مارس ۱۹۹۲

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲ مارس ۱۹۹۲ به پیشنهاد شورای امنیت، ورود اعضای جدید را به سازمان ملل خوش آمد گفت. این اعضا همه کشورهای جدید الاستقلالند که از اتحاد جماهیر شوروی سابق منترع گشته و عبارتند از: قزاقستان، قرقیزستان، مولداوی، تاجیکستان، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان. علاوه بر این کشورها، سن مارینو نیز در همین تاریخ به سازمان ملل راه یافت. تا این تاریخ، سازمان ملل متشکل از ۱۷۵ عضو است. سازمان ملل در ۱۹۴۵، یعنی به هنگام تأسیس فقط ۵۰ عضو داشت، بیلوروسی و اوکراین، همچون اتحاد جماهیر شوروی که در حال حاضر روسیه جانشین آن شده است، از جمله اعضای مؤسس سازمان به شمار می‌آیند. سه دولت حوضه دریای بالتیک یعنی استونی، لتونی در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۱ به سازمان ملل راه یافتند. از جمع کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق، فقط گرجستان درخواستی برای ورود به سازمان عرضه نداشته است.

*. Autorité provisoire de F.O.N.U. au Cambodge.

۲۴۰- تأسیس شورای بالتیک [کشورهای حوضه بالتیک]، ۶ مارس ۱۹۹۲

وزرای امور خارجه نه کشور ساحلی حوضه دریای بالتیک [استونی، آلمان، دانمارک، روسیه، سوئد، فنلاند، لتونی، لهستان، لیتوانی] و همچنین سوئد در روزهای پنجم و ششم مارس ۱۹۹۲ در کپنهاگ گرد هم آمدند و سازمانی به نام شورای بالتیک را بنیاد گذاشتند. ایسلند نیز خواستار آن شده بود که در این سازمان عضویت داشته باشد؛ اما اعضای مؤسس شورای بالتیک این تقاضا را به دلیل آنکه ایسلند از لحاظ جغرافیایی حائز شرایط لازم برای شرکت در این سازمان نیست، رد کردند. کارگردانان این نهاد جدید یعنی وزیر امور خارجه دانمارک و آلمان در ۲۳ اکتبر ۱۹۹۱ به هنگام یک دیدار رسمی در رستوک Rostock که در ازمنه قدیم یکی از مراکز فعال اتحادیه هانزا به شمار می‌آمد، طرح اولیه این سازمان را ترسیم کردند؛ گویانکه سقوط دیوار برلن نیز عامل مهمی برای ایجاد این نهاد اعلام شده است. البته شورای بالتیک را نمی‌توان جانشین شورای شمالی [سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند، ایسلند] دانست. شورای شمالی در حد خود سازمانی فعال است که در جهت ایجاد هماهنگی میان نظامهای داخلی دولتهای عضو همچنان به کار مشغول است. شورای بالتیک که ساختاری ساده تر از شورای شمالی دارد، وظیفه اش ایجاد مقدماتی برای همکاری دولتهای عضو در قلمرو امور مختلف سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و کمک به کشورهای کمونیستی سابق برای نیل به دموکراسی و اقتصاد آزاد است. این شورا هر سال یک بار جلسه رسمی خواهد داشت.

۲۴۱- بحران در روابط میان صلیب سرخ جهانی و دولت جمهوری اسلامی ایران،

۲۴ مارس ۱۹۹۲

دولت جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ مارس ۱۹۹۲ رسماً فعالیتهای هیأت نمایندگی صلیب سرخ جهانی را در تهران به حالت تعلیق در آورد. در یادداشتی که همان روز، دولت ایران انتشار داد، صلیب سرخ را متهم نمود که از حدود صلاحیتهای خویش پا فراتر گذاشته و معاهدات ژنورا نقض نموده است. به اعتقاد دولت ایران فعالیتهای هیأت نمایندگی صلیب سرخ در قلمرو امور مربوط به اسرای جنگی عراقی در ایران با صلاحیتهای

آن هیأت منافات داشته است. دولت ایران در همان روز اعلام نمود که هیأت را از ایران اخراج خواهد کرد. پانزده عضو این هیأت در ۲۷ مارس به ژنو مراجعت کردند. در بیانیه‌ای که صلیب سرخ در همان روز منتشر نمود، ضمن رد ادعاهای دولت ایران، اعلام شده بود که فعالیت‌های هیأت صلیب سرخ در ایران بر اساس اصولی انجام گرفته است که در سراسر جهان مورد تأیید بوده است. کمیته، همچنین، دولت ایران را متهم کرده که معاهده سوم ژنو [۱۲ اوت ۱۹۴۹] را به دلیل ایجاد مانع در راه هیأت نمایندگی برای ملاقات با هزاران اسیر عراقی که همچنان در ایران به سر می‌برند، نقض کرده است.

به اعتقاد سازمان صلیب سرخ، در ایران بیش از بیست هزار اسیر جنگی عراقی به سر می‌برند که تعدادی از آنان از ده سال پیش تا به حال در این کشور محبوس بوده‌اند. در بیانیه صلیب سرخ بر این نکته تأکید شده است که تمام این اسرا باید به موجب سومین معاهده ژنو [معاهده ۱۹۴۹] از حقوقی مثل ملاقات با دیگران یا بازگشت به کشور خویش پس از خاتمه مخاصمات، که در اوت ۱۹۸۸ تحقق یافته است، بهره‌مند گردند. از این رو ممانعت‌های دولت ایران از دیدار هیأت نمایندگی صلیب سرخ با اسرای جنگی، نقض آشکار معاهده ژنو، که دولت ایران به آن پیوسته است، به شمار می‌آید. صلیب سرخ فعالیت‌های خود را از ۱۹۷۷ یعنی پیش از انقلاب اسلامی و قبل از جنگ ایران با عراق آغاز کرده است.

۲۴۲ - رفع ممنوعیت صدور نفت به افریقای جنوبی، تصمیم ۶ آوریل ۱۹۹۲ جامعه اقتصادی اروپا

جامعه اقتصادی اروپا در ۶ آوریل ۱۹۹۲ مقررات مربوط تحریمات نفتی را که در ۱۹۸۵ بر ضد آفریقای جنوبی وضع کرده بود، رسماً لغو کرد. ایالات متحد آمریکا نیز در ژوئیه ۱۹۹۱ نیز چنین تصمیمی اتخاذ نمود.

جامعه اقتصادی اروپا همچنین تصمیم گرفت که مقررات مربوط به تحریم روابط فرهنگی، ورزشی و علمی را که از چند ماه پیش از این عملاً ملغی شده بود، رسماً لغو نماید. علت این تصمیم‌گیرها آن بود که در ۱۷ مارس همین سال در آفریقای جنوبی رفراندومی برگزار شده بود که طی آن جمعیت سفیدپوست این کشور سناست اصلاحات

پرزیدنت فرریک دوکلرک را تصویب کرده بود.
با همه این احوال، تحریمات مربوط به ارسال سلاحهایی که در قلمرو امور نظامی حساس تشخیص داده شده است و همچنین مقررات مربوط به منع همکاریهای هسته‌ای همچنان به اعتبار خود باقی است.

۲۴۳- استقرار یک ناوگان دائم جنگی در مدیترانه به ابتکار سازمان معاهده آتلانتیک شمالی (NATO)، ۲۹ آوریل ۱۹۹۲

هفت کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ایالات متحده آمریکا، بریتانیای کبیر، ایتالیا، ترکیه، یونان و آلمان و هلند). در ۹ آوریل ۱۹۹۲ برای حراست از بخش جنوبی قاره اروپا، ناوگانی جنگی در مدیترانه مستقر نمودند. فرانسه و اسپانیا در این طرح مشارکت نکردند.

۲۴۴- انتصاب فرمانده عالی نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ۳۰ آوریل ۱۹۹۲

در ۳۰ آوریل ۱۹۹۲ به دنبال بازنشستگی ژنرال جان آرگالوین (Galwin)، یک ژنرال آمریکایی دیگر به نام جان شالیکاشویلی (John Shalikashvili)، متولد ورشو که ۵۵ سال سن دارد، در مقام فرماندهی عالی نیروهای متحدین در اروپا و فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپا مشغول به کار گردید. وی پیش از این معاون ژنرال کولین پاول، رئیس ستاد کل ارتش آمریکا بوده است.

۲۴۵- پذیرش عضویت بلغارستان در شوروی اروپا، ۷ مه ۱۹۹۲

بلغارستان که از ژوئیه ۱۹۹۰ در مقام مدعو خاص در جلسات شورای اروپا حاضر می‌شد، از ۷ مه ۱۹۹۲ به صورت عضو رسمی در این شورا پذیرفته شده است. پیش از این تاریخ مجارستان، لهستان، و چکسلواکی به عضویت این شورا درآمده بودند.

۲۴۶- پذیرش اعضای جدید در سازمان ملل متحد، ۲۲ مه تا ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۲

مجمع عمومی در ۲۲ مه ۱۹۹۲ با ورود سه کشور جدید به سازمان ملل موافقت نمود. این سه کشور عبارتند از کرواسی، اسلوانی و بوسنی-هرزگوین که هر سه پس از اضمحلال یوگسلاوی به استقلال رسیده اند. سازمان ملل با پذیرش این اعضا و همچنین گرجستان در ۳۱ ژوئیه دارای ۱۷۹ عضو شده است.

۲۴۷- کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه (CNUED) ریودوژانیرو، ۳ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲

کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه آخرین اجلاس خود را از ۳ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو تشکیل داد. این کنفرانس اجلاسهای قبلی خود را به ترتیب در واشنگتن (فوریه ۱۹۹۱) و نیویورک (مه ۱۹۹۲) برگزار نموده بود. این کنفرانس از ۱۷۸ هیأت نمایندگی که در میان آنها ۱۱۷ رئیس کشور یا دولت حضور داشتند، تشکیل یافته بود.

در این کنفرانس متون متعددی به تصویب رسید: یک اعلامیه در مورد محیط زیست و توسعه، یک اعلامیه در مورد جنگل، معاهده‌ای درباره حمایت از موجودات زنده، یک معاهده در مورد آب و هوا، البته این متون از ضمانت اجرای موثری برخوردار نشده اند؛ خصوصاً آن متونی که از کاهش انتشار گاز کربنیک سخن گفته اند. ایالات متحد آمریکا در قبال تصویب این متون از خود رنجبتی نشان نداد و در کنفرانس منفی بافی زیاد نمود.

۲۴۸- «برنامه صلح»: گزارش ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ دبیرکل سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل متحد در حال حاضر دچار بحرانی سخت شده است، چندان که یا باید خود را با واقعیات اجتماعی جهان سازگار نماید و یا اینکه راه زوال در پیش گیرد:

این شورا در طول چهل و اندی سال که از عمرش می‌گذرد، با آنکه موفق شده در حل بعضی از مسائل بین‌المللی تا حدودی ابراز وجود مؤثر کند، اساساً نتوانسته است از عهده انجام مأموریتی که منشور بر عهده‌اش گذاشته، در مقام رکنی اجرایی و انتظامی صلح و امنیت را برپه‌گیتی مستقر گرداند؛ چنانکه همواره به علت مقابله شرق و غرب از رویارویی با اختلافاتی که به نحوی با منافع این دو اردوگاه مرتبط می‌گردیده، عاجز مانده و در نتیجه هیچگاه نتوانسته است در جهت حل و فصل اختلافات جهانی گامی مؤثر بردارد. به همین سبب دیرزمانی چنین می‌نموده که علت وجودی پنج قدرت بزرگ در سازمان ملل متحد، تدبیر امور سایر دولتها و حل اختلافات میان خود از طریق مذاکرات مستقیم بوده است.

اما چندی است که اوضاع و احوال به صورتی دیگر درآمده و شورای امنیت در حل مسائلی که در استقرار صلح و امنیت بین‌المللی تأثیری مستقیم داشته‌اند، اتفاق نظر پیدا کرده و ظاهراً به مسائل روزمره حیات اجتماعی دولتها ابراز علاقه نموده است؛ به گونه‌ای که با تشکیل کمیته‌های کوچک، تشکیلات خود را فعال‌تر کرده و در مورد بحرانهای موجود بین‌المللی قطعنامه‌های مهمی صادر کرده است. قطعنامه ۶۶۰ و یازده قطعنامه‌ای که این شورا پس از حمله عراق به کویت صادر کرده و یا قطعنامه ۷۴۸ که محاصره لیبی را مورد تأیید قرار داده، مصادیق بارزی از این اقدامات بوده است. از این رو، برخلاف آنچه در گذشته مصداق داشته، با تحولاتی که پس از حمله عراق به کویت در جهان پدید آمده و در اثر اقداماتی که شورای امنیت به دنبال این واقعه با نظر متفق اعضای دائم و غیردائم به عمل آورده است دیگر به راستی نمی‌توان مدعی بود که مقدرات سیاسی عالم خاکی فقط در دست پنج عضو دائم شورای امنیت قرار گرفته است؛ گویانکه نمی‌توان انکار کرد که ایالات متحد آمریکا در این میان بیش از گذشته نفوذ پیدا کرده و در نتیجه اعضای دیگر را تحت تأثیر شاخصهای ملی خود قرار داده است. اما از این نکته نیز نباید غافل ماند که این نفوذ نمی‌تواند برای همیشه پایدار بماند، زیرا اتفاق نظر اعضای دائم و غیردائم در قبایل چند قضیه اصولاً نمی‌تواند به معنای توافق اساسی آنان بر سر مسائل جهانی باشد. مشکلات جهان در حال حاضر تنها در اختلافات سیاسی دولتها و ضعف نظام امنیت جمعی خلاصه نمی‌شود؛ چرا که تنشها و ناآرامیهایی که همه از آن آگاهند اسباب و علل حادثتری پیدا کرده است. این پریشیدگیها و نگرانیها آنچنان در تار و پود حیات بین‌المللی نفوذ پیدا

کرده است که اگر چاره‌ای برایشان اندیشیده نشود جامعه جهانی را به سوی فاجعه‌ای بس هول‌انگیز سوق خواهد داد. به همین علت نمی‌توان آثار به هم پیوسته عواملی را که تقریباً بطور همزمان در زندگی اجتماعی بین‌المللی پدیدار شده‌اند نادیده گرفت و از آنها در گذشت؛ رشد و توسعه شگرف علوم و فنون و سوء استفاده از دست‌آوردهای علمی و فنی؛ رشد انبوه کالاهای مصرفی و توزیع نابرابر آنها و مهمتر از همه اختلاف سطح زندگی افراد و اقوام؛ مبارزات اجتماعی و در نتیجه تشکل گروه‌های زیادی از افراد قلع و قمع شده و تیره روز؛ خواست بحق افراد انسانی در حفظ منزلت، آزادی و حقوق اساسی خویش و به موازات آن رهایی مردم تمام قاره‌ها از تسلط ظاهری بیگانگان و ایجاد واحدهای سیاسی مستقل جدید که شمار اعضای جامعه بین‌المللی را تا میزان سه برابر بالا برده است؛ از میان رفتن فاصله بخش‌های مختلف کره ارض با وسایل ارتباطی فوق سریع که نه تنها به صورت ظروف مرتبطه‌ای برای رشد درآمده، زندگی اجتماعی را نیز دچار آفتی سخت کرده است؛ نزدیک شدن ملل مختلف از طریق وسایل ارتباط جمعی و به هم پیوستگی نزدیک اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی مناطق مختلف جهان که ناگهان کوچک و کوچکتر شده است و همچنین ارتباط آشکار راه‌حلهای مسائل و مشکلات موجود؛ واکنش فزاینده در قبال اختلاف توسعه و سطح زندگی که همچنان میان کشورهای پیشرفته و دیگر کشورها، خاصه کشورهایی که هنوز در صحنه روابط بین‌الملل گام‌های اولیه را برمی‌دارند و نیز اختلاف سطح زندگی میان این دسته از کشورها، که به لطف طبیعت از ثروتهای عظیم تحت‌الارضی و سطح‌الارضی برخوردارند، با دیگر کشورهای محروم؛ رشد قابل توجه جمعیت در بعضی از کشورها و ناتوانی آنها در بالا بردن میزان تولید مواد غذایی و غیره، نمونه‌هایی از مسائل بی‌شماری است که جهان در حال حاضر با آنها روبه‌روست. بنابراین دنیای امروز مسائل و مشکلاتی دارد که نه کشورهای فقیر به تنهایی یارای مقابله با آنها را دارند و نه دولتی قدرتمند قادر است که به آن مشکلات بی‌اعتنا باشد و همچنان در جهت حفظ منافع خود، وجود آنها را نادیده بگیرد؛ که اگر چنین کند، خود نیز در گرداب آن مشکلات غوطه‌ور خواهد گردید. به عبارت دیگر «صلح» مفهومی است که درک آن مستلزم تشخیص مسائل و مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همه کشورهای جهان و آگاهی از نوع تدابیری است که برای گشودن آنها ابتکار شده است.

سران دولتهای عضو شورای امنیت نیز با توجه به بخشی از این واقعیات و به منظور

ترسیم چارچوبی از این تحولات و مقررات، در نخستین روزهای سال ۱۹۹۲ به پطروس مغالی مأموریت دادند که در چارچوب مقررات منشور ملل متحد^۱ و در حد تواناییهای سازمان ملل گزارشی جامع درباره استقرار و حفظ صلح،^۲ به گونه ای که با چنین تحولاتی سازگار بنماید، تهیه کند.^۳

دبیرکل این درخواست را اجابت نمود و سرانجام در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ گزارشی در این باره تهیه نمود و آن را «برنامه صلح»^۴ نام نهاد، زیرا به اعتقاد وی دوران تحولی که سازمان ملل متحد قدم در آن نهاده، برای آنکه بتواند ثمرانی مفید به بار آورد و به جهان آرامشی دیرپا ارزانی دارد، مستلزم اقداماتی عاجل است که باید به تناسب آن تحولات تا ۱۹۹۵ یعنی آغاز پنجاهمین سال تأسیس سازمان ملل متحد، ادامه یابد.

گزارش دبیرکل از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا در آن از مفاهیمی سخن به میان آمده است که بطور کلی در «اصلاح مداوم»^۵ نظام ملل متحد و پایدار نگاهداشتن صلح جهانی تأثیر بسیار دارد. گذشته از این، دبیرکل سازمان در این گزارش از چگونگی مداخله شورای امنیت در استقرار نظم و همچنین از همکاری ملل متحد با سازمانهای منطقه ای و سایر اتحادیه ها تحلیلی جامع شناسختی به عمل آورده است که تا حدی با واقعیات موجود زمان هماهنگ می نماید.

۲۴۹- بیست و هشتمین اجلاس سران دولتهای عضو سازمان وحدت آفریقا در داکار، ۲۹ ژوئن تا اول ژوئیه ۱۹۹۲

در بیست و هشتمین اجلاس سالانه ۲۷ رئیس دولت عضو سازمان وحدت آفریقا (OUA) دولتهای عضو این سازمان طرح معاهده مربوط به ایجاد مکانیسم پیشگیری از بروز ۱. از آنجا که اعلامیه ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ سران کشورهای عضو شورای امنیت از دبیرکل دعوت به عمل آورده بود که «درباره عوامل مؤثر در تقویت سازمان در قلمرو دیپلماسی بازدارنده، حفظ و استقرار صلح و چگونگی بالا بردن کارایی این عوامل در محدوده مقررات منشور تحقیق به عمل آورد و پیشنهادهایی عرضه بدارد، دبیرکل نمی توانسته است بای از این محدوده فراتر بگذارد و خواستار اصلاح منشور گردد.

Cf. Thierry H., "L'Agenda pour la paix", in le développement du rôle du Conseil de Sécurité, Nijhoff, 1993, p. 377.
2. Peacemaking, peace-keeping.
3. S/ 23500.
4. An Agenda for peace: Agenda pour la paix-A/47/277, S/24111, 17 June 1992.
5. réforme continue.

اختلافات و حل مسالمت آمیز اختلافات موجود در منطقه را بطور موقت به امضا رساندند.

۲۵۰- ورود مجارستان به مرکز اروپایی تحقیقات هسته ای (CERN)، اول ژوئیه ۱۹۹۲

مجارستان در ۲۶ ژوئن ۱۹۹۲ به عضویت مرکز اروپایی تحقیقات هسته ای با آزمایشگاه اروپایی فیزیک هسته ای درآمد. عضویت این کشور از اول ژوئیه رسمیت می یابد. مجارستان بعد از لهستان و چکسلواکی، سومین کشور اروپای شرقی است که به این سازمان راه می یابد. این سه کشور باید هر یک تا ۱۹۹۵، مبلغ ۶۰۰,۰۰۰ فرانک سوئیس برای عضویت در این سازمان پرداخت نمایند. از ۱۹۹۵ به بعد این سهمیه تا میزان دو برابر افزایش می یابد و در سال ۲۰۰۰ هزینه این سه کشور با سهمیه ای که سایر کشورهای عضو می پردازند یکسان خواهد شد.

۲۵۱- آسه آن A. S. E. A. N: گردهمایی وزاری دولتهای عضو اتحادیه آسیای جنوب شرقی، ۲۱ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲

شش دولت عضو اتحادیه آسیای جنوب شرقی بیست و پنجمین جلسه خود را در سطح وزیران در مانیل تشکیل دادند. در این اجلاس که از ۲۱ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ به طول انجامید، علاوه بر دولتهای برونئی، اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند، دولتهای چین و روسیه و ویتنام نیز به عنوان مدعو شرکت جسته بودند.

مضمون اصلی مذاکرات در این اجلاس، بررسی اختلاف ارضی مربوط به جزیره اسپراتلی (Spratly) بود.

در هفتم ژوئیه ویتنام، چین را متهم به تجاوز به جزیره یاد شده و ایجاد سرحداتی به نفع خود نمود. ویتنام همچنین یادآور حاکمیت خود بر فلات قاره مجاور که ظاهراً دارای منابع نفتی است گردید. اما چین باره این اتهامات، خواستار آن شده است که این اختلاف با مذاکره سیاسی فیصله یابد.

۲۵۲- کنفرانس کشورهای غیرمتعهد- جاکارتا: اندونزی، ۳۱ اوت تا ۶ سپتامبر

۱۹۹۲

دهمین اجلاس کنفرانس کشورهای غیرمتعهد با حضور ۱۰۸ دولت از ۳۱ اوت تا ۶ دسامبر ۱۹۹۲ در جاکارتا برگزار گردید. در این اجلاس واقعیات موجود جامعه بین‌المللی و اهمیت آنها، تعصبات مکتبی دولتهای حاضر در کنفرانس را تحت الشعاع خود قرار داد. به همین جهت دولتهای غیرمتعهد به جای عبارت پردازیهای بهبود بر ضد دولتهای غربی، این بار هم خود را مصروف یافتن راه‌حلهایی برای پیشرفت کشورهای در حال توسعه نمودند و قرار گذاشتند که در اجلاس آتی مجمع عمومی در سازمان ملل متحد در همین خط حرکت نمایند.

کنفرانس در این اجلاس باز به یادآوری مسائل و مشکلات جهان سوم یعنی پرداخت بدهیها، گرسنگی و افزایش جمعیت پرداخت و پس از آن به جای آنکه از مسائل و مشکلات اقتصادی سخن به میان آورد متنی را به تصویب رساند که در آن صریحاً بوسی، متهم به کشتار مسلمانان و تصفیه نژادی شده‌اند.

در میان تصمیمات این کنفرانس، تصمیم به تأسیس یک گروه بین‌الدول از مسؤولان بلند پایه کشورهای عضو نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. این گروه مأموریت دارد که برای کاهش بدهیهای کشورهای فقیر عضو این جنبش ابتکاراتی نماید. این کنفرانس همچنین تصمیم گرفت که نیرویی متشکل و منظم برای باری رساندن به مردم سومالی و رساندن کمکهای بشردوستانه به مردم این دیار تشکیل دهد و ضمناً برنامه‌ای برای مبارزه با گرسنگی در آفریقا و تأسیس یک گروه کاری برای تهیه پیش‌نویس اصلاحاتی برای تغییر در ساختار سازمان ملل متحد، تهیه نماید.

د - رویه قضایی بین المللی

۲۵۳ - حکم دآوری ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲ در قضیه تحدید حدود مرزهای دریایی میان کانادا و فرانسه، ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲

دادگاه دآوری مأمور رسیدگی به اختلافات کانادا و فرانسه بر سر تعیین حدود مرزهای دریایی در مناطق سن پیر و میکولن پس از گذشت سه سال از زمان انعقاد موافقتنامه دآوری ۳۰ مارس ۱۹۸۹ که میان دو کشور کانادا و فرانسه انعقاد یافته بود، سرانجام حکم خود را در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۲ در نیویورک صادر کرد. این دادگاه از پنج قاضی صاحب نام ترکیب یافته بود: ۱- جی مینز آرشاگا (قاضی و رئیس سابق دیوان بین المللی دادگستری)، اسکار شاختر، آرانگیور وینتر، براسیر وایل، گوتلیب. ریاست این دادگاه نیز با آرشاگا بود.

هر یک از طرفین دعوا نمایندگان و کارشناسانی برای شرکت در دادرسی به

نیویورک اعزام کرده بود (کانادا: ۲۹ نفر و فرانسه ۲۱ نفر).

دادگاه داوری با رأی مثبت پنج عضو در قبال دو رأی منفی دیگر (پراسپروایل و گوتلیب) با توجه به طرح مرزی کاناد حدود حاکمیت فرانسه بر آبهای سن پیرو میکولن را به صورتی خاص معین کرده، به این صورت که آن را فقط تا ۱۲ مایل دریایی به طرف شرق و ۲۴ مایل دریایی به طرف غرب تحدید نموده و آنگاه با ایجاد راهروی به عرض ۱۵ مایل دریایی و عمق حدود ۱۸۰ مایل آن را امتداد داده است: چندان که ۸۷۰۰ کیلومتر مربع از ۱۲۴۰۰ کیلومتر مربع که در حاکمیت فرانسه قرار گرفته، به صورت منطقه انحصاری - اقتصادی فرانسه درآمده است. در این قلمرو، فرانسه خواستار فضای بیشتری یعنی منطقه ای به وسعت ۲۰۰ مایل دریایی شده و کانادا به کمربندی حدود ۱۲ مایل دریایی اکتفا کرده بود. مدیر امور حقوقی وزارت امور خارجه فرانسه (J-P Puissechet) در واکنش به این حکم معتقد است که حکم دادگاه داوری، هر چند که از لحاظ تحدید حدود ارضی قابل قبول می نماید، اما چون فضای دریایی کافی و متناسب با نیازهای سن پیرو میکولن به فرانسه اختصاص نداده است، ایراد دارد. نماینده مجمع الجزایر، ژرار گرینون نیز این حکم را سست و بی اساس خوانده و اعلام کرده است که با این حکم بسیاری از افراد کار خود را از دست خواهند داد، زیرا در سن پیرو می کولن همه چیز به ماهیگیری وابسته شده است.

دو تن از داوران این دادگاه براساس بند ۱ از ماده ۹ قرار رجوع به داوری، نظرهای مخالف خود را ضمیمه حکم کردند. پراسپروایل داور فرانسوی چنین اظهار نظر کرده است که چون حکم دادگاه فقط به مفاهیم انصاف استناد کرده، فاقد مبنایی حقوقی است. وی معتقد است که این حکم به فرانسه منطقه ای اقتصادی انحصار داده که حدودش با نیازهای فرانسه در این منطقه، به صورتی که طرفین در موافقتنامه ۲۷ مارس ۱۹۷۲ اعلام کرده اند، تناسب منطقی ندارد. اما داور کانادایی در نظر جداگانه خود دادگاه را به خروج از موازین انصاف متهم کرده است.

حکم دادگاه داوری که مورد انتقاد دو داور فرانسوی و کانادایی قرار گرفته است، حکمی بدیع به نظر می رسد: از این رو احتمال دارد که اجرای آن با مشکلاتی عدیده مواجه شود.

۲۵۴- حکم دیوان بین المللی دادگستری در مورد اختلافات مرزی میان هندوراس و سالوادور، ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۲

شعبه ای که در دیوان بین المللی دادگستری برای رسیدگی به اختلافات مرزی زمینی، جزیره ای و دریایی میان سالوادور و هندوراس، که براساس موافقتنامه ۲۴ مه ۱۹۸۶ موافقت کرده بودند که دیوان بین المللی دادگستری مرجع رسیدگی به اختلافات آنها باشد، تشکیل شده بود، سرانجام در ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۲ حکم نهایی خود را صادر کرد. این شعبه از پنج قاضی بین المللی ترکیب یافته بود: سه تا کامارا، رابرت جینگز، اودا که هر سه قاضی بین المللی دادگستری بودند و نیکلاس والتیکوس و تورس برناردز در مقام قضات اختصاصی (juges ad hoc) طرفین.

خلاصه حکم:

این شعبه ابتدا خط مرزی زمینی مورد اختلاف طرفین یعنی مرز مشترک دو دولت را براساس ماده ۱۶ معاهده عمومی صلح که در ۳۰ اکتبر ۱۹۸۰ به امضای دو طرف رسیده است، معین کرد، آنگاه وضعیت حقوقی جزایر واقع در خلیج فونسکا را به این ترتیب اعلام نمود که جزیره ال تیگره El Tigre متعلق به هندوراس و جزایر مه آن گوورا و مارگرینا از آن سالوادور باشد. مبنای استدلال دیوان در تعیین حد حاکمیت این دولتها استقرار وضعیت عینی و حقوقی حاکمیت این دو دولت بر این جزایر طی سالیان متبادی بوده است (Uti possidetis).

اما در مورد وضعیت حقوقی خلیج فونسکا دیوان اعلام نمود که خلیج فونسکا خلیجی تاریخی است که باید در حاکمیت مشترک سه دولت ساحلی یعنی هندوراس، نیکاراگوئه و سالوادور قرار داشته باشد. از این رو این سه دولت هر یک در این قلمرو دارای دریای سرزمینی، فلات قاره و منطقه انحصاری- اقتصادی هستند.

۲۵۵- قرار دیوان بین المللی دادگستری در رد تقاضای لیبی مبنی بر صدور قرار موقت در قضیه مربوط به تفسیر معاهده ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۲ مونترال، ۱۴ آوریل ۱۹۹۲

در ۲۱ دسامبر ۱۹۸۸ یک هواپیمای متعلق به شرکت پان امریکن، بر فراز خاک بریتانیای کبیر (لاکربی اسکاتلند) منفجر و متلاشی گردید.

دادستان کل اسکاتلند با استناد به تحقیقات به عمل آمده، در نوامبر ۱۹۹۱ دو لیبیایی را به کار گذاشتن بمب در هواپیما متهم نمود. به همین جهت دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا در ۲۷ نوامبر از دولت لیبی رسماً درخواست نمودند که این دو تن را به مقامات قضایی آنها تسلیم کند و اطلاعات و اسناد مربوط به این جنایت و همچنین اسامی معاونان و شرکای مؤثر در ارتکاب این جرم را در اختیار این دو دولت بگذارد و به آنان اجازه دهد تا رأساً عوامل اصلی این حادثه هوایی را تعقیب نمایند.

دولت لیبی بی آنکه به درخواست ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر وقعی نهد، در ۳ مارس ۱۹۹۲ دو دعوای جداگانه «در مورد تفسیر و اجرای معاهده ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۲ مونترال» بر ضد این دو دولت در دیوان بین المللی دادگستری اقامه کرد و صلاحیت دیوان را بر بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی و بند ۱ از ماده ۱۴ معاهده مونترال که به تصویب لیبی و دو دولت ایالات متحده آمریکا و بریتانیا کبیر رسیده است مبتنی نمود و بر این اساس از دادگاه جهانی خواستار گردید که اعلام کند:

۱- لیبی به تمام تعهداتی که به موجب معاهده مونترال بر عهده گرفته، عمل نموده است؛

۲- بریتانیای کبیر (و ایالات متحده آمریکا) از انجام تعهداتی که به موجب این معاهده متقبل گردیده اند تخطی نموده و همچنان آن تعهدات را نقض می نمایند؛

۳- بریتانیای کبیر (و ایالات متحده آمریکا) باید بی درنگ به تعهدات خویش عمل نمایند و از توسل به زور یا تهدید بر ضد لیبی خودداری ورزند و حاکمیت و تمامیت ارضی و استقلال سیاسی این کشور را محترم شمارند.

لیبی چند ساعت پس از تسلیم دادخواست خود به دیوان، از این دیوان درخواست نمود که به منظور حفظ حقوق دولت لیبی قراری موقت صادر کند و از این طریق دو دولت بریتانیا و ایالات متحده آمریکا را از انجام هرگونه اقدام تهدیدآمیز برای وادار ساختن لیبی

به تحویل متهمان حادثه به مقامات قضایی غیر بر حذر بدارد و دقت نماید که دو دولت یاد شده با اقدامات خودسرانه در کار قضایی دیوان بین‌المللی اخلال ننمایند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۶ و ۲۸ مارس ۱۹۹۲ اظهارات طرفین دعوا را استماع نمود و آنگاه اعلامیه مشترک دو دولت آمریکا و بریتانیای کبیر را از نظر گذراند و سپس قطعنامه‌ای را که شورای امنیت پس از بررسی اعلامیه مشترک دو دولت صادر کرده بود، مورد رسیدگی قرار داد.

شورای امنیت، در این قطعنامه (۱۹۹۲-۷۳۱) پس از اشاره به مضمون اعلامیه مشترک دو دولت و اظهار تأسف از اینکه دولت لیبی تاکنون به درخواست این دولتها پاسخی نداده و با آنها در این جهت همکاری نکرده است، از دولت لیبی درخواست کرده بود که برای دفع هرگونه اقدامات تروریستی بین‌المللی بی‌درنگ به درخواست دولتهای ایالات متحده و بریتانیای کبیر پاسخ مثبت دهد. دیوان در ۲۸ مارس ۱۹۹۲ ختم دادرسی شفاهی را اعلام کرد و برای اخذ تصمیم در مورد صدور قرار موقت وارد شور شد. اما سه روز بعد یعنی در ۳۱ مارس ۱۹۹۲، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای (۱۹۹۲-۷۸۴) صادر کرد و در آن پس از ابراز نگرانی از اینکه لیبی هنوز به قطعنامه ۷۳۱ عمل نکرده است، تأکید نمود که قلع و قمع عملیات تروریستی از جمله آن عملیاتی که دولتها بطور مستقیم یا غیرمستقیم در آن دست دارند، برای استقرار صلح و امنیت بین‌المللی ضرورت دارد. از این روی، با توجه به اینکه دولت لیبی طی این وقایع به خوبی نشان داده است که مایل نیست از اقدامات تروریستی خود دست بردارد و اینکه ایستادگی لیبی در مقابل قطعنامه ۷۳۱ خود تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌آید، شورای امنیت با استناد به مقررات فصل هفتم منشور:

از لیبی درخواست نمود که بی‌درنگ به مفاد قطعنامه ۷۳۱ عمل کند و متعهد گردد که از این اعمال دست بردارد و نشان دهد که رابطه خود را با گروههای تروریستی قطع نموده است. شورای امنیت پس از تأکید بر اینکه همه دولتها باید در ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ به مفاد قطعنامه و تصمیمات شورای امنیت عمل نمایند (ماده ۲۵)، اعلام کرد که نا دولت لیبی دست از اقدامات تروریستی خود بردارد و به درخواست دولتهای ایالات متحده و بریتانیای کبیر پاسخ مثبت ندهد، اقدامات تشبیهی سازمان ملل بر ضد آن دولت همچنان ادامه خواهد داشت. اما دیوان پس از آنکه اعلام نمود که قطعنامه ۷۸۴ دقیقاً به تکرار

درخواستهای بریتانیا و ایالات متحده آمریکا پرداخته است، از طرفین دعوی درخواست نمود که نظر خود را درباره این قطعنامه به دیوان اعلام کنند. دیوان پس از وصول نظر دولتهای طرف دعوا، با خاطر نشان ساختن این نکته که در مرحله فعلی دادرسی، کار دیوان بین المللی دادگستری فقط رسیدگی به این مسأله است که آیا اوضاع و احوال مربوط به قضیه ایجاب می کند که برای حفظ حقوق طرفین قراری موقت صادر کند؛ و اینکه دیوان در این مرحله قادر نیست که در مورد مسائل موضوعی و حکمی مربوط به قضیه اظهار نظر قاطع کند؛ ضمن محفوظ نگاهداشتن حقوق طرفین در ادامه دعوا در دیوان و ابراز دلایل موضوعی و حکمی در ماهیت امر، چنین اظهار نظر نمود که لیبی و دو دولت ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر همگی در مقام اعضای سازمان ملل متحد، به موجب ماده ۲۵ منشور ملل متحد مکلف به پذیرش و اجرای تصمیمات شورای امنیت هستند و از آنجا که قطعنامه ۷۸۴ از جمله این تصمیمات است و دولتهای عضو سازمان ملل به موجب ماده ۱۰۳ منشور قبول کرده اند که تعهداتی را که به موجب منشور متقبل گردیده اند بر سایر تعهداتی که به موجب موافقتنامه های دیگر و از جمله معاهده مونترال عهده دار شده اند مقدم بدانند، اعلام نمود که اقدامات موقتی که لیبی خواستار آن شده است طبعاً به حقوقی که ایالات متحده آمریکا و بریتانیا از قطعنامه ۷۸۴ به دست آورده اند لطمه وارد می آورد؛ در نتیجه چنین حکم نمود که اوضاع و احوال مربوط به قضیه به آن صورت نیست که دیوان بتواند بر مبنای آن قراری موقت صادر کند.

۲۵۶- قرار موقت دیوان بین المللی دادگستری در قضیه اجرای معاهده مربوط به

دفع و مجازات جرم کشتار جمعی: بوسنی- هرزگوین بر ضد صربستان و مونته نگرو

(یوگسلاوی)، ۸ آوریل ۱۹۹۳

در ۲۰ مارس ۱۹۹۳، بوسنی- هرزگوین بر اساس ماده ۹ معاهده منع کشتار جمعی که در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید، دعوی بر ضد یوگسلاوی در دیوان بین المللی دادگستری اقامه نموده و آن کشور را به نقض مقررات یاد شده و سایر موازین حقوق بین الملل متهم کرده است.

در این دادخواست، بوسنی- هرزگوین وقایعی را که از آوریل ۱۹۹۲ تا مارس

۱۹۹۳ در این کشور رخ داده، مصادیق بارز کشتار جمعی دانسته و چنین نتیجه‌گیری کرده است که چون همه این اعمال به دست عوامل ارتش مردمی یوگسلاوی و نیروهای نظامی و شبه نظامی صرب، که کمر به خدمت ارتش یوگسلاوی بسته اند، انجام گرفته است، دولت یوگسلاوی از لحاظ حقوق بین الملل مسؤؤل همه جنایاتی است که در بوسنی-هرزگوین صورت گرفته و می‌گیرد.

بوسنی-هرزگوین، همزمان با این دادخواست، دادخواستی دیگر به دیوان داد و از آن درخواست نمود که بی‌درنگ دستوراتی موقت در جهت حفظ حقوق این کشور صادر نماید؛ از جمله آنکه دستور دهد یوگسلاوی (صربستان - مونته‌نگرو) و عوامل دست‌نشانده اش در بوسنی-هرزگوین، از کشتار عام [کشتار جمعی مردم]، سفک دماء، بی‌گناهان، محاکمات صحرایی، شکنجه، تجاوز به نوامیس مردم، متله کردن افراد، امحای نژاد، انهدام وحشیانه دهکده‌ها، شهرها و مناطق پرجمعیت، ایجاد قحطی، قطع راههای مواصلاتی، بمباران مردم غیرنظامی، حبس و شکنجه افراد و ... دست بدارند و عملیات نظامی خویش را در آن کشور متوقف نمایند و از ارسال تجهیزات نظامی برای مزدوران و عاملان جنایت، خودداری بورزند. بوسنی-هرزگوین همچنین از دیوان درخواست نمود تدابیری اتخاذ نماید تا بر آن اساس دولتهای دیگر بتوانند این کشور را در جهت دفاع از مرزهایش یاری رسانند.

اما یوگسلاوی، در پاسخ به دادخواست دوم بوسنی-هرزگوین، در اول آوریل ۱۹۹۳ به دیوان بین‌المللی دادگستری توصیه نمود که دستورات موقت خود را به ترتیبی صادر کند که عوامل تحت فرمان عزت بگوویچ مقررات موافقتنامه آتش بس در بوسنی-هرزگوین را که در ۲۸ مارس ۱۹۹۳ به اجرا درآمده است رعایت کنند و معاهدات ۱۹۴۹ ژنو در مورد حمایت از قربانیان جنگ و پروتکل‌های ضمیمه آن را (پروتکل‌های ۱۹۷۷) احترام بگذارند و از کشتار صربها در بوسنی روی گردانند و کشتار آنان را متوقف نمایند و به ساکنان صربی شهرهای توزلا، زینیکا و سارایوو و سایر مناطق واقع در بوسنی-هرزگوین اجازه دهند که در کمال امنیت از محل سکونت خود خارج شوند، یوگسلاوی همچنین به دیوان توصیه نمود که یاران وفادار به عزت بگوویچ را وادار سازد که از تخریب کلیساها و اماکن مقدس ارتدکسهای صرب خودداری بورزند و مردم صرب ساکن بوسنی-هرزگوین را شکنجه نکنند و صربها را به لحاظ عقیده و ملیت تحت فشار

روانی قرار ندهند.

یوگسلاوی و بوسنی-هرزگوین هر یک در اول و دوم آوریل ۱۹۹۳ نظرگاههای خود را در این مورد نیز بطور شفاهی به استحضار دیوان رساندند.

دیوان پس از دریافت لوایح طرفین و استماع اظهارات آنان، ابتدا مشروعیت حکومت عزت بگوچ را که یوگسلاوی منکر آن شده بود مورد بررسی قرار داد؛ آنگاه در پاسخ به این ادعا اعلام کرد که چون سازمان ملل متحد، عزت بگوچ را در مقام رئیس دولت قانونی بوسنی-هرزگوین شناسایی کرده و هر رئیس دولت از لحاظ حقوق بین الملل تنها مرجعی است که در روابط بین الملل به نام کشورش اقدام می نماید، دیوان بین المللی در این مرحله از دادرسی (رسیدگی به دادخواست صدور قرار موقت) موظف است که تقاضای دولت عزت بگوچ را در حد اقدام قانونی یک دولت مورد توجه قرار دهد.

اما در مورد صلاحیت رسیدگی به این دادخواست، دیوان اظهار نظر نمود که صدور قرار موقت آنگاه لازم می نماید که مقررات مورد استناد خواهان و اساسنامه دیوان اجمالاً و ظاهراً Prima facie برای اثبات صلاحیت شخصی (ratione personae) و صلاحیت ذاتی (ratione materiae) دیوان کفایت کند.

در مورد صلاحیت شخصی، دیوان با توجه به نکته ای که بوسنی-هرزگوین در لایحه خود متذکر آن شده و ادعا کرده بود که چون یوگسلاوی فعلی جانشین بلافصل جمهوری فدرال سوسیالیستی یوگسلاوی سابق که عضو سازمان ملل متحد بوده، نیست، «تداومی» میان این دو واحد سیاسی وجود ندارد و از این لحاظ جامعه بین المللی و همچنین شورای امنیت (قطعنامه ۷۷۷) و مجمع عمومی (قطعنامه ۴۷/۱) نظر خود را صراحتاً اعلام داشته اند؛ ضمن اشاره به نامه مشاور حقوقی سازمان ملل که خطاب به نمایندگان دائم بوسنی-هرزگوین و کرواسی نگاشته شده و در آن به نتایج عملی قطعنامه ۴۷/۱ مجمع عمومی و مطرح بودن مسأله از لحاظ حقوقی سخن به میان آمده است، اعلام کرد که در مرحله فعلی دادرسی، اصولاً نمی تواند در مورد عضویت یوگسلاوی در سازمان ملل و در نتیجه عضویت این کشور در دیوان بین المللی حکمی قاطع دهد؛ زیرا با آنکه ماده ۳۵ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری فقط به دولتهای عضو اساسنامه اجازه اقامه دعوا در دیوان را داده است، در بند ۲ مقرر کرده است:

«شرایطی را که به موجب آنها سایر دولتها، بتوانند، با رعایت مقررات خاص

معاهدات جاری، در دیوان اقامه دعوا نمایند، شورای امنیت معین خواهد کرد؛ بی آنکه در هیچ موردی طرفین دعوا در مقابل دیوان نابرابر به شمار آیند».

به همین دلیل، دیوان اعلام کرد که هر دولت می تواند دولتی دیگر را که به اساسنامه ملحق نشده است به لحاظ مقررات خاص معاهده ای معتبر، و بی آنکه نیازی به وساطت شورای امنیت در این مورد باشد، به دیوان فرا خواند؛ در این قضیه ماده ۹ معاهده منع کشتار جمعی کاملاً کفایت می کند، زیرا بوسنی-هرزگوین و یوگسلاوی به این معاهده پیوسته اند و از این رو می توانند هر اختلافی را که موضوع این ماده باشد به دیوان بین المللی ارجاع دهند.

به موجب این ماده:

«اختلافاتی که میان طرفین متعاقد در مورد تفسیر، اعمال یا اجرای معاهده حاضر و همچنین مسائل مربوط به مسؤولیت یکی از آنها در قبال کشتار عام یا یکی از اعمال مذکور در ماده ۳ به وجود آید، با شکایت یکی از طرفین قابل طرح در دیوان بین المللی دادگستری است».

دیوان، با توجه به اینکه جمهوری فدرال سوسیالیست یوگسلاوی در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۸ این معاهده را امضا کرده و اسناد تصویب مربوط به آن را بدون قید شرط در ۲۹ اوت ۱۹۵۰ تودیع نموده است و با در نظر گرفتن این امر که هر یک از طرفین بر بخشی از سرزمین جمهوری سابق یوگسلاوی حکومت می کند، به بررسی دو سند پرداخت: یکی اعلامیه ای که به موجب آن یوگسلاوی فعلی در ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ صادر کرده و بنابراین اراده خود را مبنی بر رعایت معاهدات بین المللی مورد قبول یوگسلاوی سابق، ظاهر ساخته است و دیگر اعلامیه ای که بوسنی-هرزگوین در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۲ منتشر کرده و خود را در قبال معاهده منع کشتار جمعی وارث یوگسلاوی سابق معرفی کرده است.

یوگسلاوی فعلی معتقد بود که بوسنی-هرزگوین نه وارث این معاهده که ملحق به آن است. از این رو به موجب ماده ۱۱ همین معاهده باید نود روز پس از تودیع سند تصویب خود، یکی از طرفین آن به شمار آید؛ که اگر چنین باشد، دیوان دیگر صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت. اما دیوان در پاسخ، اظهار نمود که در این مرحله از رسیدگی، صدور دستورات موقت مستلزم رسیدگی به این امر نیست؛ زیرا آنچه فکر دیوان را در این زمان به خود مشغول داشته است، بیشتر اوضاع و احوال حال زمان حاضر و آینده است تا گذشته؛

به همین دلیل اعلام کرده که ماده ۹ معاهده منع کشتار جمعی می تواند به ظاهر مبنایی برای صلاحیت آن در رسیدگی به اختلاف مربوط به تفسیر، اعمال یا اجرای معاهده و همچنین اختلافات مربوط به مسؤلیت یکی از طرفین در قبال کشتار عام یا سایر مسائل مربوط به ماده ۳ معاهده باشد.

دیوان همچنین مبنایی دیگر را که بوسنی-هرزگوین برای اثبات صلاحیت دیوان معرفی کرده بود مورد رسیدگی قرار داد. این مبنا عبارت بود از نامه ای که رئیس جمهور مونته نگرو و رئیس جمهور صربستان در ۸ ژوئن ۱۹۹۲ به کمیسیون داوران کنفرانس بین المللی صلح تسلیم کرده بودند. دیوان پس از بررسی موضوع این نامه اعلام کرد که سند یاد شده نمی تواند اجمالاً و به ظاهر (prima facie) مبنایی برای صلاحیت دیوان در رسیدگی به موضوع ماده ۹ معاهده منع کشتار جمعی باشد.

گذشته از این، دیوان این ادعای یوگسلاوی را که بنا بر آن دیوان نباید مادام که شورای امنیت به قضیه رسیدگی می کند قراری موقت صادر کند، رد کرد و چنین نظر داد که شورای امنیت صلاحیتهایی سیاسی دارد و دیوان بین المللی دادگستری صلاحیتهای قضایی. هر دو رکن باید به وظیفه خود عمل نمایند، هر چند که اقدامات یکی می تواند در به ثمر رسیدن اقدامات آن دیگری مؤثر افتد.

آنگاه دیوان به بررسی محتوای «حقوقی» پرداخت که می بایست دستوراتی موقت برای حفظ آنها صادر نماید؛ از این رو به تحلیل آن «حقوقی» پرداخت که در معاهده منع کشتار جمعی ذکر شده و بدین لحاظ می تواند موضوع حکم آینده دیوان بر مبنای مفهوم و منطوق ماده ۹ این معاهده باشند.

دیوان، سرانجام با توجه به اینکه اعمال جنایتکارانه مورد ادعای بوسنی-هرزگوین همچنان رو به فزونی بوده و مسائل موضوعی مندرج در دادخواست حاکی از مداخله مستقیم و غیرمستقیم یوگسلاوی در این امر است و اینکه یوگسلاوی قصد متوقف کردن آنها را ندارد، و با استناد به ماده ۱ معاهده منع کشتار جمعی که به موجب آن هر یک از طرفین ملزم به دفع این جنایات و مجازات عاملان آن شده است و با در نظر گرفتن این نکته که ادامه این قبیل اعمال مسلماً به کشتار واقعی مردم خواهد انجامید، بی آنکه در مورد مصداق یافتن این جرائم در گذشته، اظهار نظر نماید، از دو دولت خواست که تا آنجا که توان دارند در دفع خطر بکوشند؛ بنابراین بر اساس ماده ۴۱ اساسنامه دستوراتی موقت برای متوقف کردن

اینگونه اعمال خشن صادر کرد.

دیوان در این قرار، ضمن خاطر نشان ساختن این نکته که صدور این قرار امکان دارد وضع را بحرانی تر کند، از قطعنامه ای یاد نموده که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۵۱ به تصویب رسانده و ضمن آن بر این نکته پافشاری کرده است که:

«جنایت کشتار عام که وجدان بشر را پریشان می سازد و انسانهای زیادی را به خاک هلاک می افکند... برخلاف قانون اخلاق و همچنین روح و غایات ملل متحد است.»

آنگاه به اتفاق آرا از دولت جمهوری فدراتیو یوگسلاوی (صربستان و مونته نگرو) درخواست نموده است که بی درنگ به تعهدات بین المللی خویش در قلمرو معاهده ۹ دسامبر ۱۹۴۸ عمل نماید و تا آنجا که امکان دارد در دفع این جنایت (کشتار عام) بکوشد؛ همچنان که با ۱۳ رأی مثبت در مقابل یک رأی منفی (قاضی تاراسف)، جمهوری فدراتیو یوگسلاوی را موظف کرده است که به نیروهای تحت فرمانش دستور دهد که از بروز وقایع نابهنجاری که منجر به پدیداری این جرم می شوند، ممانعت به عمل آورند و از تحریک افراد دست نشانده بر ضد مسلمانان بوسنی-هرزگوین خودداری بورزند و مردم را از لحاظ ملیت، نژاد و مذهب تحت فشار نگذارند.

== د ککړیو

حقوق بین الملل اوپنهایم، چاپ نهم، جلد اول: صلح، ویراستاران: سر ابروت جنینگز و سر آرتور واتز، انتشارات لانگ من، ۱۹۹۲، ۱۳۳۳ صفحه + ضمائم [جلد نخست، مقدمه و قسمت اول، ۵۵۴ صفحه + ضمائم: جلد دوم، قسمت دوم تا چهارم، ۵۶۱ صفحه + ضمائم].

Oppenheim's International Law, Edited by Sir Robert Jennings and Sir Arthur Watts, Longman, 1992.

شاهکار کلاسیک ادبیات حقوق بین الملل، «حقوق بین الملل اوپنهایم» برای نخستین بار در ۱۹۰۵-۱۹۰۶ به زیور طبع آراسته گردید و در مدتی قریب به نیم قرن هفت بار تجدید چاپ شد.

پروفیسور لوتریاخت (سرهرش) که مسؤلیت چاپهای پنجم و ششم و هفتم این کتاب

را به عهده داشت [چاپ هفتم جلد اول در ۱۹۴۸ منتشر شد و جلد دوم در ۱۹۵۸] در تدارک چاپ هشتم این کتاب بود که اجل مهلتش نداد و در ۱۹۶۰ به سرای باقی شناخت. از اوراق تحقیق سرهرش لوترپاخت که فرزندش الیهولوترپاخت آنها را جمع آوری کرده است، چنین بر می آید که پروفسور ففید به راستی در صدد بازنویسی این مفصل نبوده و فقط قصد داشته است که مضامین آن را روزآمد کند. به هر تقدیر با آنکه این اثر کلاسیک همچنان مورد استفاده علمی و عملی حقوقدانان قرار می گرفت؛ این واقعیت پدیدار شده بود که محتوای چنان اثر مهمی باید با حقایق بین المللی جهان و تحولاتی که در حقوق بین الملل به وجود آمده است، تطبیق داده شود. خوشبختانه دو تن از نام آوردن بزرگ حقوق بین الملل، پروفسور رابرت جنینگز استاد سابق دانشگاه کمبریج و سرآرتور واتز، مشاور حقوقی سابق وزارت امور خارجه انگلستان آستین همت بالا زدند و به انفاق یکدیگر، اما با رعایت سیاق فکری خالق اثر و ویراستار پیشین آن، این کتاب را به صورتی درآورده اند که از هر حیث در خور ستایش و تقدیر است.

از آنجا که به اعتقاد ویراستاران جدید، تعلیم و تعلم وقتی موثر می افتد که سننهای صحیح دیرین با برجا بمانند، ساختار و زبان کتاب، به صورتی که در چاپ هشتم دیده می شود، تا حد ممکن حفظ شده است.**

نویسندگان کتاب تحلیلهای خود را همچون ویراستاران پیشین بر مبنای اهمیت مقام دولت در وضع و اعمال حقوق بین الملل بنیان نهاده اند و تا آنجا که توانسته اند از استعمال اصطلاحات رایج روز که به زعم آنان پس از چندی بی اعتبار خواهد شد، احتراز جسته اند.

مطالب این کتاب بر اساس طرحهای سابق طبقه بندی گردیده است؛ چنانکه پس از بیان مقدمه مفصلی که به مبانی و منابع حقوق بین الملل اختصاص داده شده، این کتاب به ترتیب از تابعان حقوق بین الملل، موضوعات حقوق بین الملل، ارگانهای دولتی روابط بین الملل و مبادلات بین المللی که اساساً در قلمرو حقوق معاهدات قرار گرفته، سخن به میان آورده است.

نویسندگان این کتاب به لحاظ تسلط علمی و مهارتی که در این فن داشته اند، حقوق

*. سرآرتور واتز در ۱۹۶۲ با همکاری لرد مک نر کتاب "Legal Effects of war" را تألیف کرده است.

**."Not only we have followed so far as possible to keep the language of the 8 th. edition..." see preface, p. XII.

بین الملل موضوعه را با استفاده از روشی منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، ضمن در نظر گرفتن تحولات بین الملل از دهه پنجاه تا به امروز، از مباحث جدیدی گفتگو کرده اند؛ چنانکه، صرف نظر از مطالعه معاهدات بین المللی که کمیسیون حقوق بین الملل تدوین نموده، محتوای سایر معاهدات مهم بین المللی از قبیل معاهدات مربوط به دریا، فضا، محیط زیست، حمایت از حقوق بشر... را نیز تحلیل کرده و در این راه از رویه قضایی بین المللی و طرز عمل دولتها مدد جسته اند.

کتابنامه مفصل، مراجع و مآخذ متعدد و همچنین ضائمی که به این کتاب افزوده شده، از آن اثری بدیع پدید آورده است که هر حقوقدان بین المللی از هر نحله که باشد، آن را خواهد ستود. گذشته از این، کتاب حقوق بین الملل اوپنهایم پیش از آنکه مورد استفاده مجامع صرفاً علمی جهانی باشد، در عمل ابزار کار مفیدی برای حقوقدانان و زمینه ای مساعد برای تحقیق در مورد مسائل خاص [بین المللی] به شمار می آید.^{***}

طبع جدید «حقوق بین الملل اوپنهایم» به لحاظ اولیاتی که به مقررات موجود (*lex lata*) در قبال مقررات آرمانی (*lex ferenda*) داده است، بدون تردید اثری موفق می نماید. با این وصف معلوم نیست که چرا نویسندگان دانشمندان این کتاب اصرار داشته اند که چارچوب پوسیده ای را که صد سال از عمرش می گذرد، همچنان حفظ نمایند و برای مثال فرد را در طبقه بندی مباحث کتاب، در مقوله ابزارهای حقوق بین الملل جای دهند؛ گویانکه خود نیز معترف بوده اند که دیری نخواهد پایید که دیگر دولتها تابع انحصاری حقوق بین الملل به شمار نخواهند آمد و افراد نیز در حدی معین همچون تابعان حقوق بین الملل در صحنه روابط بین الملل ابراز وجود خواهند کرد.^{****}

**حقوق بین الملل عمومی، اثر نگوین کوك دین، پاتریک دایه، آلن پله، چاپ چهارم
پاریس ۱۹۹۲، ۱۲۶۹ ص.**

Droit international public, Nguyen Quoc Dinh, Patrick Daillier, Alain Pellet,
1992.

***, "That is its status as a practitioner's book, rather than an academic treatise, and its attempts to provide a helpful beginning for an inquiry in to particular problems" See: preface, p.XIII.
****, "It is no longer possible as a matter of positive law, to regard States as the only subjects of international law and there is an increasing disposition to treat individuals, within a limited sphere, as subjects of international law" see pp. 848-849, par. 375.

این کتاب در واقع صورت جامع جزوه‌ای است که پروفیسور دین در دوران تدریس خود در دانشگاه پاریس برای استفاده دانشجویان حقوق تهیه و تدوین کرده بود. در ۱۹۷۵، اندکی پیش از آنکه این استاد ویتنامی تبار چشم از جهان ببوشد، این کتاب برای نخستین بار به طبع رسید. چاپهای بعدی این کتاب با تلاش و پشتکار دو تن از شاگردان سابق پروفیسور دین و استادان فعلی دانشگاه پاریس به جامعه دانشگاهی عرضه شد. حجم کتاب در چاپ چهارم از ۸۰۰ صفحه به حدود ۱۳۰۰ صفحه افزایش یافته است، البته بی آنکه در روح و چهارچوب اولیه کتاب تغییراتی به وجود آید. با این وصف پروفیسور دایه و آلن پله در چاپ چهارم، با توجه به احکام و آرا محاکم قضایی بین المللی، گسترده شدن مضامین حقوق بین الملل و آموزه‌های علما و صاحب‌نظران دنیا به کتاب روح تازه‌ای دمیده‌اند و چشم‌اندازهای جدیدی در قلمرو روابط بین الملل گشوده‌اند، چندان که خواننده درباره هر مسأله‌ای از مسائل حقوق بین الملل می‌تواند بدان مراجعه کند و اطلاعاتی دقیق به دست آورد. ضامم‌القبایب دقیق، ضامم‌مربوطه به آرای قضایی به این کتاب اهمیت بیشتری داده‌اند.

مسلم است که کتاب «حقوق بین الملل» کوک دین و ... نه تنها برای دانشجویان که برای همه آن کسانی که در قلمرو حقوق بین الملل به کار تحقیق اشتغال دارند، مفید و موثر می‌نماید.

و - و قیامت معاصرین

شارل روسو، استاد صاحب نام حقوق بین الملل در ۱۴ فوریه ۱۹۹۳ چشم
بر جهان فرو بست.

شارل روسو Charles Rousseau در ۱۹۰۲ به دنیا آمد. پس از آنکه تحصیلات
ابتدایی خود را تمام کرد، در پواتیه Poitier و سن میکان st-Maixent تحصیلات
متوسطه را آغاز کرد و با موفقیت آن را به انجام رساند. آنگاه وارد دانشکده حقوق پاریس
شد و به سبب علاقه ای که به حقوق بین الملل داشت، بدان روی آورد تا آنکه سرانجام در
۱۹۲۷ با راهنمایی پروفسور ژول بدوان Jules Basdevant توانست از رساله دکتری خود
تحت عنوان «صلاحیت جامعه ملل در حل اختلافات بین المللی» «La compétence de la
Société de Nations dans le règlement des conflits internationaux» دفاع نماید.
این رساله از جمله رساله های درخشانی است که دانشگاه پاریس همچنان بدان مفتخر و

مباهی است. شارل روسو، پس از پایان تحصیلات دکتری خود، مدرس حقوق بین الملل در دانشکده حقوق بردو Bordeaux شد و در ۱۹۳۲ موفق به گذراندن امتحان استادی گردید. پس در دانشکده حقوق رن Rennes در مقام استادی حقوق بین الملل به کار مشغول شد و تا زمان جنگ به آن ادامه داد، تا آنکه در ۱۹۴۵ به دانشگاه پاریس منتقل گردید.

روسو از آن پس در دانشکده حقوق پاریس و مؤسسه مطالعات سیاسی به تدریس پرداخت و پس از آنکه پروفسور مارسل سیبر Marcel Sibert از دنیا رفت، مدیریت مرکز مطالعات عالی پاریس را به عهده گرفت. وی تا ۱۹۷۲ که بازنشسته شد در این سمت انجام وظیفه کرد.

شارل روسو از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۲ رساله‌های زیادی را راهنمایی کرد و علاوه بر آن در مقام عضو هیأت داوران انتخاب استاد، در شش دوره متوالی در این کار فعالیت نمود. استاد فقید، به موازات اشتغالات علمی به کارهای عملی نیز علاقه نشان داد؛ چنانکه ابتدا مشاور فنی و سپس مشاور مطبوعاتی و اطلاعاتی وزارت امور خارجه فرانسه شد و در ۱۹۴۹ تا مقام رایزنی حقوقی آن وزارتخانه ارتقاء یافت. شارل روسو در ۱۹۵۱ در مقام نماینده دولت فرانسه در قضیه «شرط بر معاهده منع کشتار عام» که در دیوان بین المللی دادگستری مطرح شده بود شرکت کرد و از ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۶ در همین مقام در قضیه فانوسهای دریایی در دادگاه دآوری فرانسه - یونان انجام وظیفه نمود.

شارل روسو در طول حیات خود کتابها و مقالات بسیاری نوشته است که از آن جمله می‌توان به شش جلد مفصل حقوق بین الملل عمومی [۵ جلد درباره حقوق بین الملل صلح و یک جلد جداگانه درباره حقوق مخاصمات مسلحانه] اشاره کرد. نگارش این مجلدات از ۱۹۷۱ تا ۱۹۸۳ به طول انجامیده است. اصول کلی حقوق بین الملل عمومی (۱۹۴۶) و مختصر حقوق بین الملل عمومی (دالز - ۱۹۵۳) نیز از جمله آثار باارزشی است که از روسو به یادگار مانده است. مفصل حقوق بین الملل عمومی وی با سه هزار و هفتصد صفحه مشتمل بر کلیه مسائلی است که نظام بین الملل با آنها سروکار دارد. کتابنامه‌های مفصل این دوره از حقوق بین الملل گنجینه‌ای گرانبهاست که فقط محققان و پژوهشگران از ارزش آن باخبرند. اما آنچه از همه مهتر می‌نماید، تفکر منسجم روسو است که با الهام گرفتن از رویه قضایی و دیپلماتیک بر تمام مباحث این کتابها سایه افکنده است. شارل روسو در مفصل حقوق بین الملل عمومی سعی کرده است که با توجه به رویه موجود،

حقوق بین الملل موضوعه را تشریح نماید. با این حال هیچگاه فراموش نکرده که «انسان» غایت هر نظام حقوقی اعم از بین المللی یا ملی است (جلد دوم، مفصل حقوق بین الملل عمومی، ص ۶۹۶). روسو در تألیف شاهکار حقوقی خود، تحت تأثیر افکار ژول بدوان بوده و از این رو تجزیه و تحلیلها علمی خود را با استفاده از روشهای علمی وی به انجام رسانده است؛ همچنانکه نظریه «صلاحیتهای دولت» را نیز با توجه به نظریه های بی بدیل ژرژ سل ساخته و پرداخته است.

از جمله خدمات ارزنده شارل روسو به عالم علم، تحلیلهای روز به روز وی از اوضاع و احوال سیاسی جهان است که در جهت شناخت واقعیات بین المللی بسیار مؤثر و مفید بوده است. ما در تدوین این گاه شمار از تحلیلهای خردمندانه او بسیار بهره برده ایم. شارل روسو سلسله تحقیقات خود را در این قلمرو پس از مرگ مارسل سبیر (Marcel Sibert) در ۱۹۶۸ شروع کرد و تا واپسین دم حیات یعنی تا ۱۹۹۳ دست از این کار برنداشت.

روسو از معدود صاحب نظران بین المللی بود که تمام عمر خویش را وقف تحقیق و تتبع در متون و اسناد بین المللی نمود و از خود آثار ارزنده ای به جای گذاشت. شاگردان برجسته وی امروز هر یک در گوشه و کنار عالم از جمله اساتید و صاحب نظر بین المللی به شمار می آیند. روزن (Rosenne) صاحب نظر معروف بین المللی و نمائی دبیرکل سازمان ملل متحد شواهدی زنده از این مدعا هستند.

روانش شاد و یادش گرامی باد.

استاد محمدعلی حکمت ۱۲۸۹-۱۳۷۲

آن گرد شتابنده که در دامن صحراست
 گوید چه نشینی که سواران همه رفتند
 داغ است دل لاله و نیلی است بر سرو
 کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند
 گر نادره معدوم شود هیچ عجب نیست
 کز کاخ هنر نادره کاران همه رفتند
 افسوس که افسانه سرایان همه خفتند
 اندوه که اندوه گساران همه رفتند
 فریاد که گنجینه طرازان معانی
 گنجینه نهادند به یاران همه رفتند
 یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران
 تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند
 خون بار بهار از مژه در فرقت احباب
 کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند*

استاد محمدعلی حکمت در ۱۲۸۹ در شیراز پای به عرصه وجود گذاشت. پدرش میرزا احمدخان حشمت الممالک از رجال نامدار و فرهنگ دوست فارس بود و محمدعلی آخرین فرزند پسر او. ** وی تحصیلات ابتدایی و سیکل اول متوسطه را در مدرسه شفاعیه شیراز و تحصیلات سیکل دوم متوسطه را در دارالفنون تهران (۱۳۰۵-۱۳۰۷) به انجام رساند. آنگاه به قصد تحصیل در رشته حقوق به فرانسه عزیمت کرد. زبان فرانسه را در یکی از مدارس شهر رنس فرا گرفت و سپس در دانشکده حقوق تولوز ثبت نام نمود. پس از

*. ملک الشعراء بهار، دیوان اشعار، جلد دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶، صص ۳۸۲-۳۸۳.

** . میرزا احمدخان سه دختر و چهار پسر داشت پسران نامبرده علی اصغر، حسنعلی، ابوالحسن و محمدعلی بودند. در حال حاضر آقای حسنعلی حکمت متخلص به «بخرد» در قید حیات هستند. برای مطالعه شرح حال خانواده حکمت به دیوان بخرد در سه جلد اثر آقای حسنعلی حکمت مراجعه کنید.

اخذ درجه لیسانس به دانشکده حقوق پاریس راه یافت و در ۱۳۱۶ با دفاع از رساله خود موفق به اخذ درجه دکتری دولتی حقوق از دانشگاه پاریس گردید. وی از ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ در مؤسسه عالی مطالعات حقوق بین الملل و مدرسه علوم سیاسی پاریس و در ۱۳۱۵ در مؤسسه عالی مطالعات حقوق بین الملل لاهه نیز به تحقیق و تتبع علمی اشتغال داشته است. دکتر حکمت، پس از مراجعت به ایران در ۱۳۲۳ کار خود را در دانشکده حقوق دانشگاه تهران آغاز کرد و تا سال ۱۳۴۹ در مقام استاد حقوق بین الملل و تاریخ دیپلماسی عمومی در این دانشکده به کار تدریس پرداخت. وی علاوه بر کار تدریس، در ۱۹۵۸ در هیأت نمایندگی ایران در کنفرانس حقوق دریاهای، از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۲ در سفارت ایران در سویس و از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ در سفارت ایران در لندن و از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ در سفارت ایران در فرانسه مقام رایزنی داشته و سپس تا آخر عمر با شعبه پاریس دفتر خدمات حقوقی بین المللی همکاری کرده است.

دکتر حکمت در دوران خدمت دانشگاهی خود آثار ارزنده ای اعم از تألیف و ترجمه به جای گذاشته است که از آن میان می توان به حقوق عام ملل (تألیف) و حقوق بین الملل عمومی (ترجمه) اشاره کرد. ترجمه ای که استاد حکمت از این کتاب (تألیف شارل روسو) به عمل آورده است سبک و سیاقی مخصوص به خود دارد و از دقت و وسواس علمی مترجم در برگرداندن عبارات فرانسوی به فارسی حکایت می کند. وی در مقدمه ای که بر این کتاب نگاشته، روش دقیق کار خود را در ترجمه به تفصیل بیان کرده و ضمن آن صفحاتی برای بسیاری از اصطلاحات فرانسوی معادلهایی مناسب انتخاب نموده و دلیل انتخاب خود را نیز در هر مورد دقیقاً توضیح داده است؛ مثلاً برای کلمه *Le pays* معادل مرز و بوم را برگزیده و چنین استدلال کرده است که «در زبان فارسی ما از قدیم الایام برای رساندن مفهوم *Le pays* کلمه بسیار با معنای مشخصی داریم [داشته ایم] که اگر با *pays* فرانسه از یک ریشه نباشد، دارای یک مفهوم است و آن کلمه «بوم و بر» و «مرز و بوم» یا «بوم» است که حتی در عهد عتیق به همین معنی آمده است، چنانکه در بند چهارم از کتیبه معروف دارای اول در بیستون چنین نوشته اند «چون اهورامزدا دید که کار این بوم پریشان شده است، آن را به من سپرد، مرا شاهی داد. من شاهم و به فضل اهورامزدا کار این بوم را سامان بخشیده ام» و بعد چنانکه فردوسی

۱. نک. حقوق بین الملل عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷، ج. ۱، صفحه سی و هفت به بعد.

فرماید:

«چو ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یکتن مباد»^۱

با این وصف، دکتر حکمت به مشکلات ناشی از ترجمه واژه‌های بیگانه و یا اصطلاح‌سازی، آگاه بوده و اعتقاد داشته است که چنان مشکلاتی فقط با تحقیقات و تتبعات جمعی عالمان هر فن امکان پذیر می‌نماید، زیرا به عقیده وی با ورود تمدن غربی و به میان آمدن مباحث و مسائل تمدن صحیح جهانی یا «مدرنیسم» واقعی و بر باد رفتن اوقات شناخت و دریافت و نشر و اخذ صحیح آن و وجود هرج و مرج فکری و نبودن روش علمی و وسائل عملی مربوط به علوم و فنون تازه، مسلم و واضح است که کار تفهیم و تفاهم در هر زمینه و در هر مطلب با چنان مشکلاتی رو به رو گردیده است که سنجش آثار و نتایج و محصول آن اگر ناممکن نباشد، حتماً به سهولت نیز صورت پذیر نخواهد گردید.^۲

استاد محمدعلی حکمت مردی پارسا، وارسته و با مروت بود. خلقی خوش و رفتاری به غایت نیکو داشت و تا واپسین دم حیات از تحقیق و تدقیق در متون علمی حقوقی باز نایستاد.

خدایش بیامرزد!

۲. همان. ص. صد و بیست و هشت.

۳. همان. ص. صد و چهل و هشت.

۴. همان، ص. صد و پنجاه.